اسرار تمدن چین باستان

نویسنده: بهنام محمدپناه



اسرار تمدن چین باستان

مؤلف: بهنام محمد پناه

سبزان

سرشناسه	:	محمدپناه، بهنام، ۱۳۵۴
عنوان و پدیدآور	:	اسرار تمدن چین باستان / بهنام محمدپناه.
مشخصات نشر	:	تهران: سبزان، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	:	۱۲۸ص.: مصور، نقشه.
شابک	:	978-600-117-008-9
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
موضوع	:	افسانه‌ها و قصه‌های چینی
موضوع	:	چین – تمدن – مسائل متفرقه
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۸۸ ۵الف ۳م/۷۲۱ DS
رده‌بندی دیویی	:	۹۵۱
شماره‌ی کتابشناسی ملی	:	۱۸۶۴۱۰۲

سبزان

انتشارات سبزان

میدان فردوسی – خیابان فرصت – ساختمان ۵۴ تلفن: ۸۸۳۱۹۵۵۸-۸۸۸۴۷۰۴۴

اسرار تمدن چین باستان

- مترجم: بهنام محمدپناه
- ناشر: سبزان
- حروف‌چینی، صفحه‌آرایی، طراحی و لیتوگرافی: مجتمع خدمات چاپ امید ۸۸۳۴۸۹۹۱
- نوبت چاپ: اول – ۱۳۸۹
- تیراژ: ۲۰۰۰ جلد
- قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: سحاب

فروش اینترنتی و online از طریق سایت آی آی کتاب www.iiketab.com

شابک ۹ -۰۰۸- ۱۱۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸ ISBN 978 - 600 - 117 - 008 - 9

فهرست

عنوان **صفحه**

پیشگفتار

سرزمین کهنسال چین، جزو وسیع‌ترین ممالک جهان است. جمعیت آن در حدود یک چهارم جمعیت کل دنیا است و بلندترین کوه‌ها، وسیع‌ترین بیابان‌ها و پهناورترین اقیانوس‌ها آن را احاطه کرده‌اند. با این‌که از دیرباز مورّخان چینی، همهٔ وقایع را ثبت کرده‌اند، محققین امروزی، گزارش‌ها و آثاری را که پیش از ۷۶۶ قبل از میلاد به رشته تحریر درآمده است را در خور اعتماد نمی‌دانند، زیرا وقایع‌نگاران چینی چندان در قید و بند ذکر حقایق نبودند، بلکه به فراخور ذوق و سلیقهٔ خود، مطالب و داستان‌های افسانه‌ای بر تاریخ این مملکت افزوده‌اند. بنابر یکی از داستان‌های کهن چینی، آدم نخستین پس از آن‌که ۱۸ هزار سال رنج کشید، توانست به گیتی شکل ببخشد. او در حالی که کار می‌کرد از نفسش ابر و باد، از آوازش تندر، از رگ‌هایش رودخانه‌ها، از موهایش سبزه و درخت، از استخوانش فلزات و از عرقش باران پدید آمد و از حشراتی که بر بدنش نشسته بودند، نوع انسان زاده شد. نخستین شاهان چین هر یک هزاران سال سلطنت کردند و خاقان‌های چین تقریباً از ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد، به تدریج راه و رسم زندگی را به مردم آموختند.

پیش از آن‌که چینیان با تمدن غرب و خاورمیانه آشنا شوند، مردم آن نواحی را وحشی می‌شمردند. آن‌ها حتی تا سال ۱۸۶۰ در همهٔ اسناد رسمی به جای کلمهٔ بیگانه واژهٔ بربرها را استفاده می‌کردند و خود را برگزیدهٔ اقوام جهان می‌شمردند. با وجود این خود همواره درگیر هرج و مرج سیاسی، فقر، سیل، خشکسالی، جادوگری، تولید مثل بی‌بند و بار و ... بودند، اما در پس این پردهٔ تاریک، یکی از کهن‌ترین تمدن‌های زندهٔ جهان وجود داشت. سنت شعر آن‌ها به ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد. فلسفهٔ کهنسال چینی گرچه با خیال، آمیخته است و از دید فیلسوفان غربی ژرف و دست‌نیافتنی است، باز حرف‌هایی برای گفتن دارد.

ساخت ظروف چینی و پیکرسازی آنان استادانه و در نوع خود بی‌نظیر است. هنرهای خرد و کوچک آنان در اوج سادگی و کمال است و جز در ژاپن رقیبی ندارند. سازمان اجتماعی آنان بیش از همهٔ اجتماعات تاریخ جهان تاب آورده است و امروزه نیز انبوه‌ترین جمعیت را سامان می‌بخشد و بالاخره شکل حکومتی آنان که در چند قرن اخیر نابود شد، همواره کمال مطلوب فیلسوفان بوده است. جامعهٔ چین نیز همراه با فراز و نشیب تمدن‌های بابل، آشور، ایران، یونان، روم، و اروپای قرون وسطی اروپا رشد کرد و تاکنون پایدار مانده است.

چین کشوری است آسیایی با حدود ۱۰ میلیون کیلومتر مربع که سومین کشور جهان از حیث بزرگی محسوب می‌شود. این کشور همچنین با جمعیتی در حدود یک میلیارد و دویست میلیون نفر، پرجمعیت‌ترین کشور دنیا است. چین امروزی با کشورهای روسیه، مغولستان، هند، نپال، بوتان، برمه، لائوس، ویتنام، پاکستان، افغانستان و کرهٔ شمالی همسایه است. ۹۳٪ مردم آن را نژاد هان و مابقی را نژادهای دیگر تشکیل می‌دهند. بیش‌تر مردم چین بی‌دین هستند و البته بسیاری از آنان تحت تعالیم بودا و کنفوسیوس قرار دارند.

از شهرهای مهم چین به جز بیجینگ (پکن) که پایتخت است، می‌توان به شانگهای، تین تین، چونگ‌کنگ و کانتون اشاره کرد. چین از حیث تنوع خاک و زمین، کشوری غنی است و منابع زیر زمینی فراوانی دارد. از نظر تاریخی نیز کشوری با قدمت طولانی محسوب شده و تمدن آن بسیار کهن است.

قدیمی‌ترین حکومتی که از آن اطلاع داریم، حکومت خاندان شانگ است که در ۱۵۲۳ قبل از میلاد، تشکیل گردید. در طول صدها سال، چین وقایع مختلف و حکومت‌های فراوانی را به خود دیده است، آیین‌های بودایی و کنفوسیوسی در چین رواج یافته و تمدن‌های دیگری نظیر هند و ایران و مصر به آن نفوذ کرده‌اند. دیوار بزرگ چین که از بناهای اعجاب‌انگیز بشر است، در نخستین دورهٔ امپراتوری آن تأسیس گردید. در سال ۱۲۷۹ میلادی، مغول‌ها مقاومت چین جنوبی را درهم شکستند و بدین ترتیب، برای اولین بار، سراسر چین تحت سلطهٔ خارجی درآمد. از قرون پانزده و شانزده میلادی پای اروپایی‌ها به چین باز شد و حتی آن‌ها حکومت‌هایی هم در نقاط مختلف این کشور برپا کردند. در قرن بیستم و طی جنگ جهانی دوم، ژاپن قسمت‌هایی از چین، یعنی منچوری را اشغال کرد. سرانجام در سال ۱۹۴۹، چین تحت سلطه کمونیست‌ها استقلال یافت و به کشوری مقتدر تبدیل شد.

افسانه‌ها و داستان‌های عامیانهٔ چین باستان

بخشی از اساطیر و افسانه‌های ملل باستانی به آفرینش آسمان و زمین و ساکنان آن اختصاص دارد. درخصوص تمدن چین نیز این‌گونه است. دانشمندان و محققان با بررسی صدها کتیبه و نوشته‌های قدیمی، موفق شدند تعدادی از مشهورترین افسانه‌های قدیمی این دیار را به رشته تحریر درآورند. در اکثر این منابع، مبدأ آفرینش جهان هیولایی به نام *پان‌گو*[1] است که به شکل نامعلومی از درون بی‌نظمی کیهان به وجود آمده است. با تولد پان‌گو از تُخم هستی، پوستهٔ بالایی تُخم که سبک‌تر بود به آسمان (یانگ) و پوستهٔ زیرین آن که سنگین‌تر بود، به زمین (یین) تبدیل شد. در این اسطوره آمده است که طی ۱۸ هزار سال، آسمان هر روز سه متر از زمین دور شد که این سه متر حاصل رشد روزانهٔ پان‌گو بود. وقتی پان‌گو پس از ۱۸ هزار سال مرد، همهٔ عناصر طبیعت از تن مردهٔ او پدیدار شدند و روح او تبدیل به خدایان متعدد آسمان و زمین شد. در عقیدهٔ چینیان، خدایان سلسله مراتبی داشتند. آن‌ها در نقاط دست‌نیافتنی زندگی می‌کردند و کارهای خود را به وسیلهٔ خدایان فرودست و دیوها انجام می‌دادند.

در ادامهٔ این فصل، تعدادی از مشهورترین افسانه‌های مردمی چینی‌های باستان را برای آشنایی شما خوانندگان محترم بازگو می‌کنیم.

افسانهٔ آفرینش جهان توسط پان‌گو

در افسانه‌ها آمده است که در آغاز آفرینش جهان، آسمان و زمین از هم جدا نشده بودند و سراسر کیهان مانند یک تخم مرغ بود. داخل این تخم، تاریک و سیاه بود و راست و چپ و بالا و پایین آن مشخص نبود. داخل تخم مرغ، قهرمان بزرگ به نام *پان‌گو* زندگی می‌کرد. پان‌گو ۱۸ هزار سال داخل تخم ماند و سرانجام از خواب بیدار شد. او وقتی چشمانش را باز کرد، متوجه شد که اطرافش را تاریکی و سیاهی پوشانده است. او احساس گرما می‌کرد، اما نمی‌توانست نفش بکشد و جایی هم نداشت تا دست‌ها و پاهای خود را باز کند.

1- Pan Gu


پان‌گو، هیولایی که جهان را آفرید و عناصر زمین از بازمانده‌های جسد او شکل گرفتند.

پان‌گو عصبانی شد و تبری برداشت و با تمام نیرو آن را به پوستهٔ تخم مرغ زد. با یک صدای گوشخراش، تخم‌مرغ شکست. چیزی در میان آن که سبک و پاکیزه بود، به بالا رفت و به آسمان تبدیل شد، اما آنچه سنگین و گل‌آلود بود، به پایین افتاد و به زمین تبدیل شد. پان‌گو آسمان و زمین را ایجاد کرد و بسیار خوشحال شد، اما نگران بود که آسمان و زمین بار دیگر وصل شود. به همین دلیل آسمان را با سر نگه داشت و پاهای خود را به روی زمین گذاشت. او هر روز ۳ متر قد می‌کشید. از همین رو آسمان سه متر بلندتر و زمین هم سه متر کلفت‌تر می‌شد.

هزاران سال گذشت و پان‌گو به یک آدم غول پیکر تبدیل شد، به طوری که طول بدن وی به ۴۵ هزار کیلومتر رسید. سرانجام آسمان و زمین ثبات یافتند و دیگر به همدیگر نپیوستند. در این موقع، پان‌گو آسایش یافت، اما او بسیار خسته بود و دیگر نیرویی نداشت تا خود را نگهدارد. پس بدن عظیم پان‌گو به زمین افتاد و با مرگ او، جسدش تغییر حالت داد. چشم چپ او به خورشید و چشم راستش به ماه تبدیل شد. آخرین نفس او به باد و آخرین صدایش به رعد تبدیل شد. مو و ریش وی به ستاره‌هایی که برق می‌زد و سر و دست‌ها و پاهایش به کوه‌های بلند، خونش به رودخانه و دریاچه، عضلاتش به خیابان و ماهیچه‌هایش به زمین حاصلخیز، پوست و موهای ریزش به گل و درخت، دندان و استخوانش به طلا، نقره، مس و آهن و یشم سبز و عرق بدنش به باران و شبنم تبدیل شد و از آن به بعد، جهان به وجود آمد.

افسانهٔ آفرینش انسان توسط نیووا

در افسانه‌های چین، چگونگی تولد انسان نیز به ثبت رسیده است. بر اساس این افسانه‌ها، نیووا[1] (الهه‌ای با سر انسان و دم اژدهایی) که از انگل تن مردهٔ پان‌گو به وجود آمده بود، انسان را آفرید. حکایت می‌کنند که پس از آفرینش جهان توسط پان‌گو، نیووا به هر جای جهان سفر می‌کرد. با وجود آن‌که در زمین کوهستان‌ها، درخت‌ها، علف‌ها، پرندگان، حیوانات و ماهی‌ها دیده می‌شدند ، اما کماکان جهان بی‌حرکت بود، زیرا انسان نبود.

1- Nu Wa

روزی از روزها، الههٔ نیووا هنگام راه رفتن بر روی زمین متروک، احساس تنهایی کرد . وی فکر کرد باید چیزی با نیروی حیاتی بیش‌تر به وجود آید. پس وقتی در کنار رودخانه زرد سایهٔ خود را روی آب دید، بسیار خوشحال شد و تصمیم گرفت با گل نرم بستر رودخانه، مانند صورت خود، یک آدم گلی بسازد. نیووا بسیار هوشیار و ماهر بود و چندی نگذشت که چند آدم گلی ساخت. این افراد گلی تقریباً مثل او بودند، اما با این تفاوت که به جای دم اژدهایی، پا داشتند. نیووا سپس به افراد گلی دمید. آن‌ها نیروی حیات گرفتند و زنده شدند و توانستند راه بروند و حرف بزنند. نیووا آنان را انسان نامید. نیووا سپس نیروی مذکر را در بدن بعضی از آن‌ها تزریق کرد و در نتیجه آنان به مرد تبدیل شدند و افراد دیگر با ریختن نیروی مؤنث به زن تبدیل کرد.



الههٔ نیووا با سر انسان و بدن اژدهایی که انسان‌ها را از گل رودخانهٔ زرد آفرید.

مردها و زنان دور نیووا به رقص درآمدند و فریاد شادی سر دادند و نیروی حیاتی برای زمین به بار آوردند. نیووا می‌خواست انسان‌های بیش‌تری بسازد تا در سراسر جهان یافت شوند، اما خسته بود و نمی‌توانست خیلی تند کار کند. به همین دلیل راه دیگری به مغزش خطور کرد. او طنابی را در گل و لای بستر رودخانه قرار داد تا طناب به گل آغشته شود. سپس طناب را به روی زمین به حرکت در آورد. تکه‌های گِلی که به زمین می‌افتاد، یکی یکی به آدم‌های کوچک تبدیل می‌شدند. با این کار، نیووا انسان‌های بیش‌تری آفرید. وقتی کار آفرینش انسان‌ها پایان پذیرفت، نیووا به فکر حیات دائمی انسان افتاد، زیرا انسان‌ها برخلاف خدایان فانی بودند و در ضمن ساخت آن‌ها بسیار پرزحمت بود. به همین دلیل، نیووا مرد و زن را جفت آفرید و مسئولیت زاد و ولد فرزندان را به عهدهٔ آنان گذاشت. چندی نگذشت که انسان‌ها دنیا را پر کردند!

افسانهٔ درست کردن آتش با متهٔ چوبی

در دوران باستان، مردم راه روشن کردن آتش را نمی‌دانستند. شامگاه که فرا می‌رسید، همه جا تاریک می‌شد. زوزهٔ حیوانات از اطراف شنیده می‌شد و مردم احساس سرما و ترس می‌کردند. مردم که راه درست

کردن آتش را نمی‌دانستند، فقط می‌توانستند غذای خام بخورند و به همین دلیل زود بیمار می‌شدند و عمرشان بسیار کوتاه بود.

در این میان، یکی از خدایان آسمان به نام *فوسی*[1] که رنج مردم زمینی را مشاهده می‌کرد و از این موضوع بسیار غمگین بود، تصمیم گرفت مردم را با کاربرد آتش آشنا سازد. پس با قدرت او، باران همراه با آذرخش و صاعقه در جنگل بارید، رعد و برق یک درخت را به آتش کشید و حریق به اطراف سرایت کرد. مردم از رعد و برق و حریق ترسیدند و فرار کردند. چندی نگذشت که باران متوقف شد و شب فرا رسید. مردم دوباره جمع شدند و با هراس، چوب‌های سوخته را مشاهده کردند. در این میان، جوانی متوجه شد که دیگر زوزهٔ حیوانات از آن نزدیکی‌ها به گوش نمی‌رسد. او در این اندیشه بود که چرا حیوانات از آتش می‌ترسند؟ جسورانه جلو رفت و احساس گرما کرد. سپس با خوشحالی به دیگران گفت: *بیائید، آتش ترسناک نیست. به ما نور وگرما می‌دهد.*

در این میان، جسد برخی حیوانات سوخته دیده شدند که از آن‌ها بوی معطری مشام می‌رسید. مردم به دور آتش جمع شدند و گوشت حیوانات را خوردند. آن‌ها پی بردند که گوشت‌های پخته شده از غذاهای قبلی خوشمزه‌تر است و به این ترتیب به ارزش آتش پی بردند. آن‌ها شاخه‌های درختان را جمع کردند و هر روز یک نفر به نوبت آتش را حفظ می‌کرد تا خاموش نشود. اما یک شب که نگهبان آتش به خواب رفته بود، تمام هیزم‌ها سوخت و آتش خاموش شد. مردم دوباره به جهان تاریکی و سرد بازگشتند و بسیار ناراحت شدند. خدای فوسی که در آسمان ناظر بود، در خواب به جوانی که قبل از همه آتش را شناخته بود، گفت: *در کشور شوی‌مین واقع در غرب دور آتش افروز وجود دارد، برو آن‌جا آن آتش را بیاور.*



وقتی جوان از خواب بیدار شد، حرف فوسی را به یاد آورد و تصمیم گرفت برای آوردن آتش افروز به کشور شوی‌مین برود. جوان کوه‌های مرتفع، رودخانه‌های پهناور و جنگل‌های انبوه را پیمود. او مشکلات فراوانی را پشت سر گذاشت و سرانجام وارد کشور شوی مین شد. اما آن‌جا آفتاب نبود، شب و روز جدا نشده و همه جا تاریک بود و اصلاً آتشی دیده نمی‌شد. جوان که ناامید شده بود، زیر درختی استراحت کرد. ناگهان نوری درخشید و همه جا روشن شد. جوان فوراً بلند شد و دنبال سرچشمهٔ نور گشت. او مشاهده کرد که چند پرنده با نوک خود، حشراتی را شکار می‌کنند که در زیر پوست درخت قرار دارند.

1- Fu Si

وقتی پرندگان به درخت نوک می‌زدند، بر اثر برخورد نوک آن‌ها جرقه‌ای تولید می‌شد. جوان کمی فکر کرد و سپس چند شاخهٔ درخت را قطع کرد و با یک شاخهٔ کوچک‌تر مته‌ای درست کرد و آن را روی شاخه‌های بزرگ‌تر پیچاند. بار اول آتشی تولید نشد، اما جوان دلسرد نشد و دوباره شاخه‌های بیش‌تری جمع کرد. سرانجام شاخه‌ها با حرارت متهٔ چوبی، آتش گرفتند. جوان از خوشحالی اشک ریخت. فردای آن روز جوان به زادگاهش برگشت و شیوهٔ روشن کردن آتش با مته چوبی را به مردم آموزش داد. به این ترتیب، مردم برای همیشه با جهان سرد و تاریک وداع کردند. آن‌ها از شجاعت و عقل جوان تقدیر کردند و وی را شوی ژن (آفریننده آتش) نامیدند.

افسانهٔ کوافو[1] و تعقیب آفتاب

در دوران باستان در صحرای شمالی چین، جنگلی وجود داشت که افراد غول پیکری تحت رهبری کوافو زندگی می‌کردند. روزی هوا بسیار گرم بود و آفتاب سوزان درخت‌ها را سوزانده و رودخانه‌ها را خشک کرده بود. مردم رنج کشیده یکی پس از دیگری از تشنگی و گرسنگی می‌مردند. کوافو بسیار غمگین بود. یک روز او به آفتاب نگاه کرد و گفت: *آفتاب بسیار نفرت انگیز است. حتماً آفتاب را تعقیب و دستگیر می‌کنم تا به فرمان من گوش دهد.*

مردم با شنیدن سخنان کوافو ترسیدند و سعی کردند او را از انجام این کار بازدارند. آن‌ها گفتند: *تو نباید این کار را انجام دهی. آفتاب بسیار دور است و حتماً بر اثر خستگی، جان خود را از دست خواهی داد.*



اما کوافو تصمیم خود را گرفته بود. او به مردم غمگین گفت : *این موضوع را می‌دانم، اما برای سعادت شما حتماً می‌روم!*

کوافو سپس با مردم خداحافظی کرد و همانند باد به سوی آفتاب دوید. آفتاب در آسمان با سرعت حرکت می‌کرد و کوافو در زمین با تمام نیرو می‌دوید و از کوه‌ها و رودخانه‌ها عبور می‌کرد. زمین به گام او به غرّش درمی‌آمد و تکان می‌خورد. کوافو خسته شد. او خاک کفش خود را به روی زمین ریخت و به دنبال آن کوه خاکی بزرگی به وجود آمد. کوافو سپس دوباره برخاست و به دنبال آفتاب رفت. هر چه او به آفتاب نزدیک‌تر می‌شد، قرص آفتاب را بزرگ‌تر می‌دید و از همین رو اطمینان بیش‌تری می‌یافت.

1- Ku Afu

سرانجام کوافو در جایی که آفتاب غروب می‌کرد به پای آفتاب رسید. او بسیار خوشحال بود و می‌خواست آفتاب را در آغوش بگیرد، اما آفتاب بسیار سوزان بود و کوافو احساس تشنگی و خستگی می‌کرد. به کنار رودخانهٔ زرد رفت و همهٔ آب رودخانه را نوشید. بار دیگر به رودخانهٔ وی رفت و آب آن رودخانه را نیز خورد، اما تشنگی‌اش رفع نشد. کوافو به شمال دوید زیرا آن‌جا چند دریاچه بزرگ وجود داشت، اما هرگز به آن‌جا نرسید و به سبب تشنگی زیاد در میانهٔ راه درگذشت. کوافو در لحظهٔ مرگ احساس تأسف کرد و برای مردمش دلتنگ بود. بدین سبب عصای خود را انداخت. جایی که او عصایش را به زمین انداخت بی‌درنگ درخت‌های هلو رشد کردند. این درخت‌ها در تمام سال پر میوه بودند و همانند چتر آفتاب با سایه‌های خود از مسافران پذیرایی می‌کردند. هلو نیز تشنگی مسافران را رفع می‌کرد و خستگی مردم را از بین می‌برد.

داستان تعقیب آفتاب توسط کوافو، نشانگر آرزوی چینیان قدیم برای مقابله با خشکسالی بود. با وجود آن‌که کوافو درگذشت، اما روحیهٔ تسخیرناپذیری او همیشه در ذهن مردم چین باقی ماند. در بسیاری کتب قدیم چین، این داستان ثبت شده است. در بعضی مناطق چین نیز برای یادبود کوافو، کوه بلندی به نام وی نامگذاری شده است.

افسانهٔ پرواز الههٔ چان‌عه به سوی ماه

۱۵ ماه هشتم هر سال به تقویم کشاورزی چین، جشن مهرگان نام دارد. این جشن همراه با عید بهار و عید قایق اژدها، سه عید سنتی بزرگ چین با تاریخ دیرینه و ویژگی‌های ملیتی آنان محسوب می‌شود. در جشن مهرگان، اعضای خانواده در کنار هم گرد آمده و کیک ماه (نوعی خوراک مخصوص جشن) و میوه صرف می‌کنند و به تماشای هلال کامل ماه می‌پردازند و از آن لذت می‌برند. سرچشمهٔ این جشن، مربوط به یک افسانه‌ای قدیمی است که آن را برایتان نقل می‌کنیم:

در زمان‌های بسیار دور، چان‌عه[1]، الههٔ ماه و همسرش، هوآی[2] در آسمان زندگی می‌کردند. هوآی مردی شجاع و قوی بود و در تیراندازی مهارت بسیاری داشت و تمام تیرهای او همیشه به هدف اصابت می‌کرد. در آن زمان، حیوانات وحشی و درّندهٔ زیادی وجود داشتند که به مردم آسیب می‌رساندند. خدای آسمان‌ها با توجه به این وضع، هوآی را برای از بین بردن حیوانات وحشی به زمین فرستاد. هوآی بر اساس دستور امپراتور آسمان همراه همسر زیبایش چان‌عه به جهان انسان‌ها آمد.

از آن‌جا که هوآی بسیار شجاع بود، چندی نگذشت که بسیاری حیوانات وحشی و درّنده را از بین برد. نزدیک بود که وظیفهٔ خود را به پایان برساند که ناگهان اتفاقی رخ داد. در آسمان همزمان ده خورشید پدیدار شد. این ده آفتاب، پسران خدای آسمان بودند. با ظاهر شدن آن‌ها، درجهٔ حرارت زمین ناگهان بالا

1- ChanE　　2-HoAy

رفت و جنگل‌ها و محصولات کشاورزی آتش گرفتند، رودخانه‌ها خشک شدند و اجساد مردگان در همه جا دیده شد. هوآی با دیدن این وضع بسیار غمگین شد و ده خورشید را نصیحت کرد و از آن‌ها خواست به نوبت در آسمان ظاهر شوند. اما خورشیدهای خودبین و متکبّر به نصحیت هوآی توجهی نکردند و به زمین نزدیک‌تر شدند تا جایی که سطح زمین آتش گرفت. هوآی که متوجه شده بود، نصیحت او هیچ فایده‌ای ندارد تیر و کمان خود را برداشت و به سمت خورشیدها تیراندازی کرد. در این میان نه خورشید هدف قرار گرفتند و آخرین خورشید نیز به گناه خود اعتراف کرد. از این رو هوآی او را بخشید.

شجاعت و جسارت هوآی باعث نجات مردم شد، اما خدای آسمان به خاطر کشته شدن پسرانش از دست هوآی بسیار عصبانی شد و با بازگشت او و همسرش به آسمان مخالفت کرد. پس هوآی تصمیم گرفت در جهان انسان‌ها بماند و کارهای بیش‌تری برای مردم انجام دهد، اما چان‌عه، همسر هوآی، به‌تدریج نسبت به زندگی سخت در جهان انسان‌ها بی‌علاقه و بیزار شد و همسرش را به دلیل کشتن پسران خدای آسمان نکوهش کرد. در این میان، هوآی متوجه شد که رب‌النوعی که در کوه کون‌لون زندگی می‌کند، دارویی دارد که با خوردن آن می‌توان به آسمان پرواز کرد. بدین سبب هوآی کوه‌ها و رودخانه‌ها را پشت سر گذاشت و با زحمت خود را به کوه کون‌لون رساند.

اما داروی رب‌النوع برای دو نفر کافی نبود. هوآی نمی‌خواست همسر زیبای خود را رها کند و به تنهایی به آسمان برگردد. به هر صورت هوآی دارو را به خانه برد و در جایی پنهان کرد، ولی یک روز که هوآی به شکار رفته بود، چان‌عه دارو را پیدا کرد. با وجود آن‌که چان‌عه بسیار عاشق شوهرش بود، اما او نمی‌توانست زندگی در آسمان را به فراموشی بسپارد. عاقبت در ۱۵ ماه هشتم به تقویم کشاورزی که ماه کامل و آسمان روشن بود، چان‌عه با استفاده از یک فرصت، مخفیانه دارو را خورد. با خوردن دارو، چان‌عه احساس سبکی کرد و آهسته آهسته در آسمان شناور شد. سرانجام چان‌عه به ماه رسید و در کاخ گوان هان زندگی خود را آغاز کرد.

چند ساعت بعد، هوآی به خانه برگشت و چون فهمید همسرش او را ترک کرده است، بسیار غمگین شد. او پس از آن، همیشه احساس تنهایی می‌کرد و تنها همدمش یک خرگوش و یک مرد سالخوردهٔ هیزم‌شکن بودند. او روزها را غمگین در خانه می‌ماند، اما در پانزدهم ماه هشتم هر سال که ماه بسیار روشن و زیبا بود؛ به بالای کوه می‌رفت و به همسر زیبایش نگاه می‌کرد.

داستان عامیانه: تیرهای امانتی در قایق کوچک

در حدود قرن اول قبل از میلاد، همزمان سه کشور *وی* در شمال، *شو* در غرب و *وو* در جنوب چین وجود داشتند. روزی کشور وی از راه آبی به کشور وو در نزدیکی رودخانهٔ یانگ‌تسه حمله کرد و در کنار رودخانه مستقر شد. فرماندهٔ کشور وو پس از بررسی اوضاع ارتش، تصمیم گرفت با تیر و کمان با دشمن مقابله کند، اما چطور می‌توانست در مدت کوتاهی، ده هزار تیر تهیه کند؟ ساخت ده هزار تیر حداقل به

دو هفته زمان نیاز داشت، اما این مدت برای کشور وو که نیروی دفاعی قوی نداشت، طولانی بود. جوگه لیان[۱]، مشاور نظامی کشور شو، در آن زمان از کشور وو دیدار می‌کرد. او بسیار باهوش بود. وقتی فرماندهٔ کشور وو دربارهٔ چگونگی ساخت تیرهای لازم با بیش‌ترین سرعت از وی نظرخواهی کرد، جوگه‌لیان پاسخ داد: *برای تهیهٔ تیرها، سه روز کافی است!*

با دادن این پاسخ، همهٔ مشاوران نظامی کشور وو خندیدند و به فرماندهٔ خود گفتند که جوگه‌لیان لاف می‌زند، اما جوگه‌لیان وعده داد: *اگر نتوانم طبق زمان مقرر این وظیفه را انجام دهم، سرم را تقدیم خواهم کرد!* پس از آن، جوگه‌لیان رو به یکی از مقامات کشور وو کرد و گفت: *با روش معمولی نمی‌شود این مقدار تیر ساخت. شما باید بیست قایق کوچک به من بدهید که داخل آن‌ها مترسک‌هایی با چوب و علف تعبیه شده است.*

مقامات کشور وو، قایق‌ها و وسایل لازم را برای جوگه‌لیان تهیه کردند، اما راز ماجرا را نمی‌دانستند. جوگه‌لیان گفت که در مدت سه روز می‌تواند ده هزار تیر بسازد، اما در نخستین روز او هیچ کاری نکرد. روز دوم هم به همین صورت گذشت. در روز سوم نیز هیچ تیری ساخته نشد. همه نگران بودند زیرا اگر جوگه‌لیان نمی‌توانست طبق زمان مقرر وظیفه خود را انجام دهد، هم خودش کشته می‌شد و هم کشور وو شکست می‌خورد.

نیمه شب روز سوم، جوگه‌لیان مخفیانه تعدادی از مقامات را به یک قایق دعوت کرد. او در جمع فرماندهان نظامی گفت: *همراه من باشید تا به دنبال تهیهٔ تیر برویم.*

مقامات که بسیار حیران شده بودند، پرسیدند: *کجا می‌رویم؟* جوگه‌لیان لبخندی زد و گفت: *به زودی خواهی فهمید!* او سپس دستور داد بیست قایق را با طناب به هم وصل کرده و به اردوگاه ارتش کشور وی ببرند. هوا مه آلود بود. وقتی مه غلیظ‌تر شد، جوگه‌لیان دستور داد با سرعت بیش‌تری به پیش بروند. هنگامی که قایق‌ها به نزدیکی اردوگاه ارتش دشمن رسیدند، جوگه‌لیان فرمان داد قایق‌ها در یک ردیف لنگر بیندازند. سپس از سربازان خواست در قایق‌ها طبل بزنند و فریاد برآورند.

مقامات ترسیدند و به جوگه‌لیان گفتند: *ما فقط بیست قایق کوچک و سیصد سرباز داریم. اگر ارتش دشمن به ما حمله کند، بی‌شک شکست خواهیم خورد.* جوگه‌لیان لبخندی زد و گفت: *مطمئن هستم که ارتش کشور وی در مه غلیظ به ما حمله نمی‌کند.* فرمانده کل ارتش کشور وی که در اردوگاه مشغول استراحت بود، با شنیدن صدای طبل با عجله با فرماندهان دیگر بحث و مشورت کرد. آن‌ها سرانجام تصمیم گرفتند به دلیل مه غلیظ رودخانه و بدون شناخت کافی از نفرات دشمن، واحدهای تیرانداز را آماده کند تا با دشمن بجنگند. ارتش کشور وی ده هزار سرباز را به کنار رودخانه اعزام کرد و

1- JuGeLiang

تیراندازی به سوی قایق‌های جوگه‌لیان آغاز شد و باران تیر باریدن گرفت. لحظاتی بعد تیرهای زیادی به مترسک‌های چوبی برخورد کرد. پس از ساعتی، جوگه‌لیان دستور تغییر جهت قایق‌ها را صادر کرد تا طرف دیگر مترسک‌ها مورد حمله دشمن قرار گیرد. وقتی تیرهای زیادی جمع‌آوری شد، جوگه‌لیان فرمان بازگشت صادر کرد. در این موقع، مه بالا رفت. ارتش کشور وی از موضوع آگاه شدند، اما دیگر دیر شده و افسوس بی‌فایده بود. شمار تیرهای پرتاب شده به قایق‌ها به بیش از ده هزار رسید و به دنبال آن فرمانده کشور وو، هوش و ذکاوت جوگه‌لیان را ستایش کرد.

داستان عامیانه : عشق در اتاق غربی

اگر دربارهٔ داستان‌های عاشقانه قدیمی چین صحبت به میان آید، مردم معمولاً به یاد زوج عاشقی به نام‌های *جان‌شن* و *تسوی‌ین‌ین*، و همچنین خانم *هون‌نیان* می‌افتند که آن‌ها را به هم معرفی کرد. این داستان از زمان سلسلهٔ تانگ در هزار سال پیش، شفاهی میان مردم رواج داشت، اما ۷۰۰ سال پیش وان‌شی‌فو، یکی از اُپرا نویسان معروف آن زمان، با نوشتن این داستان به یکی از پرنفوذترین داستان‌های عاشقانه و قدیمی چین تبدیل شد. پیش از تعریف این داستان لازم است که اطلاعاتی دربارهٔ ساختار ساختمان‌های قدیمی چین داشته باشید. خانه‌های قدیمی چین طوری ساخته می‌شد که اتاق‌ها دور حیاطی قرار می‌گرفتند. در میان این اتاق‌ها، اتاق‌های سمت شرق حیاط، مخصوص خانوادهٔ مالک بود و اتاق‌های غربی نیز در اختیار مهمانان قرار داده می‌شد. حال به خود داستان می‌پردازیم.

در حدود هزار سال پیش در زمان سلسلهٔ تانگ، صدراعظم وقت این کشور فوت کرد. طبق سنت آن زمان، خانم جن همسر صدراعظم همراه با دخترش تسوی‌ین‌ین[1]، خدمتکارش هون‌نیان[2] و سی خدمهٔ دیگر جنازهٔ صدراعظم را به زادگاهش منتقل کردند تا در آن‌جا به خاک بسپارند. آن‌ها در راه حرکت، به دلیل بسته شدن راه در شهری به نام هه‌جیان توقف کردند و مجبور شدند موقتاً در یک معبد بودایی اقامت کنند. همزمان، آقای جان‌شن[3]، یکی از جوانانی که برای شرکت در امتحان انتخاب مقامات دولتی راهی پایتخت می‌شد، در راه به همین شهر رسید. روزی جان‌شن برای سرگرمی به بازدید از این معبد بودایی رفته بود که تسوی‌ین‌ین را دید و به سرعت از او خوشش آمد. او برای ارتباطش با تسوی‌ین‌ین تصمیم گرفت، عجولانه به پایتخت نرود و برای مدتی در شهر هه‌جیان بماند.

1- Tsou Yen Yen   2- Hon Nian   3-Jan Shen

فردای آن روز، در مراسم دعاخوانی راهب معبد، جان‌شن و تسوی‌ین‌ین برای دومین بار یکدیگر را دیدند و عاشقِ هم شدند. چندی نگذشته بود که گروهی از نظامیان خائن، معبد را محاصره کردند و تلاش کردند تسوی‌ین‌ین را بدزدند.



با کمک هون‌نیان(خدمتکار)، جان‌شن و تسوی‌ین‌ین همدیگر را ملاقات می‌کنند

خانم جن، مادر تسوی‌ین‌ین، قول داد هر کسی بتواند آن‌ها را نجات دهد، می‌تواند با دخترش ازدواج کند. جان‌شن از این ماجرا آگاه شد و نامه‌ای به دوستش سرهنگ بای‌ما که در آن شهر زندگی می‌کرد، فرستاد و از او خواست با سربازان خود خانوادهٔ تسوی‌ین‌ین را نجات دهند.

ارتش سرهنگ بای‌ما خود را به محل رساندند و پس از شکست دادن محاصره‌کنندگان، خانوادهٔ تسوی‌ین‌ین را نجات دادند، اما خانم جن به وعده خود عمل نکرده و اجازه نمی‌داد جان‌شن با تسوی‌ین‌ین ملاقات کند. جان‌شن از این موضوع بسیار ناراحت شد و از دلتنگیِ تسوی‌ین‌ین بیمار شد. با این حال آن‌ها تسلیم نشده بودند و با کمک هون‌نیان نامه‌هایی را رد و بدل می‌کردند. این وضع ادامه داشت تا این که روزی آن‌ها توانستند یکدیگر را ببینند و قرار گذاشتند بدون خبر دادن به خانم جن با هم ازدواج کنند، اما بالاخره خانم جن از این قضیه باخبر شد و از فرطِ عصبانیت، هون‌نیان را پیش خود برد و خواست او را مجازات کند. هون نیان نترسید و سعی کرد خانم جن را متقاعد کند تا جان‌شن با تسوی‌ین‌ین ازدواج کنند. اعتراض خانم جن به تدریج کم شد و اجازه داد آن‌ها با هم ازدواج کنند، اما مشروط بر این که جان‌شن در امتحان انتخاب مقامات دولتی اول بشود.

لذا جان شن برای شرکت در امتحان رفت و به میل خودش در آن اول شد. او به معبد بودایی در شهر هه‌جیان برگشت و از خانم جن خواست به وعده خود عمل کند و اجازه بدهد او با تسوی‌ین‌ین ازدواج کند. این بار خانم جن جز پذیرفتن این درخواست، چارهٔ دیگری نداشت.

به دلیل این که داستان در اتاق غربی یک معبد بودایی اتفاق افتاده، نام این افسانهٔ «عشق در اتاق غربی» گذاشته شده است. به علاوه، با توجه به نقش کلیدی هون‌نیان در این داستان، نام او نیز در زبان و فرهنگ چینی نماد زنانی است که به رسیدن دختران و پسران عاشق به یکدیگر کمک می‌کنند.

تاریخ چین باستان

شیا: نخستین سلسله در تاریخ چین

سلسلهٔ *شیا*[1]، نخستین سلسله در تاریخ چین است. دودمان *شیا* یا دودمان خاقان‌های نیکوکار، نخستین دودمان شاهی در چین است که از سال ۲۱۰۰ تا ۱۶۰۰ پیش از میلاد فرمان می‌رانده‌اند. این دودمان مرز بین اسطوره و تاریخ است، هرچند برخی شواهد باستان‌شناسی وجود چنین دودمانی را تأیید کرده است، با این حال بسیاری از مورّخین در اصل وجود آن تردید دارند.

نواحی مرکزی حکومت این سلسله شامل مناطق جنوبی استان شان‌سی و غرب استان خه‌نان در چین امروزی بوده است. دایو[2]، مؤسس سلسلهٔ *شیا*، قهرمانی است که سیل را مهار کرد. گفته می‌شود وی به سبب مهار موفقیت آمیز رود زرد که سال‌ها طغیان می‌کرد، مورد پشتیبانی مردم قرار گرفت و سرانجام سلسلهٔ *شیا* را تأسیس‌کرد. ایجاد سلسلهٔ *شیا* نشانگر تغییر جامعهٔ بدوی و ایجاد جامعه‌ای با نظام مالکیت خصوصی و ورود چین به جامعهٔ برده‌داری است.

در پایان حکومت سلسلهٔ *شیا*، دربار سلطنتی وضعیت خوبی نداشت و درگیر تناقضات شدید طبقاتی بود. به ویژه شیاجی[3]، آخرین پادشاه این سلسله، پس از روی کارآمدن زندگی تجملی داشت و مدیریت او بر کشور ضعیف بود. او به یکی از سوگلی‌هایش به نام مه‌شی علاقه داشت و هر روز با او شراب می‌نوشید و تفریح می‌کرد و مقاماتی را که مخالف سبک‌سری‌های او بودند، می‌کشت. بدین سبب، کشورهای تحت فرمان سلسلهٔ *شیا* یکی پس از دیگری به او خیانت کردند. در این زمان، کشور *شان* یکی از کشورهای مذکور با استفاده از این فرصت به سلسلهٔ *شیا* حمله‌کرد و ارتش *شیا* را شکست داد. با فرار شیاجی و درگذشت او، سلسلهٔ *شیا* نیز سرنگون شد.

1- Xia Dynasty   2-Dayo   3-ShiaJie



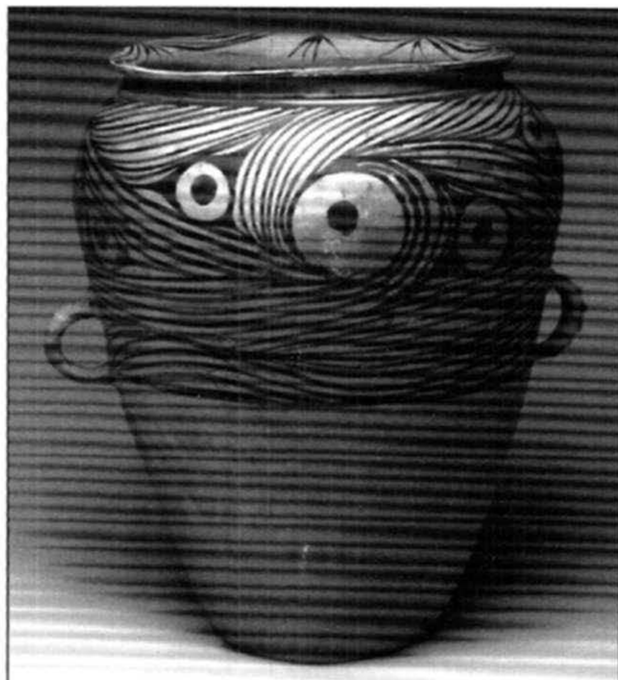
محدودهٔ پادشاهی سلسلهٔ شیا واقع در ناحیهٔ شرق چین امروزی

گرچه اسناد زیادی دربارهٔ *شیا* دردست نیست و در وجود چنین سلسله‌ای درتاریخ چین هنوز نیز در محافل علمی و دانشگاهی اختلاف نظر وجود دارد، اما کتاب تاریخی معروف چین با نام شی‌جی به روشنی از سلسلهٔ *شیا* سخن به میان آورده است. باستان‌شناسان امیدوارندکه روزی بقایای سلسلهٔ شیا را کشف کنند تا با تاریخ آن آشنا شوند.

در سال ۱۹۵۹ میلادی، باستان‌شناسان بررسی خرابه‌های *شیا* را آغازکردند و به جستجوی فرهنگ شیا پرداختند. تاریخ این خرابه‌ها مربوط به سال ۱۹۰۰ قبل از میلاد بوده است. بسیاری از وسایل کشف شده از این خرابه‌ها از نوع سنگ، بعضی‌ها هم از استخوان و صدف است. مردم آن زمان از این وسایل بدوی استفاده می‌کردند. با وجود آن‌که تاکنون ظروف مفرغی در خرابه‌های سلسلهٔ *شیا* پیدا نشده، اما در این خرابه‌ها کارد، درفش، وسایل دیگر، سلاح و ظروف کشف شده است. علاوه بر این ظروف یشمی نیز کشف شده که ساخت آن با مهارت انجام شده است.



دایو ؛ مؤسس سلسلهٔ شیا (۲۱۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح)





تصویر بالا : جام سفالی دسته‌دار مخصوص نگهداری مواد غذایی
تصویر راست : عودسوز سفالی متعلق به اواخر سلسلهٔ شیا

تقویم مربوط به سلسلهٔ *شیا* نیز بسیار قابل توجه است. کتابی با نام دا تای‌لی‌جی، اسناد مهمی دربارهٔ تقویم کشاورزی چین را در خود جای داده است. در این کتاب نوشته شده که مردم آن زمان می‌توانستند براساس جهت ستارهٔ دب اکبر، زمان ماه را مشخص کنند. این نخستین تقویم چینی است. در این روش درجهٔ روشنایی ستارگان و موقعیت آن‌ها، وضع هوا و امور کشاورزی در ۱۲ ماه ثبت می‌شد. تقویم کشاورزی مذکور چین نشانگر سطح پیشرفت تولیدات کشاورزی سلسلهٔ *شیا* و قدیمی‌ترین دستاورد علمی پرارزش چین است.

سلسلهٔ شانگ، نخستین سلسلهٔ ثبت شده در تاریخ چین

در محافل علمی و دانشگاهی چین، *شیا* نخستین سلسله در روزگار قدیم چین شناخته می‌شود. این سلسله در حدود قرن ۱۶ قبل از میلاد، تأسیس و در قرن ۱۱ قبل از میلاد سرنگون شد و حدود ۶۰۰ سال حیات داشت. در اوایل سلسلهٔ شانگ، بارها پایتخت تغییرکرد و سرانجام شهر *این* (در کنار شهر آن‌یان امروزی) پایتخت شد. مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که در اوایل سلسلهٔ شانگ، تمدن چین پیشرفت زیادی داشت. ویژگی عمدهٔ این سلسله وجود جیاگوون (کتیبه‌های نگاشته شده روی استخوان‌ها

و یا لاک‌های لاک پشتان) و نیز آثار مفرغی نفیس است. جیاگوون تصادفی کشف شد. اوایل قرن بیست، یک دهقان دهکدهٔ شیائوتن واقع درشمال غرب شهر آن‌یان، لاک‌های لاک‌پشتان و استخوان حیوانات را به عنوان دارو می‌فروخت. کارشناسان متوجه شدند که روی این لاک‌ها کتیبه‌هایی به خط چینی قدیم نگاشته شده است. چندی نگذشت که کارشناسان تایید نمودند، کتیبه‌های نگاشته شده بر روی استخوان‌ها و لاک‌های لاک‌پشتان شامل واژه‌های سلسلهٔ شانگ است. بر این اساس، دهکدهٔ شیائوتن، همان خرابه‌های شهر *این* (پایتخت سلسلهٔ شانگ) است که در کتاب‌های قدیمی به آن اشاره شده است. کشف و استخراج خرابه‌ها، مهم‌ترین کشف اشیای قدیمی چین در قرن بیستم محسوب می‌شود. از نخستین دورهٔ کشف در سال ۱۹۲۸ میلادی در این خرابه‌ها، آثار باستانی پرارزش از جمله جیاگوون و ظروف مفرغی پیدا شده است.

در سلسلهٔ شانگ، پادشاهان اعتقاد به فال داشتند. استخوان‌های حیوانات و لاک‌های لاک‌پشتان وسیله‌ای برای گرفتن فال بود. برای این منظور باید قبل از هر چیز گوشت و خون استخوان را از میان برداشته، سپس با اره استخوان‌ها را هموار می‌ساختند. بعد از آن، در داخل لاک و یا پشت استخوان با کارد، حفره‌هایی ایجاد می‌کردند. فالبین اسم خود و زمان فال‌گرفتن و سؤالات را روی این استخوان‌ها و لاک‌ها حکاکی می‌کرد و سپس با آتش، گودال‌های روی این استخوان‌ها و لاک‌ها را می‌سوزاند. شکاف باقیمانده، جائو نامیده می‌شد. فالبین جهت این شکاف را تحلیل می‌کرد و نتیجه می‌گرفت و این نتیجه را روی استخوان‌ها و لاک‌ها حکاکی می‌کرد. این استخوان‌ها و لاک‌ها سپس به عنوان آرشیوهای سلطنتی و رسمی نگهداری می‌شدند.

اکنون، در خرابه‌های شهر *این* جمعاً ۱۶۰ هزار تکه استخوان کشف شده است. بعضی از آن‌ها کامل و برخی تکه‌های بدون کلمات است. طبق آمار، کلمات شناخته شده روی این استخوان‌ها به بیش از چهار هزار رسیده است و کارشناسان حدود سه هزار مورد از آنان را مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند و در این میان، کارشناسان دربارهٔ بیش از یک هزار کلمه به توافق رسیده‌اند. کلمات دیگر قابل توضیح و خواندن نیست و یا کارشناسان دربارهٔ آن اختلاف نظر دارند. با وجود این‌که همهٔ این کلمات قابل فهم نیستند، اما از طریق یک هزار کلمهٔ مذکور می‌توان با اوضاع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سلسلهٔ شانگ آشنا شد. امروزه تعدادی از اساتید زبان‌شناسی چین در زمینهٔ مطالعات جیاگوون تبحر زیادی دارند.

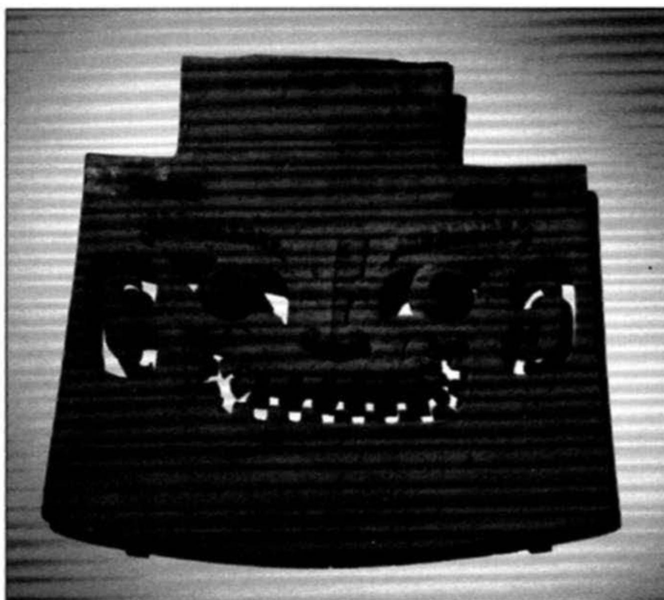
همانند استخوان‌های حکاکی شده، ظروف مفرغی، اشیای ویژهٔ سلسلهٔ شانگ است. ساخت ظروف مفرغی در سلسلهٔ شانگ توسعه شایانی یافت. شمار ظروف مفرغی از خاک بیرون آورده شده در خرابه‌های شهر *این* به حدود چند هزار رسیده است. از این میان ظرف چهارپایهٔ سی مو وو سال ۱۹۳۹ میلادی از خرابه‌های شهر *این* از خاک بیرون آورده شده است. وزن این ظرف ۸۷۵ کیلوگرم و بلندی آن ۱۳۳ سانتی‌متر، طول ۱۱۰ سانتی‌متر و عرض آن ۷۸ سانتی‌متر است.

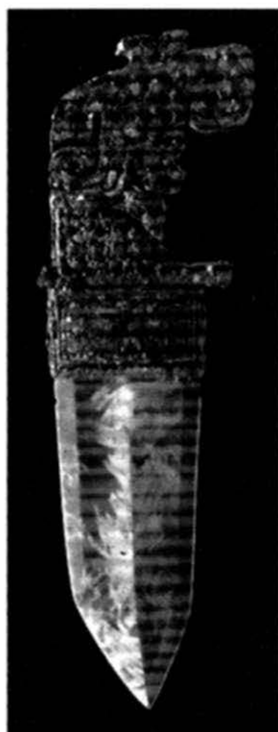


قلمرو حکومت سلسلهٔ شانگ در شرق چین

مطالعات نشان می‌دهد که در سلسلهٔ شانگ کشور مستقلی به وجود آمده و مالکیت خصوصی اساساً ایجاد شده است. از آن زمان، تاریخ چین وارد دوران متمدن شد. با این حال، موفقیت دودمان شانگ سرانجام مایهٔ شکست و تباهی آن شد. اقتصاد مملکت بر اثر ولخرجی و اسراف حاکمان و اشتهای سیری ناپذیرشان برای داشتنِ کاخ‌های مجلل تضعیف گردید. همچنین پادشاه و دیگر اشراف به هنگام مرگ، ثروت‌های هنگفتی را صرف ساختن آرامگاه‌های خود می‌کردند. جنگ‌های توسعه‌طلبانه و اقدامات دفاعی که در برابر قبایل ستیزه‌جوی مرزی صورت می‌گرفت، این دودمان را به لحاظ نظامی نیز ضعیف می‌کرد.

ناآرامی‌های داخلی نیز عوارض خود را داشت. فشار بیش از اندازه و مالیات‌گیری بیش از توان مردم، آن‌ها را بیش از پیش به شورش وامی‌داشت، اما آنچه سرانجام تعادل را به ضرر این دودمان بر هم زد، ظلم‌های آخرین پادشاه و ملکه‌اش بود که به روایت تاریخ‌نویسان، نسبت به کسانی که حاضر نمی‌شدند، احترامی در خور به پادشاه بگذارند شکنجه‌های مهلک و غیرقابل تحمل روا می‌داشتند.





تصویر بالا : تبرزین مفرغی به شکل سر انسان جنگجو که از یک مقبرهٔ دورهٔ شانگ متعلق به ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد به دست آمده است.
تصویر سمت چپ : چاقوی مفرغی با دستهٔ تزیین شده با سنگ یشم

سرانجام دودمان شانگ را یکی از دولت‌های زیر دست خودش، سرنگون کرد. سپاهیان قبیلهٔ جو به رهبری *جو وو وانگ*[1] در حدود سال ۱۰۵۰ پیش از میلاد، هنگامی که عمدهٔ سپاه شانگ در حال یک عملیات نظامی دور از پایتخت بودند، اربابان خود را سرنگون ساختند. آخرین پادشاه شانگ، به نام *دی‌شین*[2]، به هنگام حملهٔ شورشیان به پایتخت، در کاخ خودش در شعله‌های آتش جان باخت.

سلسلهٔ جو (دورهٔ بهار و پاییز و دورهٔ کشورهای جنگجو)

سلسلهٔ جو سومین سلسله پس از سلسله‌های شیا و شانگ در تاریخ چین است. دودمان جو دیرپاترین دودمان تاریخ چین است، اما سده‌های نخستین آن، چنان با سده‌های بعدی‌اش متفاوتند، که تاریخدانان آن را براساس زمان و محل پایتختش به دو مرحلهٔ متمایز تقسیم می‌کنند.

برخلاف مرحلهٔ نخست جو که با صلح و آرامش نسبی همراه بود، دورهٔ بهار و پاییز و مرحلهٔ دوم آن با درگیری‌های بی‌وقفهٔ کشورهای جنگجو مشخص می‌شوند. در دوران *جوی غربی* یا نخستین (۱۰۵۰ تا

1- Zhou Wu Wang 2- Di Xin 3- Zhou Cheng wang

۷۷۰ پیش از میلاد)، پایتخت در شهر شیان بود، ولی در دوران جوی شرقی یا پسین (۷۷۰ تا ۲۵۶ پیش از میلاد)، پایتخت به لوئویانگ انتقال یافت.

در زمان سقوط سلسلهٔ شانگ، قلمرو آن از مرزهای شرقی چین امروزی تا مرکز و شمال امتداد داشت و بخش‌های بزرگی از دره‌های رودخانه‌های زرد و یانگ‌تسه را در بر می‌گرفت.

جو وو وانگ، مؤسس سلسلهٔ جو، که جانشین پادشاهان شانگ شده بود؛ نه تنها به لحاظ سیاسی بلکه در امور خانوادگی نیز فرمانروایی خوب و درستکار تلقی می‌شد. او بر اهمیت تعهدات خانوادگی تأکید داشت. از باده‌گساری نفرت داشت و به استثنای آیین‌های مذهبی می‌کوشید از شراب‌خواری گروهی جلوگیری کند. او به خاطر تأکیدش بر اجرای یکسان عدالت نیز مشهور است.

وو وانگ، در مواجهه با وظیفهٔ دشوار کنترل پادشاهی پیشین، نوعی نظام حکومتی فئودالی ایجاد کرد؛ یعنی از طریق شبکه‌ای از نجبا و بزرگان فامیل خود فرمانروایی می‌کرد.

پس از وو وانگ نیز فرمانروایان بعدی سلسلهٔ جو به جای تلاش برای کنترل مستقیم تمام قلمروهای خود، خویشاوندان و زیردستان مورد اعتماد را به همراه سپاهیانی برای تأسیس پادگان در سرزمین‌های فتح شده اعزام می‌کردند و در جایی که این کار امکان‌پذیر نبود، رؤسای محلی را به سمت نمایندگان خود به رسمیت می‌شناختند. به این حکمرانان القابی موروثی اعطا می‌شد و وظیفهٔ آن‌ها انجام خدمت نظامی و ارسال خراج به پایتخت بود.

با مرگ زود هنگام وو وانگ و از آن‌جا که پسرش کوچک‌تر از آن بود که عهده‌دار سلطنت شود، عمویش *جوگون‌دان*[1] تا هنگامی که او به سن قانونی برسد، نایب‌السلطنه شد. برادران دیگر وو وانگ، بی‌درنگ ادعا کردند که او می‌خواهد سلطنت را برای خودش حفظ کند. از این‌رو با همکاری عده‌ای از اعضای فامیل، طرح یک قیام را علیه او ریختند. جوگون‌دان از این‌که مجبور بود علیه برادرانش اقدام کند اندوهگین بود، اما شورش آن‌ها را به شدت سرکوب کرد.

جوگون‌دان پس از تثبیت حکومت، در رأس واحدهای نظامی لشکرکشی به شرق را آغاز و شورش‌ها را سرکوب کرد. او سلسله تدابیر مهمی برای تقویت ساختار دولتی کشورش ایجاد نمود.

از سال ۷۷۰ تا سال ۴۷۶ پیش از میلاد، دورهٔ بهار و پائیز در تاریخ چین آغاز شد. به دنبال رشد اقتصادی و افزایش جمعیت، کشورها به دلیل استیلاجویی دچار درگیری‌های شدید شدند و وضع جامعه بسیار متحول شد. در زمینهٔ تولیدات کشاورزی، وسایل و لوازم کشاورزی از آهن ساخته شد و مردم به تدریج از گاو برای شخم‌کردن زمین استفاده کردند. امور آبیاری پیشرفت کرد و میزان تولید محصولات کشاورزی افزایش یافت.

1- Zhu Guan Dan



قلمرو حکومت سلسلهٔ جو غربی (دوران بهار و پاییز)

دورهٔ بهار و پاییز دورهٔ گذر تحلیل نظم سیاسی و عمومی سنتی کشور جوی غربی محسوب می‌شود. کنفوسیوس، نخستین اندیشمند و کارشناس آموزش و پرورش بزرگ در تاریخ چین، در این دوره زندگی می‌کرد. کنفوسیوس بر اساس جمع‌بندی فرهنگ و افکار قدیمی، با توجه به اوضاع ناآرام اجتماعی در اواخر حکمرانی سلسلهٔ بهار و پاییز، درخصوص ایده‌های اخلاقی و مسائل سیاسی و اجتماعی نظریاتی مطرح و عقاید خود را منتشر ساخت.

در پایان دوران آرامش، مشکلات داخلی رو به افزایش نهاد. هر چه اربابان قلمروهای فئودالی ثروتمندتر و مستقل‌تر می‌شدند، به مسئولیت‌های خود نسبت به حکومت مرکزی بی‌توجه‌تر می‌شدند. در ۷۷۰ پیش از میلاد، هنگامی که امیران ناراضی و قبایل کوچ‌گر علیه پادشاه دست به شورش زدند، حکومت ناگهان فروپاشید و پادشاه به دست شورشیان به قتل رسید، اما شورشیان که مایل به زیر کشیدن این دودمان نبودند، یکی از پسران پادشاه را فرمانروای آلت‌دست خود کرده، بر تحت سلطنت نشاندند.

امیران شورشی سپس به قلمروهای خود بازگشتند و به ادارهٔ حکومت‌های محلی خود پرداختند. پس از آن، جنگ‌های محلی بر سر کسب قدرت و حوزهٔ نفوذ بیش‌تر آغاز شد و کسی به نصیحت‌های فرمانروای جدید توجهی نمی‌کرد. پادشاه جدید از ترس جانش پایتخت را به شهر لوئویانگ در شرق انتقال داد. پس از این، پادشاهان جوی شرقی طی قرن‌ها مقام‌های تشریفاتی و فاقد قدرت شدند.

وقتی قدرت پادشاهان جو رو به افول نهاد، حکومت‌های محلی ستیزه‌جو شروع به بلعیدن پادشاهی‌های کوچک‌تر کردند. در این زمان، نه تنها قلمرو بلکه جاه‌طلبی آن‌ها نیز فزونی یافت به طوری که وقتی دولت‌های ضعیف‌تر به اشغال درآمدند، دولت‌های بزرگ به جان یکدیگر افتادند. از این رو، دورهٔ جو شرقی با ستیزه‌جویی دایمی مشخص می‌شود که با عرضهٔ تدریجی سلاح‌های جدید و راهبردهای نظامی تازه رفته رفته مهلک‌تر می‌شد.

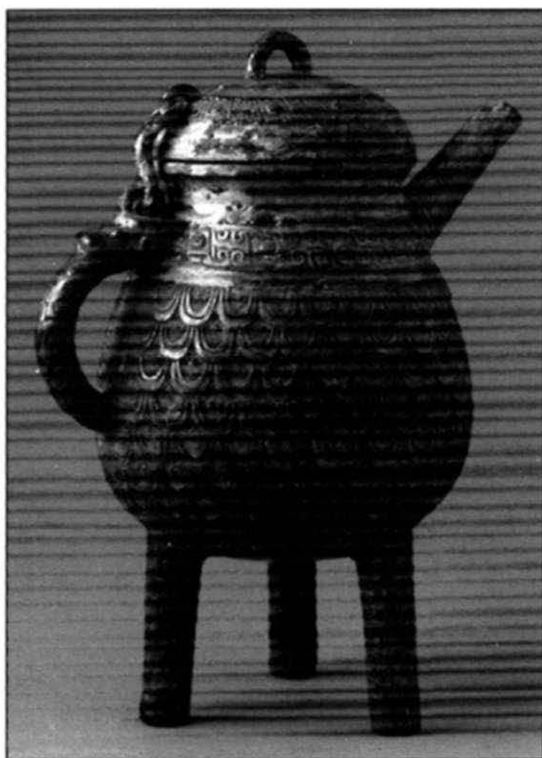
در دورهٔ کشورهای جنگجو، چین بسیار تغییر یافت و بسیاری از کشورهای کوچک اشغال شدند. هفت کشور باقیمانده: چین، چو، یان،هان، جائو، وی و چی کشورهای عمدهٔ این دوره محسوب می‌شدند. کشورهای مختلف این دوره یکی پس از دیگری دست به اصلاحات زدند. از میان این اصلاحات، اصلاحاتی که *ژانگ‌یانگ*[1] اجرای آن را پیشنهاد کرد، تاثیرات زیادی داشت.

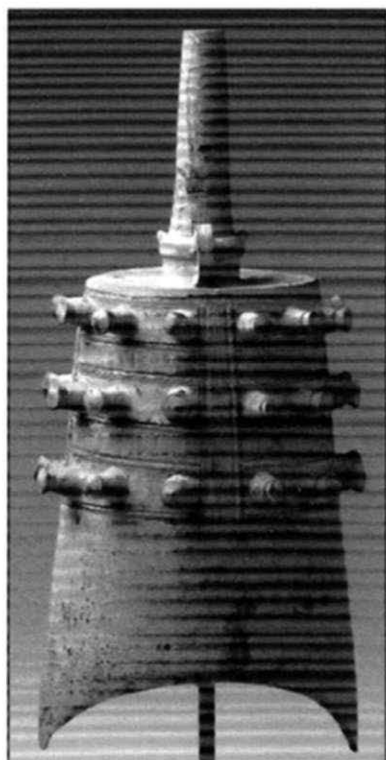
با وجود آن‌که در دورهٔ کشورهای جنگجو نبردهای بسیار زیادی به وقوع پیوست، اما مانع پیشرفت فرهنگ چین نشد. بعضی دانشمندان بر علوم تسلط می‌یافتند و فعالیت آنان در جامعه بیش از پیش به شکوفایی فرهنگ علمی مساعدت می‌کرد. در این دوران، فرهنگ ایدئولوژی قدیمی چین برای اولین بار به اوج رسید. از این میان، عقاید کنفوسیوس مورد احترام اکثریت مردم قرار گرفت.

از میان هفت دولت محلی، سپاهیان دولت چین از حدود ۳۱۴ پیش از میلاد، اشغال و الحاق نواحی وسیعی از دولت‌های همجوار را آغاز کردند و سرانجام در سال ۲۵۶ پیش از میلاد بود که این دولت به رهبری ژانگ‌یانگ به عمر دودمان درماندهٔ جو پایان داد.

طی ده سال بعدی، سپاهیان شاه ژانگ تمام دولت‌های مستقل را یکی پس از دیگری شکست دادند. آخرین آن‌ها، دولت چی، در ۲۲۱ پیش از میلاد سقوط کرد که در آن هنگام شاه ژانگ هنوز مرد جوانی بود. او کاری را انجام داده بود که دیگر راهبران پیش از او قادر به انجامش نبودند، یعنی متحد ساختن تمام دولت‌های سرزمین چین در زیر فرمان یک حکومت واحد. در سال ۲۳۰ قبل از میلاد ، پادشاه چین روند اتحاد سراسر کشور را آغاز کرد. در مدت نُه سال، وی شش کشور دیگر را سرنگون و در سال ۲۲۱ قبل از میلاد کشور را متحد کرد و به تجزیهٔ ۶۰۰ سالهٔ سرزمین چین پایان داد.

1- Shang Yang





در دورهٔ دودمان جو، ساخت آثار برنزی با تزیینات ظریف رونق بسیاری یافت و اغلب وسایل زندگی اشراف با این فلز ساخته می‌شد.

سلسلهٔ چین؛ نخستین سلسله فئودالی در تاریخ چین

در سال ۲۲۱ پیش از میلاد، پس از گذر از جامعهٔ بردگی با بیش از دو هزار سال قدمت، نخستین سلسلهٔ فئودالی با قدرت متمرکز دولتی در چین تأسیس شد. ایجاد سلسلهٔ چین اهمیت ویژه‌ای در تاریخ این کشور دارد. از سال ۲۵۵ تا ۲۲۲ پیش از میلاد که دوران کشورهای جنگجو در تاریخ چین محسوب می‌شود، کشورهای کوچک بسیاری در چین امروزی حکومت می‌کردند. سرانجام در اواخر این دوره، آنان در یکدیگر ادغام شده و هفت کشور نسبتاً بزرگ، یعنی کشورهای چین، چی، چو، وی، یان، هان و جائو ظهورکردند. از میان این هفت کشور، کشور چین که در شمال غربی واقع بود، زودتر از بقیه اصلاحات نظامی و کشاورزی را اجرا کرد و قدرت ملی آن به سرعت تقویت یافت.

در سال ۲۴۷ قبل از میلاد، امپراتور ۱۳ سالهٔ این کشور با نام *اینگ‌جن* بر مسند قدرت نشست. وی در ۲۲ سالگی، حملات به شش سرزمین دیگر و استراتژی وحدت ملی را اجرا کرد. او با جلب بسیاری از استعدادها توانست در کم‌تر از ده سال کشورهای‌هان، جائو، وی، یان، چو و چی را سرنگون سازد و به تاریخ حکومت‌های مستقل محلی پایان دهد و سلسلهٔ چین متحد و با سیستم متمرکز را ایجاد کند.



امپراتور ینگ‌ژنگ معروف به شی‌هوانگ‌تی

ینگ‌ژنگ[1]، نخستین امپراتور در تاریخ چین است. متحدکردن چین توسط سلسلهٔ چین در تاریخ گام مهمی است و اهمیت زیادی دارد. در زمینهٔ سیاسی، امپراتور چین‌شی‌هوان، نظام فئودالی – ایالتی را اجرا می‌کرد و کشور را به ۳۶ بخش تقسیم کرد. در این نظام سیاسی، کلیهٔ مقامات مرکزی و محلی را امپراتور انتخاب می‌کرد و نظام ارثی وجود نداشت. نظام فئودالی – ایالتی به نظام تثبیت شدهٔ سلسله‌ها در تاریخ فئودالی دو هزار سالهٔ چین تبدیل شد. نام بسیاری از شهرستان‌های چین امروزی، همان‌هایی هستند که دو هزار سال قبل در سلسلهٔ چین قدیم نامگذاری شده‌اند.

اقدام مهم دیگر سلسلهٔ چین، متحد کردن واژه‌ها بود. تا قبل از این سلسله، کشورهای مختلف واژه‌های خاص خود را داشتند. با وجود آن‌که این واژه‌ها منشأ مشترک داشت، اما املای این کلمات متفاوت بود و مانع تبلیغات و تبادلات فرهنگی می‌شد. پس از وحدت چین، سلسلهٔ چین مقرر نمود که سبک *شیائو جوان* باید معیار خط نویسی برای چینی‌ها باشد و مورد استفاده قرارگیرد. از آن به بعد، هیروگلیف چینی قانونمند شد. این کار برای شکل‌گیری و انتقال فرهنگ اهمیت زیادی داشت. علاوه بر این، سلسلهٔ چین نیز اوزان و مقادیر را وحدت بخشید.

پس از این اقدامات، اینگ‌جن برای آن که خود را فراتر از پادشاهان و امیران کم اهمیت سایر دولت‌ها قرار دهد، نام جدید *شی‌هوانگ‌تی*[2]، یعنی نخستین سرور عظیم‌الشأن (امپراتور) را بر خود نهاد. پادشاه جدید، با انتخاب این نام، خود را در جایگاه ممتازی قرار داد.

تا قبل از وحدت سراسر کشور، واحدهای طول، حجم و وزن کشورهای مختلف یکسان نبود و مانع پیشرفت اقتصادی می‌شد. به‌علاوه، امپراتور شی‌هوان‌تی قانون و پول را واحد کرد و شرایط را برای پیشرفت اقتصادی سراسر کشور فراهم آورد و جایگاه سیستم تمرکزقدرت را تقویت بخشید. برای تقویت جایگاه حکومت مطلق در افکار مردم، در سال ۲۱۳ قبل از میلاد، امپراتور چین‌شی‌هوان دستور داد

1- Ying Zheng

2- Shi Huang Ti

کتاب‌های تاریخی کشورهای دیگر به غیر از کتاب تاریخی سلسلهٔ چین وکتاب‌های عقاید کنفوسیوس سوزانده شود و دستور داد کسانی که این کتاب‌ها را جمع‌آوری و منتشر می‌کنند، کشته شوند.

امپراتور همچنین برای جلوگیری از تجاوز اقلیت‌های شمالی، دستور داد تا دیوارهای ساخته شدهٔ کشورهای چین، جائو و یان مرمت و به دیوارهای بزرگی متصل شود که از صحرای غربی شروع می‌شود و تا شرق در کنار دریا ادامه می‌یافت.

امپراتور چین‌شی‌هوان به مقیاس وسیع به کارهای ساختمانی نیز پرداخت. او با پرداخت سرمایه‌های کلان بیش از هفتصد هزار کارگر را برای ساخت آرامگاه لی‌شان اعزام کرد. آرامگاه چین با مجسمه‌های سفالی جنگجویان و اسب‌های آن در جهان شهرت دارد. امپراتور چین‌شی‌هوان با متحدکردن چین به حکومت دراز مدت مستقل محلی‌ها در تاریخ چین خاتمه داد و یک کشور فئودالی با ملل مختلف و با ملیت عمدهٔ هان ایجاد کرد و در تاریخ چین باب جدیدی گشود.



قلمرو حکومت سلسلهٔ چین که مرزهای شمالی آن را دیوارهای بلند و طولانی در برابر حملهٔ قبایل بربر محافظت می‌کند.

به دستور شی‌هوانگ‌تی همهٔ عناوین و زمین‌های خاندان‌های دولت‌های شکست‌خوردهٔ گذشته گرفته شد و آن‌ها مجبور شدند در شیان‌یانگ، نزدیک شیان امروزی زندگی کنند. در آن‌جا، مقامات درباری از نزدیک مراقب آن‌ها بودند تا هر نشانه‌ای از عهدشکنی و شورش را به موقع تشخیص دهند. آن‌گاه امپراتوری به ایالت‌هایی تحت کنترل افسران دولت مرکزی تقسیم شد. به منظور پیوستگی عملی امپراتوری، جاده‌سازی و بهبود روش‌های حمل و نقل از اولویت بالایی برخوردار شد. سپاهیان دولت‌های سابق در نیروی رزمی سراسری امپراتوری ادغام شدند که تحت کنترل دربار پادشاهی بود. مالکیت سلاح‌های شخصی غیر قانونی اعلام شد و فرمان تحویل عمومی سلاح‌ها صادر گردید.

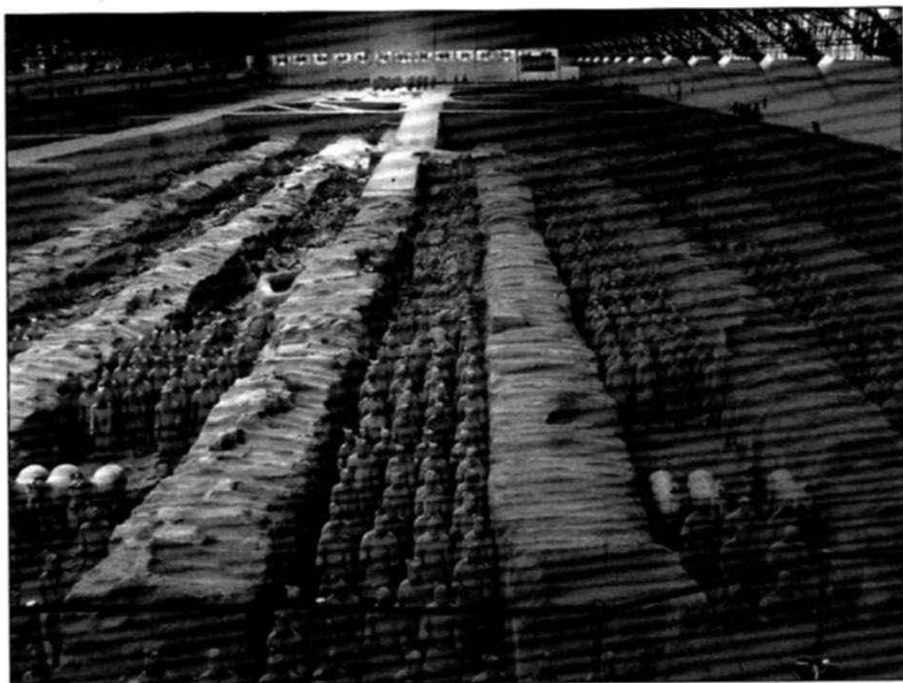
همراه با متمرکز سازی، اصلاح دستگاه اداری نیز صورت گرفت و نظامی برای سازماندهی کار سِمَت‌های اداری پدید آمد تا این سمت‌ها به صورت مشاغل دقیقاً تعریف شده‌ای درآیند که براساس شایستگی گرفته می‌شدند و نه براساس جایگاه موروثی.

شی‌هوانگ تی، در جستجوی کارآمدی، افراد با استعداد را بی‌توجه به موقعیت اجتماعی یا اصل و نسب آن‌ها وارد دستگاه دولتی کرد. نظارت دقیق بر کارها نیازمند آن بود که کارکنان و صاحب منصبان سختکوش پاداش بگیرند و کارکنان وظیفه‌نشناس به شدت مجازات شوند. اصلاح دستگاه اداری همچنین مستلزم آن بود که کارهای روزمرهٔ امپراتوری دقیقاً مطابق قوانین و مقررات انجام گیرد.

فرمانروایی بر یک امپراتوری گسترده از یک کانون مرکزی نیازمند آن بود که وجوه معینی از زندگی روزانه یکنواخت و همسان شود. بسیاری از اقدامات یکسان‌سازی که در دورهٔ حکومت دودمان چین انجام گرفت، به منظور تسهیل تجارت و بازرگانی در داخل امپراتوری بود؛ مثلاً در دورهٔ دودمان جو اقلام گوناگونی نظیر صدف، جواهر، انواع سکه‌ها و دیگر اشیای فلزی به جای پول در گردش به کار می‌رفت. همهٔ این نظام‌های پولی در دودمان چین جای خود را به پول مشترکی با ارزش یکسان سپرد. سکه‌های فلزی گرد با سوراخی در وسط در سراسر امپراتوری جایگزین شدند. این نظام پولی جدید نه فقط به نفع تجارت بود، بلکه مالیات‌گیری را نیز آسان می‌کرد.

برای توفیق بیش‌تر فعالیت‌های بازرگانی، یکسان‌سازی در مقیاس وزن‌ها و اندازه‌ها نیز لازم بود و این قوانین به شدت به اجرا درمی‌آمد. اسناد قدیمی نشان می‌دهند که برخی از کارگران اجباری در طرح‌های ساختمانی شی‌هوانگ‌تی کسانی بودند که مقررات مربوط به وزن و اندازه را رعایت نکرده بودند.

فرمان مهم دیگر این بود که خط چینی باید در سراسر امپراتوری به شکل یکسان درآید. خط هیروگلیف چینی پدید آمده در دورهٔ دودمان شانگ، طی قرن‌ها نسبتاً بدون تغییر باقی مانده بود، اما با گسترش امپراتوری و جذب شدن مردم غیر چینی،گوناگونی منطقه‌ای باعث پیچیده‌تر شدن و ایجاد ساختار نادرست زبانی شد. به همین دلیل شی‌هوانگ‌تی دستور داد که مجموعهٔ یکسانی از حروف نوشتاری گزینش و دستخط رسمی امپراتوری شود.



هزاران مجسمه نگهبان سفالی که همراه جسد شی‌هوانگ‌تی در آرامگاه وی دفن شده بودند

با وجود این، بیش‌تر شهرت شی هوانگ‌تی به خاطر ساختمان مقبرهٔ پرهزینه‌اش است. کار بر روی ساخت این مقبره حتی پیش از آن آغاز شد که به مقام امپراتور برسد و تا زمان مرگش در ۴۹ سالگی ادامه یافت. هزاران کارگر زندگی خود را وقف ساختن این مقبره کردند.

منابع سنتی گزارش می‌دهند که پس از مرگ شی‌هوانگ‌تی، زنانِ بدون فرزندِ او را در درون مقبره و در کنار جسد وی زنده به گور کردند. از آن گذشته، صنعتگران و مهندسانی که از اسرار ساختمان مقبره باخبر بودند نیز به همین سرنوشت دچار شدند. البته او پیش از مرگ هم دستور داده بود کاخ مجلل و بسیار بزرگی در نزدیکی شیان یانگ، پایتختش، ساخته شود. افزون بر آن، بسیاری کاخ‌های مجلل دیگر در ساحل رود *وی* ساخته شد که پس از پیروزی دودمان چین، خانواده‌های حکومتی قلمروهای فتح شده به آن‌جا منتقل شدند. این کاخ‌ها نیز، مانند مقبرهٔ شی هوانگ‌تی، به دست کارگران اجباری، بردگان و مجرمان ساخته شد. ساختمان آبراه‌ها و دیوارهای حجیم در مرزهای امپراتوری طرح‌های دیگری بود که هزاران دهقان بخت برگشته به اجبار زندگی خود را بر سر آن گذاشتند.

پس از مرگ شی‌هوانگ‌تی، پسر بزرگش *هوهای* به سلطنت رسید، اما نتوانست بیش از سه سال سلطنت کند؛ طی این مدت دسیسه در دربار امپراتوری به طور فزاینده‌ای دلهره‌آور و خطرناک شده بود.

ژائو گائو یکی از درباریان طمعکار بود که توانست با زیرکی، امپراتور جوان را نسبت به بزرگان مملکت بی‌اعتماد کند و سپس مقدمهٔ حذف امپراتور و به قدرت رسیدن خود را تثبیت کرد، اما به خاطر حذف عالمان و وزیران مقتدر، مشکلات اقتصادی و امنیتی زیادی در سراسر امپراتوری پدید آمد که سرانجام گریبان خود ژائوگائو را نیز گرفت.

در زمستان سال ۲۰۷ پیش از میلاد، نخستین دستهٔ شورشیان به رهبری یک خان‌سالار دهقان به نام *لیو بانگ*[1] وارد پایتخت شدند. لیو بانگ حتی از ویران کردن شهر که رسم معمول فاتحان بود، خودداری کرد، اما هنگامی که شورشیان دیگر وارد پایتخت شدند، امپراتور و خانواده‌اش را کشتند و شهر را به کلی به آتش کشیدند.

با آن که نبرد میان گروه‌های شورشی رقیب تا چندین سال پس از سقوط دودمان چین ادامه یافت، این لیو بانگ بود که سرانجام در نبردها پیروز شد و یکی از مشهورترین دودمان‌های تاریخ چین، یعنی دودمان هان را بنیان گذاشت.

سلسلهٔ هان

از سال ۲۰۶ قبل از میلاد تا ۸ میلادی، دوران حکمرانی سلسلهٔ هان غربی در تاریخ چین بوده است. لیوبانگ با لقب *گائو زو*[2] ، سلسلهٔ هان را تأسیس و شهر چان‌آن را پایتخت خود قرار داد. این امپراتور هفت سال بر مسند قدرت نشست و در این مدت، پایه‌های حکومت خود را تقویت و رهنمودهای سیاسی سودمندی برای مردم تنظیم کرد.

گائو زو با این‌که ساده و احتمالاً بی‌سواد بود، اما آن‌قدر زیرک و باهوش بود که بداند برای فرمانروایی بر یک امپراتوری بزرگ به یاری و همکاری نیازمند است. بسیاری از سیاست‌های او را مشاورانش طراحی و اجرا می‌کردند و او آن‌ها را تحسین می‌کرد و حتی پاداش‌های سخاوتمندانه به آن‌ها می‌داد. گائو زو قانون‌گرایی سختگیرانهٔ دودمان چین را با تصویب عفو عمومی زندانیان، آزادی بردگان، کاهش مالیات‌ها و کنار گذاشتن مجازات‌های افراطی نظیر مجازات تمام خانواده‌ها به خاطر جرمی که یکی از اعضای آن مرتکب شده بود، تعدیل کرد.

با آن که گائو زو طرفدار این اصلاحات بود، با این حال می‌خواست حکومت متمرکزی را که در گذشته برپا شده بود، دست نخورده نگه دارد. اما دو مانع عمده بر سر راه این هدف وجود داشت. او در تلاش برای تثبیت دودمان خود، به برخی سرداران اجازه داده بود پادشاه قلمروهای فتح شده شوند و می‌ترسید در صورت گرفتن این عناوین از آن‌ها، پشتیبانی آن‌ها را از دست بدهد. از آن گذشته، ناگزیر بود به اعضای خانواده و دوستانی پاداش دهد که انتظار القاب واملاک سلطنتی را داشتند.

1- Liu Bang 2- Gaozu 3- Lioji



قلمرو سلسلهٔ هان که نیمی از کشور چین کنونی را دربرمی‌گرفت

گائوزو می‌دانست که این راه‌حلی مخاطره‌آمیز است. تجربه ثابت کرده بود که عناوین سلطنتی و امتیازات ویژه، وقتی واگذار شد، بازپس‌گیری‌اش کار دشواری است. از این رو گائوزو دست به اقداماتی زد تا نشان دهد که این ترتیبات موقتی است.

اصلاحات نخستین امپراتور هان در آیندهٔ چین تأثیر دیرپایی باقی گذاشت. گائو زو در سال ۱۸۸ پیش از میلاد، یعنی تنها پس از هفت سال سلطنت درگذشت. البته مرگ او کشمکش‌های معمول بر سر جانشینی را به همراه داشت که در آن میان نقش همسر گائو زو، ملکه لیوجی، بسیار چشمگیر بود.

گائو زو پیش از مرگ، یکی از پسران زن دیگرش را به جانشینی خود برگزیده بود، ولی ملکه لیوجی تمایل داشت که پسر او امپراتور شود. با تلاش‌های ملکه سرانجام پسرش هودی‌دی به سلطنت برگزیده شد، اما به دلیل کوچکی سنش، برای مدتی مادرش در مقام نایب‌السلطنه، حکومت را در دست گرفت. لیوجی هیچ گاه لقب ملکهٔ فرمانروا را اختیار نکرد، با وجود این او قدرت بی‌چون و چرا در اختیار داشت و بسیاری از خویشاوندانش را به مقام‌های اشرافی رساند و عده‌ای را به سمت سرداری منصوب کرد.

هنگامی که لیوجی در ۱۸۰ پیش از میلاد درگذشت، خانواده‌اش، که به واسطهٔ انتصابات او قدرتمند شده بودند، برای پایان دادن به جانشینی پسرانش دست به اقدام زدند، اما ائتلاف وارثان گائو زو آن‌ها را پس زد.

در سال ۱۵۶ قبل از میلاد، جینگ‌دی بر مسند قدرت نشست. این امپراتور سیاست‌های سودمندی برای مردم اجرا کرد و مالیات را کاهش داد و اقتصاد سلسلهٔ هان بدین سبب بسیار پر رونق شد. تاریخ‌شناسان این مرحله را حکومت ون وجینگ می‌نامند. قدرت سلسلهٔ هان به سبب اصلاحات جینگ‌دی به تدریج قوی‌تر شد. او فرماندهان نظامی خود را برای شکست قبایل همسایه اعزام کرد و چارچوب حکومت سلسلهٔ هان را گسترش داد و به پیشرفت اقتصادی و فرهنگی در مناطق شمالی کمک کرد. پس از وی، جانشینانش به پیشرفت اقتصادی اهمیت دادند و سلسلهٔ هان وارد دوران پر رونق‌تری شد.

در سال ۱۴۱ پیش از میلاد، *وودی*[1] یکی از ارجمندترین فرمانروایان چین به امپراتوری رسید. از آن‌جا که او در این زمان تنها پانزده سال داشت، درنتیجه تا موقعی که به سن قانونی برسد، نایب‌السلطنه‌ها و مشاوران، امپراتوری را اداره می‌کردند. وودی که در جوانی تحت تأثیر آموزه‌های کنفوسیوس قرار گرفته بود، این آیین دینی را مبنای اصلی حکومتش اعلام کرد. اما تعریف او از کنفوسیوسیسم بسیار گسترده و شخصیت او با قانون‌گرایی خیلی بیش‌تر مأنوس بود.

وودی در مقام امپراتور سخت کار می‌کرد و در تمام امور حکومتی فعالانه دخالت می‌نمود. او از طریق یک هیئت بزرگ کاتبان، صدها فرمان دربارهٔ بسیاری از موضوع‌ها صادر کرد. او با جدیت مردان جوان برجسته را برای برگزاری امتحانات به منظور کسب سمت‌های دولتی استخدام کرد، و ۱۲۴ پیش از میلاد یک مدرسهٔ سلطنتی برای آماده ساختن شاگردان برای شرکت در امتحانات تأسیس کرد.

امپراتور وودی دست به یکسری عملیات نظامی هم زد تا قبایل کوچ‌نشینی را ریشه‌کن سازد که پیوسته به مرزهای امپراتوری یورش می‌بردند. با آن که وودی بر خلاف بسیاری از امپراتوران، شخصاً واحدها را فرماندهی نمی‌کرد، اما به خاطر فتوحات سپاهیانی که اعزام می‌داشت به *امپراتور رزمجو* مشهور شد.

او که مرد بسیار جاه‌طلبی بود، جنگ‌های مرزی را وسیله‌ای نه فقط برای دفاع از امپراتوری، بلکه گسترش آن قرار داد و برای آن که برای دودمان هان قدرتی بی‌سابقه فراهم آورد، تنها به توان نظامی تکیه نکرد. او استاد دیپلماسی نیز بود و اغلب از زیرکی و متقاعدسازی برای رسیدن به هدف‌هایش استفاده می‌کرد. او سفیر مخصوصی به نام سردار ژانگ را به سمت مناطق غربی فرستاد تا در آن دیار متحدان جدیدی برای خود پیدا کند، اما سردار ژانگ در میانهٔ راه به اسارت یکی از قبایل درآمد.

1- Wudi



نقاشی دیواری از سفر نمایندگان امپراتور هان به کشورهای شرقی، مسیر حرکت این نمایندگان بعدها به جادهٔ ابریشم تبدیل شد

سردار ژانگ پس از ده سال اسارت، سرانجام فرار کرد و به مأموریتش برای یافتن قبایل متحد ادامه داد. سرانجام آن‌ها را در غرب دور، جایی که اکنون افغانستان است، پیدا کرد و سپس در ۱۲۶ پیش از میلاد به چین بازگشت تا به امپراتور گزارش دهد. امپراتور وودی پس از گذشت این زمان طولانی از دیدن سردار خود متحیر شد، هنگامی که ژانگ شرح داد که به نقاط دوردستی سفر کرده و با مردمان عجیب و غریب ملاقات نموده است، بر شگفتی امپراتور افزوده شد، اما هیجان‌انگیزترین خبرها برای امپراتور این بود که ژانگ، اجناس چینی به ویژه ابریشم را در نقاط دورافتاده دیده بود که بی‌شک از راه‌های تجارتی که برای دربار سلطنتی ناشناخته بود، به آن جا حمل شده بود. این واقعیت که مردمان دیگر برای اجناس چینی ارزش قائل می‌شدند وودی را خرسند ساخت و او را در مورد امکانات سیاسی و بازرگانی و ایجاد راه‌های تجارتی در آن نواحی به فکر انداخت. وودی بعدها بر اساس گزارش ژانگ، دستور طراحی و ساخت جادهٔ مشهور ابریشم را صادر کرد.

وودی پیشنهاد وزیر اعظمش را مبنی بر تحقیر عقاید غیر کنفوسیوسی قبول کرد و از آن به بعد، عقاید کنفوسیوس به رهنمود مدیریت کشور سلسلهٔ هان و سلسله‌های بعد در تاریخ چین تبدیل شد. صنایع دستی، بازرگانی و هنرهای انسانی و علوم طبیعی به دلیل ثبات اقتصادی و سیاسی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرد. به دنبال ارتقای سطح علوم و فنون، کارآیی تولید صنایع دستی با صنعت عمده استخراج

و ذوب فلزات و صنعت نساجی به طور چشمگیری ارتقاء یافت. پیشرفت صنایع دستی باعث شکوفایی صنعت بازرگانی شد و از طریق جادهٔ ابریشم به تبادلات سلسلهٔ هان با کشورهای آسیای غربی در زمینه امور خارجی و بازرگانی و تجاری مساعدت کرد. با اجرای سیاست‌های سودمند، قدرت ملی سلسلهٔ هان تقویت شد، اما در این میان، قدرت و نفوذ نیروی‌های محلی نیز توسعه یافت که تأثیرات منفی بر حکومت سلسلهٔ هان داشت.

در سال ۸ میلادی، مردی با نام وانگ‌مان[1] قدرت را غصب کرد و نام سلسلهٔ هان را به شین تغییر داد و به دنبال آن به حکومت خاندان سلسلهٔ هان پایان داد اما در سال ۲۵ سرداری به‌نام *لیوشیو*[2] علیه وانگ‌مان شورش کرد و بر مسند قدرت نشست و بار دیگر نام سلسله را از شین به هان تغییر و شهر لویان را پایتخت خود قرار داد.

یکی از مشهورترین امپراتوران این سلسله، *گوانگ‌وودی*[3] بود که مدت ۲۳ سال بر امپراتوری فرمان راند. مهم‌ترین اقدامات وی در مقام امپراتوری، انتقال پایتختش از چانگان (شیان کنونی) به لوئویانگ در شرق امپراتوری بود. به خاطر همین انتقال، گاهی تاریخدانان به دو دورهٔ هان به صورت هان غربی (نخستین) وهان شرقی (پسین) اشاره می‌کنند. در دورهٔ سلطنت کوتاه وانگ مانگ، او املاک زمینداران ثروتمند را به زور گرفته و بسیاری از امتیازاتشان را لغو کرده بود.

سلسلهٔ هان شرقی، به سبب تقویت قدرت مرکزی و آمیختگی نیروهای محلی به ثبات رسید و با پیشرفت‌های اقتصادی، فرهنگی، فنون و علوم از سطح سلسلهٔ قبلی هان غربی نیز تجاوز کرد. در سال ۱۰۵ میلادی، مردی با نام *چای‌لون‌فن* کاغذ سازی را اصلاح کرد و پس از آن چینی‌ها دیگر برای نوشتن کلمات از قطعه‌های چوب‌های خیزرانی استفاده نمی‌کردند. فن کاغذسازی یکی از چهار اختراع بزرگ چین تا امروز نیز زبانزد مردم است. در زمینهٔ فنون طبیعی، محافل علمی و دانشگاهی به نمایندگی جانگ‌هن دستاوردهای زیادی حاصل‌کردند. جانگ هن دستگاهی برای تعیین مدار و موقعیت ستارگان و زلزله نگاری اختراع کرد. به علاوه، هوا توا، پزشک نامدار اواخر سلسلهٔ هان شرقی، نخستین جراح در تاریخ بوده که با فنون بی‌حسی موضعی دست به عمل جراحی زده است.

البته دوران شکوفایی و رونق هان شرقی چندان دوام نیافت. درحالی که هنرمندان، دانشمندان، فیلسوفان و مخترعان موضوع مورد علاقهٔ خود را پی می‌گرفتند، بسیاری از مشکلات دیرپای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به رشته رخدادهایی انجامید که سرانجام این دودمان را به زیر کشید.

سربازان امپراتوری طی دهه‌ها شورش‌های دهقانی متناوب را فرو نشانده بودند، اما در سال ۱۸۴ میلادی، زردپوشان با یک نیروی سیصدهزار نفری شورش‌های گسترده‌ای را در چندین ناحیه در اطراف

1- WangMan 2-Liu Shiu 3- GuangWooDee

پایتخت برپا کردند. سرانجام سپاهیان امپراتوری، شورشیان را پس از ماه‌ها نبرد شکست دادند. پس از آن، شورش‌های کوچک‌تری با الهام از زردپوشان در نقاط مختلف امپراتوری برپا شد.

در سال ۱۸۹ بحران تازه‌ای رخ نمود و دربار امپراتوری بر اثر موضوعی داخلی از هم پاشید که خواجه‌های کاخ ـ که اینک تعدادشان به صدها نفر می‌رسید ـ در آن دخیل بودند. ائتلاف‌هایی در درون دربار به منظور کشتن خواجه‌ها، که آن‌ها را مسئول وخامت وضع این دودمان می‌دانستند، شکل گرفت. جناح‌های دیگر دربار از خواجه‌ها حمایت می‌کردند و بر این نظر بودند که نباید آن‌ها را به خاطر گرفتاری‌های دودمان مقصر دانست. خواجه‌ها که دریافته بودند خطر بزرگی تهدیدشان می‌کند، با هم متحد شدند و یک سردار سپاه امپراتوری را به قتل رساندند که در پی اعدام آن‌ها بود. سپس امپراتور را به گروگان گرفتند و خود را در کاخ پنهان کردند. وقتی فرماندهٔ نیروهای مرزی از این شورش مطلع شد، با سپاهیانش به پایتخت آمد و دستور حمله به محوطهٔ کاخ را صادر کرد که طی آن بیش از دو هزار خواجهٔ درباری کشته شدند. با آن که دودمان هان رسماً چندین سال پس از قتل عام خواجه‌ها دوام آورد، اما تاثیرگذاری‌اش رو به پایان بود. در سال ۲۲۰، آخرین امپراتورهان، شیین دی، از سلطنت کناره‌گیری کرد و امپراتوری به سه پادشاهی تقسیم شد که هر کدام مدعی بودند رهبرشان وارث بر حق تاج و تخت هان است. خاندانِ هان از چنان اعتباری برخوردار بود که رهبران جناح‌های درگیر در پی سرنگونی این دودمان برنیامدند؛ برعکس، هر کدام مدعی بودند که جانشین بر حق سلطنت هان هستند، اما هنگامی امپراتوری تجزیه شد که هیچ کدام از آن‌ها نتوانستند برتری کسب کنند.





ساخت مجسمه‌های سفالی کوچک و ظریف در دوران سلسلهٔ هان رونق بسیاری یافت. بسیاری از این مجسمه‌ها به یادبود فرد متوفی، نذر معابد می‌شدند.

طی چهارصد سال بعدی و پیش از آن که دودمان توانمند دیگری ظهور کند که بار دیگر امپراتوری را یکپارچه سازد، پادشاهی‌های متعددی ظهور و سقوط کردند. سرانجام امپراتوری هان به سه پادشاهی تقسیم شد و هر کدام تلاش کردند دیگران را از میدان به در کنند. اما از آن جا که توانشان تقریباً برابر بود، مدت‌ها طول کشید تا یکی از آن‌ها به کامیابی دست یابد. عاقبت در ۲۶۳ میلادی، پادشاهی شمالی وی، پادشاهی جنوب غربی شو را تسخیر کرد و در سال ۲۸۰ بر پادشاهی جنوب شرقی وو غلبه کرد و به تدریج باز هم امپراتوری را یکپارچه ساخت. آن‌گاه پیروزمندان تأسیس دودمان جین را اعلام کردند.

سلسلهٔ جین و سلسله‌های جنوبی و شمالی

دوران حکمرانی سلسله‌های وی و جین، سال‌های ۲۲۰ میلادی تا ۵۸۶ میلادی را در برمی‌گیرد. در پایان قرن دوم میلادی، حکومت سلسلهٔ هان شرقی زوال یافت و تاریخ چین وارد دوران جدایی طولانی شد. سه کشور وی، شو و وو (از سال ۱۸۹ میلادی تا سال ۲۶۵ میلادی) در ابتدا با یکدیگر وحدت داشتند، اما سلسلهٔ جین به این اوضاع خاتمه داد.

با این حال سلسلهٔ جین از سال ۲۶۵ تا ۳۱۶ میلادی طول کشید و بار دیگر مشکلات آغاز شد. خویشاوندان نزدیک امپراتور سلسلهٔ جین در حوزهٔ جنوب رود یانگ تسه، سلسلهٔ جین شرقی را تأسیس کردند. در همین زمان، ملیت‌های مناطق شمال، با یکدیگر درگیر شدند و در همین جریان قدرت‌های سیاسی زیادی تأسیس شد که ۱۶ کشور خوانده می‌شوند.

در این دوران، اقتصاد مناطق جنوبی بسیار پیشرفت کرد. اقلیت‌های مختلف در غرب و شمال به تدریج به داخل کشور مهاجرت کردند. مهاجرت ملیت‌ها و زندگی مشترک آنان به آمیختگی و تبادلات بین آن‌ها مساعدت کرد. در زمینهٔ فرهنگی، مکتب فلسفه رواج یافت. مذهب بودا و دائو با هم رقابت و پیشرفت می‌کردند، اما حاکمان معمولاً از مذهب بودا حمایت می‌کردند.

در زمینهٔ ادبی، هفت ادیب به‌نام‌های کنگ ژون، چن لین، وانگ جیه، شوگان، ژوان‌یو، اینگ‌یان و لیوجن، شاعر تائویوان‌مینگ، خوش‌نویس وانگ‌شی‌جی و نقاش گوکای‌جی بسیار معروف بودند. هنر غارهای سنگی دون هوانگ نیز از آثار جاودان این دوران است. در زمینهٔ علوم و فنون، زو چون جی، نخستین مردی بود که نسبت دقیق محیط دایره را به هفت عدد بعد از کسر اعشار محاسبه کرد. کتاب چیمین یائوشو، کتاب مهمی در تاریخ علم کشاورزی در جهان است که در این دوران نگاشته شد.

به سبب مهاجرت مداوم جمعیت مناطق مرکزی به مناطق جنوبی برای پرهیز از جنگ، نه تنها نیروی کار در حوضه جنوبی رود یان تسه افزایش یافت، بلکه ورود فنون پیشرفته تولیدی به پیشرفت اقتصادی محلی مساعدت کرد. اطراف شهر یان‌جو، پیشرفته‌ترین اقتصاد منطقه در آن زمان بود. در زمینهٔ فرهنگی نیز مکتب فلسفی بسیار پیشرفت کرد و روزگار پر آشوب، زمینه را برای پیشرفت آزادانهٔ افکار فراهم آورد.



قلمرو سلسلهٔ جین

علاوه بر دستاوردهای ادبی، تبادلات تجاری با کشورهای خارجی (از شرق با ژاپن و کره و از غرب با آسیای مرکزی و مناطق آسیای جنوب شرقی) نیز در این دوران بسیار رونق یافت. پس از سرنگونی کشور جین شرقی، دو سلسلهٔ جدید شمالی و جنوبی متولد شدند. این دورهٔ جدید جدایی جنوب و شمال در تاریخ چین از بسیاری لحاظ حائز اهمیت است.

با وجود آن‌که شکل‌گیری این دو سلسلهٔ جدا از هم باعث پیشرفت اقتصاد شد، اما حاکمیت خارجی بر منطقهٔ دشت‌های مرکزی به آمیختگی ملیت‌ها در حوضهٔ رودخانه زرد مساعدت کرد که این امر در تاریخ چین بی‌سابقه است. در چنین وضعی، ملیت‌های مختلف در شمال چین به تدریج با ملیت هان آمیخته شدند و به وحدت رسیدند. این موضوع نشان می‌دهد که جدایی سلسله‌های شمالی و جنوبی نقش مهمی برای تسریع وحدت ملیت‌ها ایفا کرده و حلقهٔ مهمی در جریان پیشرفت ملت چین محسوب می‌شد.

سلسلهٔ سوی و سلسلهٔ تانگ

سلسلهٔ سوی پیش از ایجاد در سال ۵۸۱ میلادی توسط امپراتور *سوی‌ون‌دی*[1] تا کشته شدن امپراتور *سوی‌یان‌دی* در سال ۶۱۸ میلادی، ۳۷ سال حیات داشت. از میان امپراتوران این سلسله، آخرین امپراتور نقش شایانی در کشور ایفا کرد. اول این‌که *وی* نظام شش مقام سلسلهٔ جوی شمالی را لغو و نظام سه استان و شش وزارتخانه را ایجاد کرد. این امپراتور قوانین جدیدی تنظیم نموده و مجازات‌های در نظر گرفته شده در سلسله‌های جنوبی و شمالی را عادلانه اجرا می‌کرد. علاوه بر این، سیستم آزمون سلطنتی ایجاد و روش انتخاب مقامات در دورهٔ حکمرانی وی مشخص شد. با این حال وی در تاریخ چین به امپراتور بی‌رحم معروف است. در دورهٔ حکمرانی وی مردم به دلیل مالیات و عوارض کمرشکن و سنگین، دست به قیام زدند و سرانجام امپراتور را درشهر جیانگ‌دو با طناب دار زدند و سلسلهٔ سوی سرنگون شد.

سلسلهٔ تانگ نیز سال ۶۱۸ میلادی تأسیس و سال ۹۰۷ میلادی توسط مردی با نام جوون سرنگون شد. عمر این سلسله به دنبال شورش آن‌شی به دو بخش دوران پرشکوه و دوران زوال تقسیم شد. امپراتور *تانگ‌گائوزو*[2] سلسلهٔ تانگ را تأسیس کرد. این امپراتور در عرض یک دهه، کشور را وحدت بخشید. این سلسله در زمینهٔ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جهان شهرت یافت. دوران امپراتوری تانگ، بسیار پر رونق بود، اما با شورشی که در اواخر این دوران رخ داد، سلسلهٔ تانگ رو به زوال گذاشت.

سلسلهٔ سوی و سلسلهٔ تانگ، دستاوردهای زیادی در زمینهٔ تنظیم احکام و مقررات حاصل کردند که برای نمونه می‌توان به نظام سه استان و شش وزارت، سیستم آزمون سلطنتی و قانون مالیات‌گیری اشاره کرد. سیاست خارجی سلسلهٔ سو و تانگ نسبتاً باز و تبادلات اقتصادی و فرهنگی آن‌ها با کشورهای دیگر زیاد بود. در زمینهٔ ادبی، اشعار سلسلهٔ تانگ هنوز جزو معروف‌ترین آثار ادبی تاریخ چین محسوب می‌شوند. در این دوران، آثار نثر به سبک کلاسیک نوشته شد که بسیار تأثیرگذار بود. خطاطی، نقاشی، رقص موسیقی و هنر غارهای صخره‌ای در میان توده‌های مردم رواج یافت. فن چاپ و باروت نیز که جزو چهار اختراع مهم چینی‌ها محسوب می‌شود، در این دوران به وجود آمد. در اواخر حیات سلسلهٔ تانگ، جامعه دچار هرج و مرج بسیاری شد. درگیری‌های احزاب و حاکمیت مطلق مقامات باعث قیام‌های دهقانی شد.

معماری سلسلهٔ تانگ

سلسله امپراتوری تان سال‌های ۹۰۷– ۶۱۸ میلادی دوران اوج پیشرفت اقتصادی و فرهنگی جامعه فئودالیستی چین می‌باشد و شکوه و عظمت، منظم و روشن بودن، سادگی و وضوح رنگ‌ها از خصوصیات سبک معماری این عصر به شمار می‌رود. در این سلسله، برنامه‌ریزی کامل مجتمع ساختمان‌ها هر روز

1- SueWenDi 2- Tang GauZu

تکامل یافت. در شهر چان‌آن(شیان امروزی) که پایتخت سلسلهٔ تانگ محسوب می‌شد، قصرها، باغستان‌ها و مقرهای ادارات زیادی با ترکیب‌بندی منظم و استاندارد معقول معماری ساخته شد. شهر چان‌آن در زمان خود بزرگ‌ترین شهر جهان به شمار می‌رفت و با طراحی بسیار دقیق ساخته شده بود.

قصرهای امپراتوری در این شهر از عظمت و شکوه فوق‌العاده‌ای برخوردار بودند و مقیاس اثر باقی مانده‌اش معادل بیش از سه برابر مساحت کل شهر ممنوعهٔ پکن می‌باشد. ساختمان‌های چوبی سلسلهٔ تانگ هنر معماری با مدل ترکیب‌بندی را به وحدت رساند و تمامی بخش‌های ترکیب‌دهندهٔ ساختمانی از جمله ستون‌ها، تیرهای سقف و دوگون[۱]، تلفیق قدرت و زیبایی را مجسم می‌کند.کاخ عظیم معبد فوگوان نمونهٔ اصیل معماری سلسلهٔ تانگ به شمار می‌رود.



قلمرو امپراتوری تانگ

۱- نوعی معماری به شکل کمان که از چوب ساخته شده و در وسط ستون و تیر عرضی قرار دارد و نقش آن تحمل بار است.



نقش‌برجستهٔ سنگی از دورهٔ تانگ که بودا را در کنار مریدانش نشان می‌دهد

سلسلهٔ سون

در سال ۹۶۰ میلادی، سردار ارتشی *سون‌تای‌زو*[1] دست به یک کودتای نظامی زد و به دنبال آن سلسلهٔ تانگ سرنگون شد. از آن پس دورهٔ تجزیهٔ امپراتوری آغاز شد.

در این دوران، مردم چیدان در شمال، کشور لیائو (۹۴۷ تا ۱۱۲۵ میلادی) را تأسیس کردند. مردم ملت دان شیان در شمال غرب نیز کشور شی‌شیا (۱۰۳۸ تا ۱۲۲۷ میلادی) را ایجاد کردند. در سال ۱۱۱۵ میلادی، کشور جین (۱۱۱۵ تا ۱۲۳۴ میلادی) نیز در شمال را مردم ملت نیوجن تأسیس کردند.

در سال ۱۱۲۵ میلادی، کشور جین، کشور لیائو را سرنگون کرد و در سال ۱۱۲۷ میلادی به کای‌فون؛ پایتخت کشور شی‌شیا حمله و امپراتور آن کشور را دستگیر کرد.

جائوگو[2]، امپراتور کشور جین مؤسس سلسلهٔ سون شمالی، در کاخ اینگ‌تیان به مسند قدرت نشست. امپراتوری سون شمالی پس از ایجاد وحدت و یکپارچگی در مناطق شمالی، به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار پیشرفت کرد و تجارت خارجی آن بسیار پیشرفته بود. برخی اصلاحات که جائوگو به

1- Sun Tay Zhun 2-Jaogu

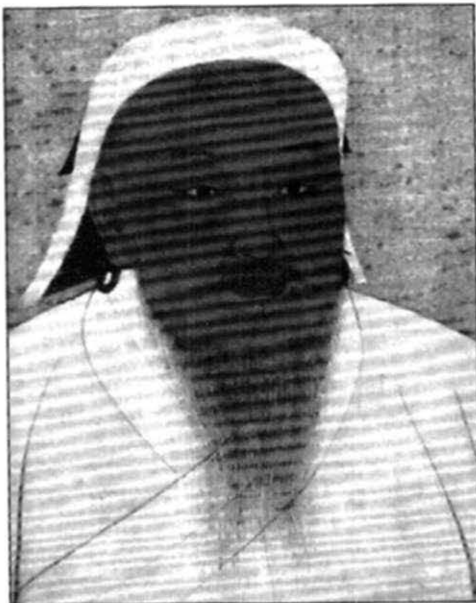
اجرا گذاشت، با وجود آن‌که کاملاً شکوفایی درازمدت سون را تحقق نبخشید، اما به حل بسیاری تناقضات اجتماعی مساعدت کرد. در این مدت، دستاوردهای فنی و علمی بسیار برجسته بود. اختراع قطب‌نما، فن چاپ و باروت مربوط به این دوران است. از این میان، فن چاپ که مردی با نام بی شن اختراع کرد، چهارصد سال زودتر از اروپا پا به عرصه گذاشت. مردی با نام *سوسون* نخستین ساعت نجومی جهان را ساخت. در زمینهٔ فرهنگی نیز فلسفهٔ ایده‌آلیستی مکتب کنفوسیوس بسیار پرشکوه بود و فلاسفهٔ مشهوری در این دوران ظهورکردند. مذاهب دائو، بودایی و دیگر مذاهب خارجی بسیار رایج بود. کتاب تانگ نوشتهٔ مردی با نام *وویان‌شیو*، برای حفظ تاریخ سلسلهٔ تانگ بسیار گرانقدر است. این دوره اوج ادبیات چین باستان محسوب می‌شود. *تِسی*، نوعی شعر چین قدیم بود که برای برخی آهنگ‌ها سروده می‌شد و دارای قالب‌های موزون و مقفی با تعداد معینی از واژه‌ها و بیت‌ها بود. اُپرا نیز در دوران سون بسیار رایج بود. نقاشی‌های مانده از این دوران بیش‌تر به موضوعاتی چون کوه، رودخانه، گل و پرنده اختصاص داشت. تصویر *چینگ‌مین* اثری جاودان در تاریخ نقاشی چین محسوب می‌شود.

معماری سلسلهٔ سون

اگرچه سلسلهٔ سون، شروع کنندهٔ زوال سیاسی و نظامی در چین باستان بود، ولی در این دوران، اقتصاد، صنایع دستی و تجارت پیشرفت یافته و علوم و فنون شاهد توسعه بود؛ ظرافت و خوش‌ترکیبی و توجه به تزیینات از خصوصیات معماری این دوران بود. درشهرهای این سلسله، ترکیب خیابان‌ها منظم و مغازه‌ها معمولاً رو به خیابان‌ها دایر گردید و تأسیسات آتش‌نشانی، حمل و نقل و راه و ترافیک، مغازه‌ها و پل‌ها پیشرفت نوینی حاصل کرد و پایتخت این سلسله (کای فون امروزی) سیمای یک شهر تجاری را از خود نشان می‌داد. در این مرحله، با افزایش لایه‌های فضایی، سمت عرضی بناهای اصلی برجسته می‌شد و تعمیر و تزیین و رنگ ساختمان‌ها توسعه یافته‌تر بود. قصرهای اصلی معبد جین‌تسه از ساختمان‌های نمونهٔ سلسله امپراتوری سون محسوب می‌شود. در سلسلهٔ سون به دنبال پیشرفت جامعهٔ اقتصادی، باغ‌سازی با مفهوم هنری آغاز گردید. باغ‌سازی کلاسیک چین ضمن تلفیق زیبایی طبیعی و مصنوعی با ایجاد صخره‌ها و جویبارها و گل‌ها و درختان نوعی از محیط هنری را نشان می‌داد.

سلسلهٔ یوان

تموچین در سال ۱۲۰۶ میلادی، قبیله‌های مختلف شمال چین را شکست داد و کشورمغول‌ها را ایجاد کرد و خود را چنگیزخان نامید. پس از آن، ارتش مغول به آسیای مرکزی، اروپای شرقی و ایران حمله کرد اما با مرگ چنگیزخان و پسرش، چندی نگذشت که امپراتوری عظیم مغول‌ها به چند کشور مستقل تبدیل شد.



تصویر منسوب به چنگیزخان مغول

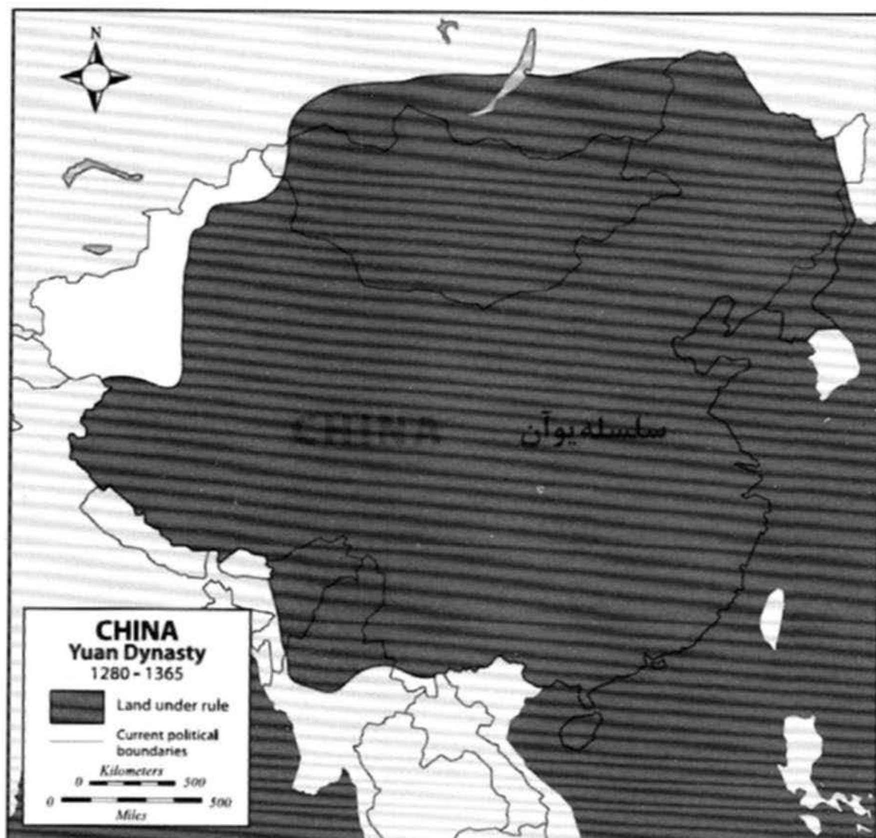
مغول‌ها کشوری را که در سرزمین چین امروزی تشکیل داده بودند، *یوان* نامیدند. در سلسلهٔ یوان اعزام فرستاده‌ها و تبادلات بازرگانان و رفت و آمد بین کشورها بیش‌تر از هر دوران دیگر بود. سلسلهٔ یوان با ژاپن و کشورهای مختلف آسیای جنوب شرقی نیز مبادلاتی داشت. بسیاری از کشتی‌های چینی در دریاهای چین و هند دیده می‌شدند.

در این دوره، فن چاپ، باروت و قطب نما از راه کشورهای عرب به اروپا رسید. علم نجوم، پزشکی و ریاضی کشورهای عربی نیز به تدریج وارد چین شد و دین اسلام در این کشور رواج یافت. رفت و آمد چین با شبه جزیرهٔ عرب به غیر از راه دریایی، از طریق مسیر زمینی نیز انجام می‌شد. ظروف چینی به آفریقای شرقی منتقل و به مراکش فروخته می‌شد. در سال ۱۲۷۵ میلادی، *مارکوپولو* پسر یک بازرگان ونیزی وارد چین شد و ۱۷ سال در چین زندگی کرد و کتاب معروف سفر به چین را در این دوران نوشت. این کتاب یکی از اسناد مهمی است که مردم کشورهای غربی با خواندن آن با چین و آسیا آشنا شدند. در اواخر این دوره، استثمار حاکمان مغول بر مردم نژاد چینی (هان) بسیار بی‌رحمانه بود و باعث مقاومت شدید ملیت هان می‌شد. در سال ۱۳۳۳ میلادی، قیام‌های دهقانی در سراسر کشور رخ داد. در سال ۱۳۵۱ میلادی، کارگران اطراف رود زرد دست به قیام زدند و در سال ۱۳۴۱میلادی، مردی به نام *جویوان‌جان*[1] با شعار بیرون راندن ملیت‌های غیرهان، در رأس ارتش شورشی به پایتخت حمله کرد و سلسلهٔ مغولی یوان را سرنگون و سلسلهٔ مینگ را تأسیس کرد.

معماری سلسلهٔ یوان

چین در سلسلهٔ یوان یک کشور امپراتوری و نظامی با سرزمین‌های پهناور بود که توسط حکمرانان مغول ایجاد گردید. در این دوران، اقتصاد و فرهنگ چین به تدریج و آهسته پیشرفت نمود و معماری نیز در اکثر ساختمان‌ها ساده و غیرهنرمندانه بود. البته شهر *دادو* پایتخت سلسلهٔ یوان مقیاس عظیمی داشت که معادل پکن امروزی بود. از آن‌جا که حکمرانان سلسلهٔ یوان پیرو دین بودای تبتی بودند، لذا ساختمان‌های مذهبی در این دوران بسیار شکوفا شد.

1- Jo Yuan Jan



قلمرو امپراتوری مغولی یوان که بخش اعظم کشورهای چین، مغولستان و کرهٔ امروزی را دربرمی‌گرفت

سلسلهٔ مینگ

در سال ۱۳۸۶ میلادی، فردی به‌نام جو *یوان جانگ*[1] سلسلهٔ مینگ را تأسیس کرد. وی ۳۱ سال در مسند پادشاهی نشست و با تمام نیرو به تقویت قدرت حکومت فئودالی خود مشغول شد. او بسیاری از مقامات سابق را کشت و مخالفانش را از بین برد. پس از درگذشت جو یوان جانگ، نوه‌اش بر مسند پادشاهی نشست، اما عمویش او را شکست داد و جانشینش شد.

در سال ۱۴۲۱ میلادی، پایتخت سلسلهٔ مینگ به بیجینگ (پکن امروزی) منتقل ساخت. با وجود آن‌که در سلسلهٔ مینگ، سیستم نظارتی تقویت شد، اما بسیاری از امپراتورها به سبب ناتوانی و جوانی به مدیریت کشور بی‌توجه بودند. به همین سبب، قدرت به دست خواجگان دربار افتاد. خواجگان نیز دست به

1- Jo Yuan Jang

اختلاس می‌زدند و مقام‌های درستکار را مورد آزار قرار می‌دادند. سلسلهٔ مینگ به تدریج فاسد شد و مشکلات اجتماعی کشور را فرا گرفت. در اواسط این دوره، روستاییان چندین بار دست به قیام زدند، اما همهٔ این قیام‌ها سرکوب شد.

در سلسلهٔ مینگ سیاستمدار معروفی به نام *جانگ‌جوجن*[1] زندگی می‌کرد. او برای کاهش تناقضات اجتماعی و نجات سلسلهٔ مینگ، دست به اصلاحات مهمی زد. او به اصلاح مدیریت کشور، توسعهٔ امور کشاورزی و مهار رودخانه‌ها پرداخت و سیستم مالیات را بهبود بخشید. این مسئله باعث شد تا از فشار بر روی مردم کاسته شود. صنعت کشاورزی سلسلهٔ مینگ نسبت به سلسله‌های قدیمی دیگر نیز پیشرفته‌تر بود. صنایع نساجی ابریشم و چینی‌سازی چین به طورکلی در آن زمان بسیار مترقی بود. صنایع استخراج آهن، ریخته گری مفرغ، کاغذسازی و کشتی‌سازی به طور چشمگیری پیشرفت کرده بود و تبادلات اقتصادی و فرهنگی با کشورهای خارجی نیز رونق داشت. جن حه دریانورد معروف چینی طی هفت بار سفرهای دریایی‌اش به بیش از سی کشور از قاره‌های آسیا و آفریقا سفر کرد.

در سلسلهٔ مینگ، اقتصاد کالا پیشرفت کرد و بذر سرمایه‌داری پاشیده شد. در اوایل سلسلهٔ مینگ، بسیاری از زمین‌ها بدون صاحب و بایر بود. به همین سبب جو یوان جانگ امپراتور *مینگ تائیزو*[2] آوارگان را برای توسعهٔ صنعت کشاورزی به خدمت گرفت و میزان مالیات پرداختی آنان را کاهش داد. با این روش، شمار کشاورزان به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. انواع جدید محصولات کشاورزی مانند تنباکو، سیب زمینی، ذرت و بادام زمینی از کشورهای خارجی وارد چین شد. در این دوران، صنایع دستی چین مانند چینی‌سازی و نساجی پیشرفت مطلوبی داشت. به‌تدریج در صنعت نساجی ابریشمی نیز پیشرفت‌هایی حاصل شد و کارگاه‌هایی با بیش از ده دستگاه بافندگی به وجود آمد و کارگران ماهر در فن بافندگی پرورش یافتند.

در سلسلهٔ مینگ تنوع کالاها بسیار زیاد بود واغلب تبادلات کالا صورت می‌گرفت. بدین سبب مناطق دارای محصولات فراوان و تسهیلات راه و ترابری به مراکز تجاری مبدل شدند. شهرهای باشکوهی مانند بیجینگ، نن‌جینگ، سوجو،هانگ‌جو و گوانگ‌جو در این میان توسعه یافتند.

نگارش داستان‌ها و سفرنامه‌ها نیز از ویژگی‌های این دوران است. در اواخر سلسلهٔ مینگ تمرکز سرزمین بیش‌تر مشاهده می‌شود. پراکندگی سرزمین‌های امپراتور و کشورهای وابستهٔ سلسلهٔ مینگ و همچنین میزان افزایش روزافزون اخذ مالیات باعث بروز تناقضات اجتماعی شدیدتر می‌شد. بعضی مقامات امیدوار بودندکه فاصلهٔ طبقاتی کاهش یابد و به همین دلیل خواستار کنترل حقوق ویژهٔ اشراف بودند، اما مدام مورد اذیت و آزار قرار می‌گرفتند و این مسئله باعث بی‌ثباتی بیش‌تر جامعه گردید. در پی آن مبارزه در روستاها شدت گرفت.

1- Jang jojen 2-Ming Taizu



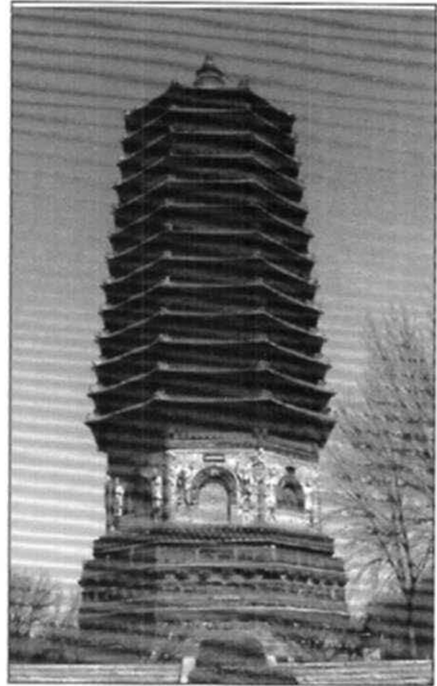
قلمرو سلسلهٔ مینگ

در سال ۱۶۲۷ میلادی، استان شان‌شی دچار خشکسالی شد وچون مقامات روستاییان را به پرداخت مالیات بیش‌تر وادار کردند، قیام دهقانان برپا شد. هزاران دهقان گرسنه سال ۱۶۴۴ میلادی به بیجینگ حمله کردند و امپراتور چون‌جن مجبور به خودکشی شد.

معماری سلسلهٔ مینگ

از سلسلهٔ مینگ (سال‌های ۱۶۴۴-۱۳۶۸میلادی) چین وارد دوران پایان جامعهٔ فئودالیستی گردید. اشکال معماری در این دوران معمولاً از سلسلهٔ سون تأثیر می‌پذیرفت و تغییرات زیادی نداشت. اما در زمینهٔ طراحی و نقشه‌کشی، آثار موجود از آثار دوران دیگر کاملاً متمایز بود. طراحی شهر و معماری کاخ‌های این دوران مورد استفاده نسل‌های بعدی قرار می‌گرفت و بیجینگ پایتخت و نانکن بزرگ‌ترین شهر باستانی موجود چین مدیون طراحی و بهره برداری سلسلهٔ مینگ است.



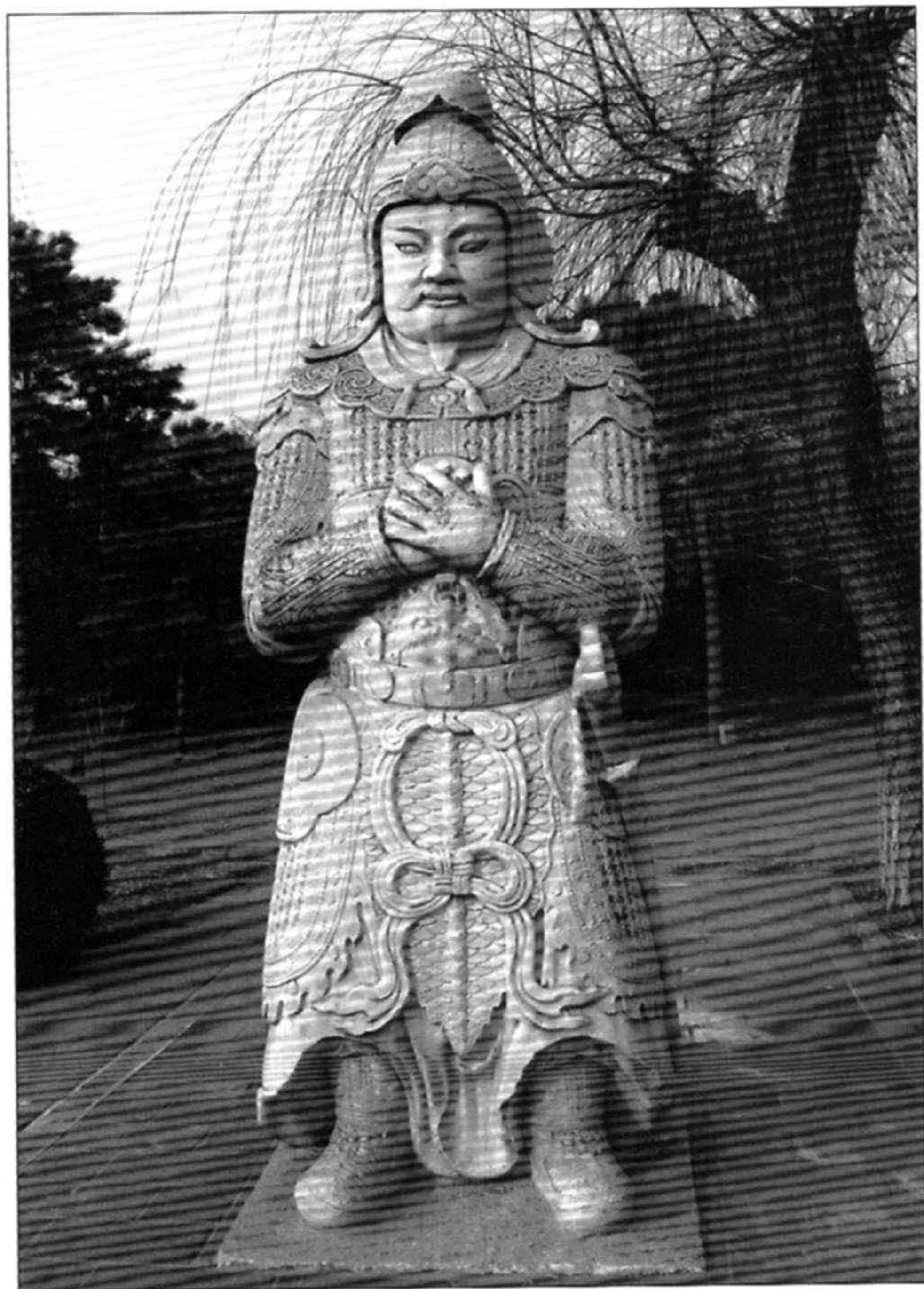


تصویر راست : معبد بودایی ۸ ضلعی به ارتفاع ۵۰ متر در پکن متعلق به دورهٔ مینگ
تصویر بالا: ورودی آرامگاه پادشا هان سلسلهٔ مینگ در نزدیکی پکن

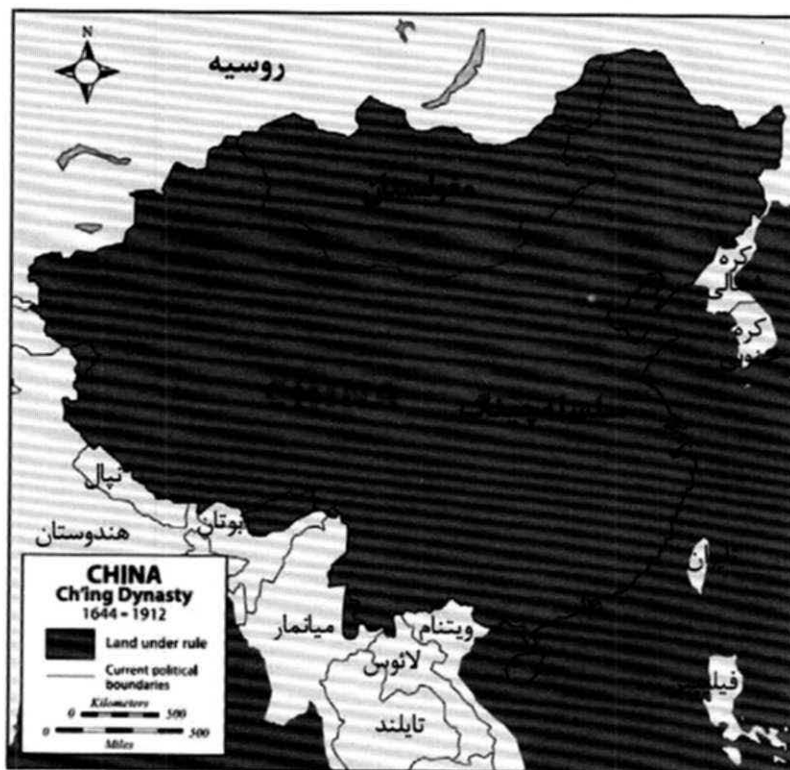
افزون بر این، قصرهای امپراتوری سلسلهٔ چینگ نیز بر پایهٔ‌کاخ‌های سلسلهٔ مینگ توسعه و تکامل یافته بود. در این دوران بیجینگ، پایتخت چین، بر اساس وضع موجود تجدید ساختمان شد و به سه بخش، یعنی بخش بیرونی، درونی و امپراتوری تقسیم گردید.

سلسله مینگ با نیروی زیادی به ساخت دیوار بزرگ دفاعی چین روی آورد. دیوارها، گذرگاه‌ها و بسیاری قسمت‌های مهم این دیوار بزرگ با استادی خاصی به وسیلهٔ آجر احداث شدند. طول این دیوار بزرگ ۵۶۶۰ کیلومتر است. در طول دیوار، گذرگاه‌های معروف وجود دارند که در آن آثار عالی با سبک منحصر به فرد در هنر معماری چین مشاهده می‌شود.

در این دوران، سبک دکور، تصویرگری و تریینات ساختمان‌های رسمی به تدریج معین شد و اشیای تزیینی زیادی که با مصالح گوناگون مانند سنگ و آجر، شیشه و الوار سفت تهیه شده بود، در سقف و دیوار آن نصب شد. همچنین استفاده از آجر برای ساخت دیوارخانه‌های مسکونی رایج گشت. در سلسله مینگ ترکیب‌بندی مجموعهٔ ساختمان‌ها پخته‌تر شد. قبرستان‌های پکن نیز نمونهٔ برجسته از استفاده ماهرانه ازشرایط جغرافیایی و محیطی در معماری به شمار می‌رود. ناگفته نماند که در سلسلهٔ مینگ، نگارش غیب‌گویی روی خانه‌ها بسیار رایج بود. این پدیدهٔ خاص فرهنگ باستانی در تاریخ معماری چین تا دوران معاصر ادامه یافت.



یکی از ده‌ها مجسمهٔ نگهبان آرامگاه امپراتوران سلسلهٔ مینگ در شمال پکن



وسعت قلمرو سلسلهٔ چینگ در زمان اوج اقتدار

سلسلهٔ چینگ

سلسلهٔ چینگ از سال ۱۶۴۴ میلادی تأسیس گردید و عمر آن در سال ۱۹۱۱ خاتمه یافت. این سلسله جمعاً ۱۲ امپراتور داشت. سرزمین سلسلهٔ چینگ بیش از ۱۲ میلیون کیلومتر مربع مساحت را پوشش می‌داد. در سال ۱۶۱۶ میلادی، کشور هوجین در همسایگی کشور مینگ ایجاد شد و چند سال بعد نام آن به کشور چینگ تغییر یافت. سال ۱۶۴۴ میلادی، نیروهای دهقانی به ریاست *لی‌زی‌چن*[1]، سلسلهٔ مینگ را برانداختند. با خودکشی امپراتور مینگ، ارتش سلسلهٔ چینگ با استفاده از این فرصت به کشور مینگ حمله کردند و با شکست دادن قیام دهقانان، بیجینگ (پکن) را تصرف کرده و پایتخت سلسلهٔ خود قرار داد. سلسلهٔ چینگ به تدریج قیام‌های دهقانی در مناطق مختلف را سرکوب و سراسر کشور را متحد کرد.

در اوایل سلسلهٔ چینگ، برای کاهش تضاد طبقاتی، سیاست تشویق به آبادی زمین‌های بایر و کاهش مالیات به اجرا درآمد. تا اواسط قرن ۱۸، اقتصاد فئودالی بسیار پیشرفت نمود که دوران پرشکوه خوانده

1- LeeZeeChen

می‌شد. نظام تمرکز قدرت بیش از پیش کامل گردید و نیروی نظامی ملی قدرت گرفت و نظم عمومی ثبات یافت. تا اواخر قرن ۱۸، جمعیت مردم در کشور چینگ به سیصد میلیون نفر رسید.

در سال ۱۶۶۱ میلادی، مردی با نام جن چن گون در رأس کشتی‌های جنگی از تنگهٔ تایوان عبور کرد و استعمارگران هلندی را در تایوان که ۳۸ سال آن را در اشغال داشتند، شکست داد و به این ترتیب، جزیرهٔ تایوان به خاک چین ملحق شد.

در اواخر قرن ۱۶، روسیهٔ تزاری به شرق حمله کرد و پیش از ورود ارتش سلسلهٔ چینگ به گذرگاه شان‌های، روسیه تزاری فرصت را غنیمت شمرد و چند شهر مرزی را اشغال کرد. دولت سلسلهٔ چینگ بارها از روسیه خواست از خاک سلسلهٔ چینگ خارج شود. در سال ۱۶۸۵، امپراتور کانگ‌شی[۱] به ارتش فرمان حمله به روسیه را صادر کرد. روسیه مجبور بود با حل مسئله مرزی از طریق مذاکرات موافقت کند. سه سال بعد، نمایندگان دو طرف در مذاکرات رسمی، نخستین پیمان مرزی میان دو طرف را امضا کردند.

در اواسط دوران امپراتوری چیان‌لون، نیروهای تجزیه‌طلب و شورشی سرکوب شدند و منطقهٔ سینگ‌کیانگ تحت قلمرو چینگ درآمد. این امپراتور، سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی بسیاری اتخاذ کرد و به شکوفایی منطقهٔ سینگ‌کیانگ کمک نمود.

سلسلهٔ چینگ قبل از دوران امپراتوری دائو گوان، دستاوردهای فرهنگی بسیار عظیمی داشت. اندیشمندان برجسته و ادیبان معروف بسیاری در این دوران پا به عرصه گذاشتند. دستاوردهای تاریخی نیز فراوان بود و مجموعهٔ کتاب‌های دائره‌المعارف سیکو و منتخب کتاب‌های تاریخی به رشتهٔ تحریر درآمد. سلسلهٔ چینگ در زمینهٔ فن‌آوری نیز دستاوردهای زیادی داشت. به ویژه دستاوردهای معماری آن بسیار برجسته بود.

سلسلهٔ چینگ در زمینهٔ اقتصادی بر پیشرفت امور کشاورزی تأکید داشت و در زمینهٔ فرهنگی، معیارهای اخلاق فئودالی مانند سه راهنمای اصلی (فرمانروا توابع را هدایت می‌کند، پدر فرزند را راهنمایی می‌کند و شوهر هدایت‌گر زن است) و پنج فضیلت دایمی (خیرخواهی، عدالت، ادب، عقل، وفاداری) را تشویق می‌کرد. سلسلهٔ چینگ بارها مردم را به جرم نگارش مطالب ضد دربار سلطنتی به زندان انداخت.

در زمینهٔ روابط خارجی نیز این سلسله در دراز مدت سیاست انحصاری را دنبال می‌کرد و کورکورانه فرمانروایی را دنبال می‌نمود. در قرن نوزدهم میلادی، کشور چین بی‌وقفه از سوی کشورهای غربی مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفت و تحقیر می‌شد.

1- KangXi



آغاز جنگ تریاک میان دو کشور چین و انگلستان که سرانجام با شکست چینی‌ها و از دست دادن جزیرهٔ هنگ‌کنگ پایان پذیرفت

جنگ تریاک در سال ۱۸۴۰ میلادی و تجاوز کشورهای امپریالیستی به چین باعث شد که سلسلهٔ چینگ جداگانه با متجاوزان، پیمان‌های غیرعادلانه امضا کند و با واگذاری جزیرهٔ هنگ‌کنگ[۱] و پرداخت غرامت هنگفت، به تدریج به جامعهٔ نیمه فئودال- نیمه مستعمره تبدیل شود.

سلسلهٔ چینگ که در اواخر عمر خود فاسد و ناتوان شده بود و تفکرات خشک و عقدهٔ حقارت ذهن فرمانرواهای آن را فرا گرفته بود رو به زوال گذارد. مردم در جامعهٔ کهن در ورطه‌ای از رنج و مصیبت به سر می‌بردند. بدین سبب دست به سلسله فعالیت‌های ضد امپریالیستی و ضد فئودالی زدند.

در اواخر سلسلهٔ چینگ، در داخل طبقهٔ حاکم نیز اصلاحاتی از جمله نهضت غربی شدن شروع شد. آنان قصد داشتند از طریق اصلاحات چین را قوی و مستقل کنند، اما همهٔ این تلاش‌ها شکست خورد. در سال ۱۹۱۱ میلادی، انقلابی به رهبری دکتر سون‌یات‌سن[۲]، سلسلهٔ چینگ را سرنگون کرد و به عمر نظام فئودالی خاتمه داد و به این ترتیب چین وارد دوران جدید شد.

۱- هنگ‌کنگ نام جزیرهٔ کوچکی در جنوب چین است. بعد از جنگ تریاک و شکست چین، انگلیسی‌ها توانستند در نتیجهٔ پیمان نانکن در سال ۱۸۴۲ بر این جزیره و شهرهای ساحلی چین مسلط گردند. جنگ تریاک زمانی آغاز شد که انگلیسی‌ها می‌خواستند مادهٔ مخدر تریاک را که در مستعمرهٔ هندوستان تولید می‌کردند، به کشور چین وارد کنند و آن را به قیمت ارزان به چینی‌ها بفروشند، اما با مخالفت میهن‌پرستان و تعدادی از مقامات دولتی روبرو شدند و همین باعث جنگ میان دو کشور شد. استعمارگر انگلستان پس از پیروزی در جنگ، به بهانهٔ دفاع از هنگ‌کنگ، طی قرارداد ۹۹ ساله، این جزیره را به اشغال خود درآورد. سرانجام در سال ۱۹۹۷ این قرارداد به پایان رسید و جزیرهٔ هنگ‌کنگ به سرزمین مادری خود بازپس داده شد.

2- SunYatSen



کاریکاتور سیاسی مربوط به سال ۱۸۹۰ میلادی؛ در این کاریکاتور پادشاهان کشورهای اروپایی (از چپ به راست: ملکه ویکتوریا، ویلهلم دوم و نیکلای دوم) به همراه امپراتور ژاپن در حال تقسیم کردن کیک چین (نماد سرزمین چین) میان خود هستند. پشت سر آن‌ها نیز امپراتور یوآن شیکای با ناراحتی شاهد تقسیم کشورش میان استعمارگران است و کاری از دستش برنمی‌آید.



تصویری از پویی(Puyi)؛ آخرین امپراتور چین که در سه سالگی به مقام سلطنت رسید، اما پس از قیام سال ۱۹۱۱ خلع شد. او تا دوران جوانی مجبور شد در کاخ‌های ممنوعه پکن زندگی کند. وقتی ژاپنی‌ها در سال ۱۹۳۰ با تجاوز به منطقهٔ منچوری آن‌جا را تصرف کردند و در برابر اعتراض جهانیان ادعا کردند که به خواست امپراتور پویی در آن‌جا مانده‌اند، پویی این ادعا را رد کرد. او پس از روی کار آمدن کمونیست‌ها به شهروندی ساده تبدیل شد.

معماری سلسلهٔ چینگ

سلسلهٔ چینگ (سال‌های ۱۹۱۱-۱۶۱۶) آخرین دودمان سلطنت فئودالی چین است. معماری در این دوران، عموماً ضمن ادامهٔ سنت‌های سلسله‌های قبل، بیش‌تر به ظرافت و تزیینات ساختمان‌ها توجه داشت. شهر بیجینگ (پکن)، پایتخت سلسلهٔ چینگ اساساً سیمای گذشته خود را حفظ کرد. در ضمن درون شهر بیست دروازه بلند و عظیم ساخته شد. امپراتوران سلسلهٔ چینگ ضمن استفاده ار قصرهای سلسله‌های گذشته، باغستان‌های بزرگ تابستانی خوش منظره‌ای را ساختند. در معماری‌ها شیشه نیز به کار می‌رفت. به علاوه تعداد بناها و خانه‌های متنوع وبه شکل آزاد مسکونی فزونی گرفت. معماری بودای تبتی با سبک خاص خود در این دوران شکوفا شد. دراواخر این سلسله، بناهایی با سبک ترکیبی چینی - اروپایی پدید آمد.

دورهٔ جمهوری ؛ چین مدرن

رژیم چین پس از انقلاب مردمی از پادشاهی (امپراتوری) به جمهوری تغییر یافت. سون‌یات‌سن[1]، نخستین رئیس جمهور چین بود که در سال ۱۹۱۲ میلادی به قدرت رسید. او بعدها حزب ملی چین را تأسیس کرد و تا سال ۱۹۲۱ رهبر این حزب بود.

در سال ۱۹۲۷، جنگ داخلی میان حامیان دو حزب ناسیونالیست و کمونیست آغاز شد. از آن‌جا که اکثریت جامعهٔ چین؛ یعنی، کشاورزان و کارگران از حزب کمونیست حمایت می‌کردند، رهبران این حزب در سال ۱۹۳۰ نیروی تقریباً عظیمی فراهم کردند و به سوی شهرهای بزرگ پیش رفتند و توانستند چند شهر را به تسلط خود درآوردند. در پی تلاش‌های حزب کمونیست چین به رهبری مائو تسه تونگ[2]، ایالت کیانگسی نیز تحت کنترل کمونیست‌ها قرار گرفت و کم‌کم نیروهای این حزب قدرتمندتر شد. در اکتبر ۱۹۳۵ مائو دستور یک راهپیمایی بزرگ داد و پیروان او مسافت هزاران کیلومتر را پیاده‌روی کردند. به این وسیله مائو توانست تا حدی به منظورش برسد و یک حزب جدید برقرار کند.

سال ۱۹۳۷، ژاپن به چین حمله کرد، ولی نیروهای کمونیست در برابر ژاپن ایستادگی کرده و قدرت خود را به اثبات رسانیدند. مائو در مدتی که به مبارزه مشغول بود، دست به نگارش برد و چندین مقاله و کتاب بر اساس نظریات مارکس به رشتهٔ تحریر درآورد. او در سال ۱۹۴۰، مقاله‌ای با نام *دمکراسی جدید* را نوشت که در چین یک نظریهٔ منحصربه‌فرد معرفی شد.



سون‌یات‌سن؛ نخستین‌رئیس‌جمهور چین



مائو تسه تونگ ؛ رهبر کمونیست‌های چین

1- SunYatSen 2-MaoTeseTung

سرانجام جنگ میان دو حزب اصلی چین با پیروزی کمونیست‌ها پایان پذیرفت. در نتیجه کمونیست‌ها کنترل سرزمین بزرگ چین را به دست گرفتند و ناسیونالیست‌ها به جزیرهٔ تایوان[۱] عقب نشینی کردند و در آن‌جا کشور جمهوری چین را تأسیس کردند.

از اوایل سال ۱۹۵۰، مائو کنترل کامل حزب کمونیست چین را به عهده گرفت و سه سال بعد از مرگ استالین، رهبر وقت شوروی، موقعیت وی در جایگاه رهبر کمونیست‌ها پررنگ‌تر و برجسته‌تر شد.

مائو در سال ۱۹۵۸، با هدف تغییر سریع اقتصاد و صنعتی کردن چین طرح جهش بزرگ به پیش را مطرح کرد. بر اساس این طرح، کلیهٔ زمین‌های کشاورزی چین مصادره و به ۲۶ هزار واحد اشتراکی تقسیم شدند. در آن سال‌ها، مائو اکثر محصولات زراعی چین را در مقابل دریافت کمک‌های نظامی و سیاسی به اروپای شرقی صادر کرد. او همچنین مواد غذایی و پول به نهضت‌های کمونیستی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین فرستاد. در جریان اجرای این طرح که چهار سال طول کشید حدود ۳۸ میلیون نفر در اثر قحطی و کمبود مواد غذایی جان خود را از دست دادند.

مائو در سال ۱۹۶۶ انقلاب فرهنگی چین را برپا کرد که بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین کشمکش قدرت در حزب کمونیست چین بود و ارتش گاردهای سرخ را به وجود آورد. طی این انقلاب فرهنگی، بسیاری از استادان دانشگاه، روشنفکران و چهره‌های میانه‌رو زندانی یا تبعید شدند. امروزه با گذشت شصت سال، انقلاب فرهنگی از دید کمونیست‌های امروزی، اشتباهی استراتژیک محسوب می‌شود. پس از پایان انقلاب فرهنگی چین در اکتبر سال ۱۹۷۶، چین به دورهٔ نوین توسعهٔ تاریخی وارد شد.

حکومت چین پس از گذشت سال‌ها از مرگ مائو او را بنیانگذار و پدر حکومت خود می‌داند و عکس او بر اسکناس‌ها و مراکز اداری و دولتی تمام چین درج شده است. بعد از مرگ مائو، حزب کمونیست به ماندگاری خود در چین ادامه داد.

از آغاز سال ۱۹۷۹، حزب کمونیست چین سیاست‌های اصلاحات و درهای باز را به اجرا گذارد. پس از اجرای این سیاست‌ها، توسعهٔ اقتصاد ملی و اجتماعی چین به دستاوردهای چشمگیری نایل آمد. چهرهٔ کشور به سرعت دستخوش تغییرات تکان دهنده شد. این دوران از لحاظ وضعیت بهترین زمان پس از تأسیس جمهوری خلق و بهترین دوره برای مردم به لحاظ تأمین منافع آنان به شمار می‌رود.

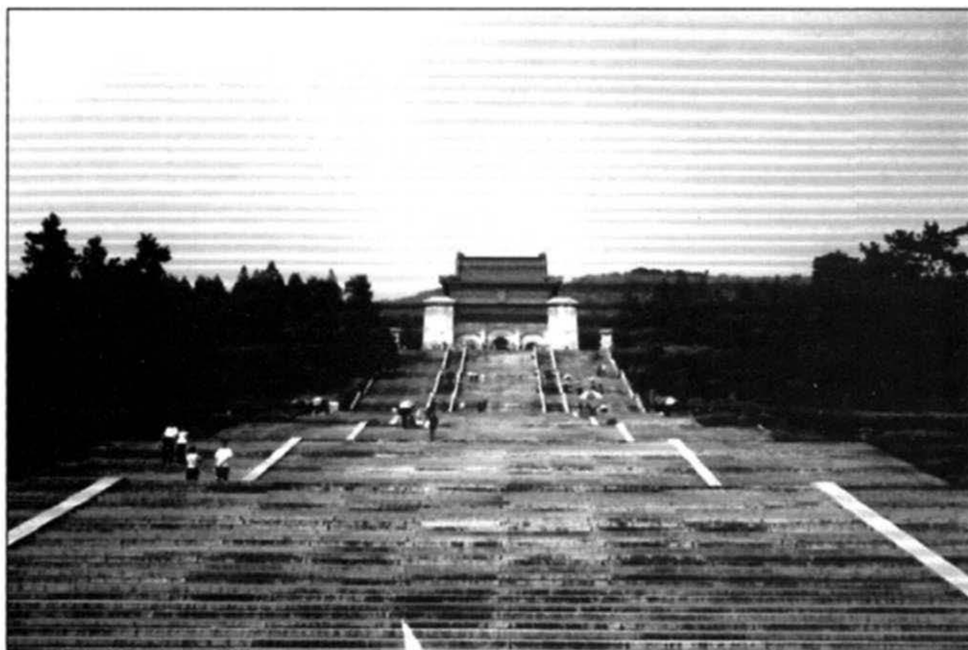
۱- جزیرهٔ تایوان سالیان سال است که برای عضویت در سازمان ملل تلاش می‌کند، اما تمام این تلاش‌ها توسط چین با بن بست مواجه شده‌است. چین این جزیره را جزئی از خاک خود می‌داند. دولت مستقر در تایپه (پایتخت این کشور) تا سال ۱۹۷۱ ، کرسی چین در سازمان ملل را در اختیار داشت، اما در آن سال دولت مستقر در پکن این کرسی را در دست گرفت. پکن برای مدت‌های طولانی از زمان فرار ملی گرایان از چین و شکست آن‌ها در جنگ داخلی ۱۹۴۹ ، ادعای تملک تایوان را داشته است. تعداد معدودی از کشورهای جهان، استقلال تایوان را به رسمیت شناخته‌اند. در مورد آینده سیاسی تایوان سه نظر اصلی وجود دارد: حکومت تایوان همچنان با نام جمهوری چین و دولت قانونی این کشور شناخته شود یا مجدداً به سرزمین اصلی چین بپیوندد و بخشی از جمهوری خلق چین شود و یا به عنوان یک کشور مستقل اعلام موجودیت کند.

حزب کمونیست چین حامی توسعهٔ فعال روابط خارجی بوده و برای کسب محیط مساعد بین المللی برای اصلاحات، درهای باز و سازندگی و مدرنیزاسیون در تلاش است. در امور بین المللی، حزب کمونیست چین ضمن ایستادگی بر سیاست امور خارجی صلح آمیز مبتنی بر استقلال وعدم وابستگی، حفظ و حراست از استقلال و حق حاکمیت چین، مخالفت با استیلاطلبی و سیاست زورگویی، حفظ صلح جهانی در جهت مساعدت به توسعهٔ آزادی‌های بشر براساس اصول احترام به حق حاکمیت و تمامیت ارضی، عدم تجاوز به یکدیگر، عدم مداخله در اموراداخلی یکدیگر، منافع متقابل و برابری و همزیستی مسالمت آمیز روابط خود با کشورهای مختلف جهان را توسعه می‌دهد.

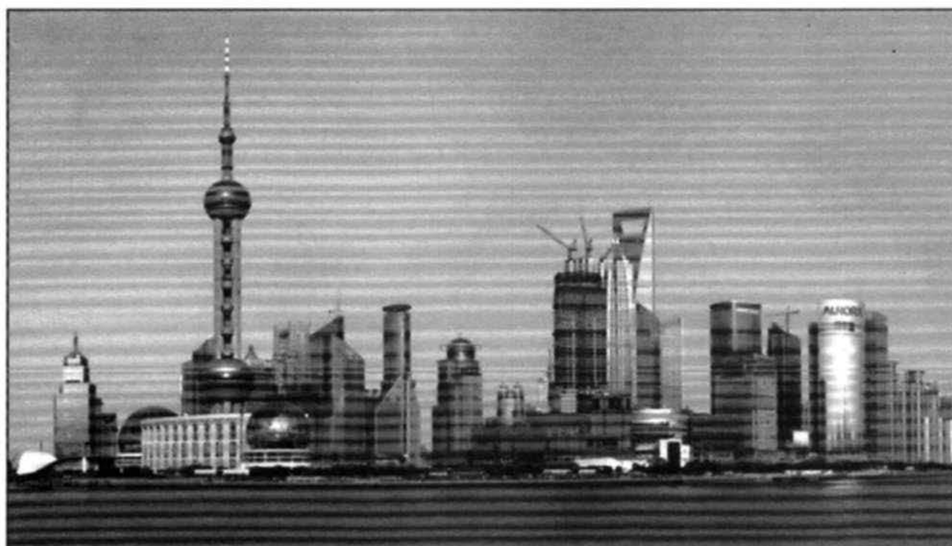


صحنه‌ای از اعتراض دانشجویان چینی به ناپایداری اقتصادی چین و سرکوب‌های حزب کمونیست و فساد دولتی که در سال ۱۹۸۹ در میدان بزرگ تیان‌آن‌من[1] پکن آغاز شد. این تظاهرات که با حضور بیش از صدهزار دانشجو آغاز شده بود، سرانجام با دخالت نیروهای مسلح ارتش و کشته شدن بیش از سه‌هزار دانشجو خاتمه یافت. در عکس فوق، مردی زنبیل به دست، یک‌تنه و بی‌سلاح در برابر تانک‌های ارتش ایستاده و برای مدتی از عبور آن‌ها برای کشتار دانشجویان ممانعت به عمل آورد. از سرنوشت این مرد که به مرد تانک مشهور شد، خبری منتشر نشد اما عکس او به نماد ایستادگی در برابر ظلم و قدرت تبدیل شد.

۱- میدان تیان‌آن‌من (آرامش آسمانی): بزرگ‌ترین میدان جهان است که ۴۰۰ هزار متر مربع مساحت دارد و در وسط آن بنای یادبود قهرمان‌های خلق قرار گرفته است. در سمت جنوب آن تالار یادبود مائو واقع شده که جسد مومیایی وی در آن‌جا نگهداری می‌شود. در سمت شرق میدان موزهٔ تاریخ چین و موزه انقلاب و در طرف غرب نیز تالار بزرگ مجلس خلق واقع شده است. در دوران سلسلهٔ مینگ از این میدان برای برگزاری جشن‌های امپراتوری و معرفی ملکه به مردم استفاده می‌شد.



آرامگاه سون‌یات‌سن (رهبر بزرگ چینی‌ها در برانداختن سلسلهٔ چینگ و نخستین رئیس‌جمهور آن کشور)



نمایی از شهر بزرگ و پیشرفتهٔ شانگهای که همراه جزیرهٔ هنگ‌کنگ به قطب اقتصادی این کشور تبدیل شده است

گرچه امروزه مقاومت دیوار چین به عنوان یک مانع نظامی از بین رفته است، اما زیبایی معماری مخصوص آن دیدنی است. زیبایی دیوار چین پرابهت و باعظمت است. از دور، دیواری بلند و پر پیچ و خم بر روی کوه‌ها همانند اژدهایی در حال حرکت به چشم می‌خورد و صحنه‌ای شکوهمند ایجاد شده است. از نزدیک هم، دروازه‌های پرابهت، دیوارها، سکوها، برج‌های دیده‌بانی، برج‌های آتش هماهنگ با عوارض زمینی آکنده از دلربایی هنری است. دیوار چین دارای اهمیت تاریخی و فرهنگی و ارزش دیدنی زیادی است. چینی‌ها می‌گویند: کسی که به دیوار چین صعود نکرده باشد، قهرمان نیست.

گردشگران چینی و خارجی از پیمودن دیوار احساس افتخار می‌کنند. حتی سران بسیاری کشورهای خارجی نیز فرصت دیدار از این اثر بزرگ را از دست نمی‌دهند. برخی از بخش‌های دیوار چین به خوبی حفظ شده است. این بخش‌ها از مکان‌های بسیار مشهور و دیدنی دیوار است و گردشگران زیادی در تمام سال از آن‌ها بازدید می‌کنند. دیوار چین تجسم درایت و رنج و زحمت میلیون‌ها چینی در دورهٔ باستان این کشور است. این اثر پس از هزاران سال از بین نرفته و دارای دلربایی فناناپذیر و سمبل روحیهٔ ملت چین است. سال ۱۹۸۷ میلادی، دیوار چین در فهرست میراث جهانیان ثبت شد.

شهر ممنوعهٔ پکن

در مرکز بیجینگ (پکن)، پایتخت چین، مجموعهٔ معماری‌های باستانی درخشان و سحرآمیزی به نام شهر ممنوعه چشم‌نوازی می‌کند. اثری که در جهان نیز صاحب شهرت است. شهرممنوعه درمعماری‌های خاندان باستانی چین به مثابهٔ مرواریدی است و در جهان نیز کامل‌ترین مجموعهٔ معماری چوبی باستانی لقب یافته است.

شهر ممنوعه در سال ۱۴۰۶ میلادی، با دستور جو دی، دومین امپراتور سلسلهٔ مینگ ظرف ۱۴ سال ساخته شد. تا سال ۱۹۱۱، میلادی یعنی زمان نابودی سلسلهٔ چینگ طی پانصد سال، جمعاً ۲۴ امپراتور در این شهر اقامت کردند و امور کشور را سر و سامان دادند. آثار موجود در این مجموعه به لحاظ وسعت دامنه، زیبایی سبک، درخشش معماری، جلال و شکوه تزیینات در جهان نادر هستند.

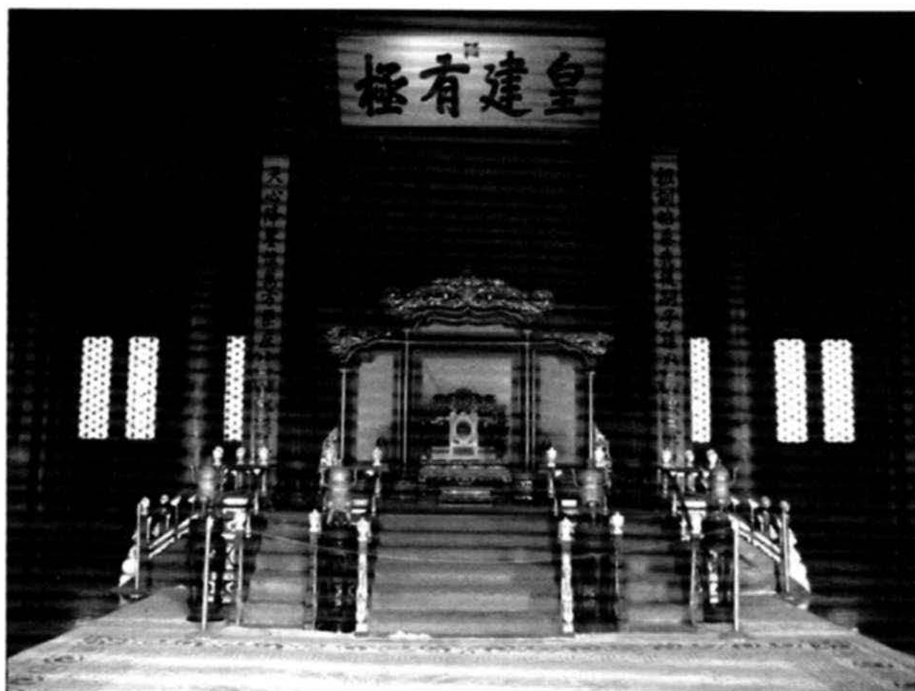
مساحت شهر ممنوعه حدود ۷۲۰ هزار متر مربع، طول آن از جنوب تا شمال یک هزار متر و عرض آن از شرق تا غرب هشتصد متر است. در اطراف دیوار ده متری و در خارج از شهر رود حفاظتی به عرض ۵۰ متر دیده می‌شود. شهر ممنوعه کاملاً طبق نظام تشریفاتی سلسله‌های فئودالی و استاندارد سیاسی و روحیه اصول اخلاقی کنفوسیوسی ساخته شده است. طرح کلی، دامنه، شیوهٔ معماری، رنگ و تزیینات همه نمایانگر امتیازات خاندان و درجه‌بندی آن‌ها است. سه قصر این شهر، یعنی قصر تای‌حه، قصر جون‌حه و قصر بایوحه توجه بیش‌تر گردشگران را جلب می‌کند. قصر تای‌حه، مرکز شهر ممنوعه بوده است و تخت سلطنت طلایی رنگ امپراتور هنوز در آن‌جا دیده می‌شود. این قصر در ضمن مجلل‌ترین معماری در شهر ممنوعه محسوب می‌شود.



ورودی دروازهٔ شهر ممنوعه در شمال میدان تیان‌ان‌من پکن



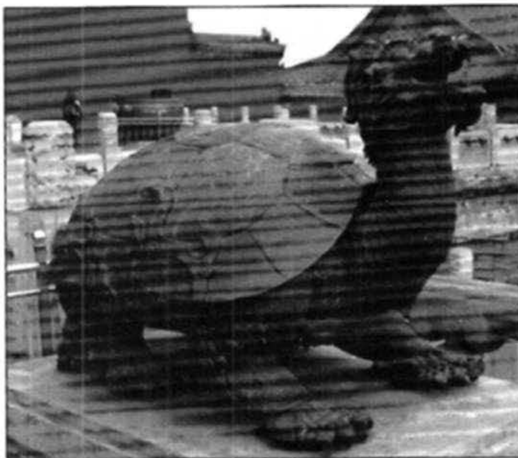
قصر تای‌حه یکی از زیباترین کاخ‌های مجموعه شهر ممنوعه



تخت سلطنتی طلایی آخرین امپراتور چین که هنوز سالم و دست‌نخورده در میان کاخ قرار گرفته است.

گفته می‌شود داخل شهر، ۹۹۹۹ اتاق ساخته شده است، زیرا به اعتقاد پیشنیان، اقامتگاه خدایان آسمانی دارای ده هزار اتاق بوده است و امپراتوران که پسر خدای آسمانی دانسته می‌شدند باید خویشتن‌دار بوده و نمی‌توانستند از شمار اتاق‌های امپراتور آسمانی تجاوز کنند از این رو شمار اتاق‌های شهر ممنوعه یک اتاق کم‌تر از شمار اتاق‌های کاخ آسمانی است. کل مجموعهٔ شهر ممنوعه به دو قسمت خارجی که امپراتور از آن‌جا بر کشور اعمال قدرت می‌کرد و قسمت داخلی که محل زندگی امپراتور، سه هزار زن دائمی و صیغه‌ای او و سایر خانواده سلطنتی بود، تقسیم می شود.

در گوشه و کنار شهر ممنوعه حدود ۱۳ هزار مجسمه از موجودات افسانه‌ای و واقعی قرار داده شده است. اژدها نماد امپراتور، سیمرغ نماد ملکه، آهو نماد زن صیغه‌ای، لاک پشت نماد حکومت جاودانه و دُرنا نماد طول عمر بودند. دو اژدهای شبیه شیر در شرق و غرب ورودی ساختمان‌های شهر ممنوعه وجود دارد. اژدهای سمت شرق که نر است، پنجهٔ خود را روی گویی قرار داده که به معنای گسترش قدرت امپراتوری در تمام جهان است. اژدهای مادهٔ سمت غربی نیز که پنجهٔ خود را بر روی بچه اژدهایی گذاشته است، نشان از یک خانواده پر رونق و در حال رشد دارد.





مجسمه‌های سنگی و برنزی بسیاری در گوشه‌گوشهٔ کاخ‌های شهر ممنوعه دیده می‌شوند که نماد باورهای باستانی مردم چین می‌باشند.

مجموعهٔ معماری‌های شهر ممنوعه تمرکز تبلور درایت مردم چین است. از ساختار مجموعهٔ معماری‌ها تا تزیینات هر اتاق و هر دیوار سرشار از اندیشه‌های عجیب و غریب است؛ مثلاً سکوهای سفید رنگ قصر تای‌حه، این قصر را پرابهت و در ضمن قصر را ضد رطوبت کرده است.

در تأسیسات زه‌کشی نیز از مجسمه‌سازی سر حیوان افسانه‌ای شبیه اژدها استفاده شده است، به گونه‌ای که در سه طبقهٔ این سکو جمعاً بیش از یک هزار مجسمهٔ سر این نوع حیوان ساخته شده است و هنگام زه‌کشی در بارش باران همانند فوران آب از دهان اژدها می‌باشد.



تندیس موجودات افسانه‌ای که بر بام کاخ‌ها نصب شده‌اند

در میان حیاط شهر نیز جمعاً ۳۰۸ ظرف مسی بزرگ برای ذخیرهٔ آب دیده می‌شود که برای پیشگیری از آتش سوزی به کار می‌رفته است و در زمستان افراد مخصوصی زیر این ظرف‌ها آتش روشن می‌کردند تا آب‌های داخل آن یخ نبندند. طبق یادداشت تاریخی در سلسلهٔ مینگ، صد هزار صنعتگر و یک میلیون خدمتکار در ساخت بناهای این مجموعه شرکت کرده‌اند. مصالح ساختمانی از سراسر کشور حتی از فاصلهٔ چند هزار کیلومتری جمع آوری شده‌اند. اشیا و کشفیات گرانمایه در شهر ممنوعه حفظ شده است و شمار آن جمعاً به یک میلیون می‌رسد و یک ششم کل کشفیات چین را شامل می‌شود.

مجموعهٔ معماری‌های شهر ممنوعه سمبل فرهنگ درخشان چین است. به عقیدهٔ معماران چینی و خارجی، طراحی و معماری شهرممنوعه شامل آثار برجسته و بی‌همتاست و نشان‌دهندهٔ فرهنگ و سنت دیرینهٔ این کشور و دستاوردهای برجستهٔ صنعتگران در زمینهٔ معماری در پانصد سال پیش است.

در سال‌های اخیر شمار گردشگران شهر ممنوعه چند برابر افزایش یافته است و از ده میلیون نفر فراتر رفته است. به منظور حفاظت بهتر شهر، دولت چین مدتی است که شروع به تعمیر همه جانبهٔ این شهر کرده است و احتمالاً پایان تعمیرات آن بیست سال ادامه خواهد داشت. شهر ممنوعه پکن در سال ۱۹۸۷ میلادی در فهرست میراث جهانیان ثبت شد.

آرامگاه امپراتور شی‌هوانگ‌تی و مجسمه‌های سربازان سفالی

آرامگاه امپراتور شی‌هوانگ‌تی درشهر شی‌آن واقع در غرب چین به لحاظ ساختار و موضوع یکی از بزرگ‌ترین آرامگاه‌های جهان است. دالان‌های این آرامگاه که محل دفن مجسمه‌های سفالی سربازان و اسب‌های همراه امپراتور بودند، نیز شهرت جهانی دارند.

شی‌هوانگ‌تی نخستین امپراتور جامعهٔ فئودالی سلسلهٔ چین (۲۵۹ تا ۲۱۰ پیش از میلاد) همان کسی بود که برای اولین بار چین را به وحدت رساند. او در ضمن به منظور جلوگیری از تعرض حکومت اقلیت ملی شمالی، دیوار چین را ساخت. این اقدامات موجب شد که شی‌هوانگ‌تی در تاریخ چین سیاستمداری مشهور شود. ازسوی دیگر او فردی بسیار بی‌رحم و ولخرج بود و برای محدودکردن اندیشه‌های موجود، در عملیاتی وحشیانه کتاب‌ها را سوزاند و دانشمندان حامی کنفوسیوس را زنده به گور کرد و کتاب‌هایی که با اراده و سلطهٔ وی همخوانی نداشت، به آتش ریخت. برای ساخت آرامگاه و قصرهای مجللش، اموال مردم چپاول شد. وی پس از به وحدت رساندن چین، به ساخت آرامگاه خود مبادرت ورزید و هفتصد هزار نفر را برای این کار به خدمت گرفت. ساخت این مقبره به مدت چهل سال ادامه داشت. آرامگاه این امپراتور به مساحت ۵۶ کیلومتر مربع دیده می‌شود. طول آن از جنوب تا شمال ۳۵۰ متر و عرض آن از شرق تا غرب ۳۴۵ متر و ارتفاع آن۷۶ متر و شکل آن همانند هرم است.

باستان‌شناسان پس از اکتشاف این اثر در اطراف آرامگاه وی ۵۰۰ دالان و قبرستان کسانی را یافتند که همراه وی دفن شده بودند. کشف این آرامگاه در جایگاه هشتمین اعجاز جهان، بسیار اتفاقی و تصادفی بود. سال ۱۹۷۴ میلادی، روستاییان محلی درصدد حفاری چاه بودند که در حین حفاری، سفال‌های شکسته را یافتند که مورد توجه قرار گرفت و پس از آن آثار دیگر از دل خاک بیرون کشیده شد. هزاران مجسمهٔ سفالی از سربازان و اسب‌ها و نیز ارابه‌های چوبی از جملهٔ این کشفیات بودند. بلندای برخی از مجسمه‌ها به اندازهٔ افراد معمولی و به شکل واقعی ساخته شده است. اکثر گردشگران خارجی که به چین سفر می‌کنند، تمایل دارند از این مجسمه‌ها بازدید کنند.

بر اساس نوشته‌های کتاب‌های قدیمی، در کاخ آرامگاه امپراتور شی‌هوانگ‌تی، ساختمان‌ها و اتاق‌های زیادی ساخته شده است. مکان درباریان نیز در آن جای دارد و گنجینه‌های گرانبها و کمیاب در آن قرار داده شده است. به منظور جلوگیری از سرقت آرامگاه، در دیوارهای جانبی تیرهای پنهانی قرار داده شده بود تا اگر کسی به اشیا دست بزند، هدف تیرها قرار بگیرد. در سقف اتاق آرامگاه نیز مرواریدها، یاقوت‌ها و سنگ‌های قیمتی به نشانهٔ ستاره‌ها و دیگر اجرام آسمانی به کار رفته بود. در داخل اتاق، بدلی جغرافیایی ساخته شده که روی آن جیوه ریخته شده بود تا نشانهٔ جریان رودخانه‌ها و دریاها باشد. برای روشنایی دائمی چراغ‌های اتاق‌ها، از روغن نهنگ استفاده می‌شد. تمامی طرح‌های این آرامگاه، اعتبار و عظمت امپراتور را نشان می‌داد.



دالان‌های مملو از سربازان سفالین که همراه امپراتور شی‌هوانگ تی دفن شده بودند تا در دنیای دیگر در خدمتش باشند

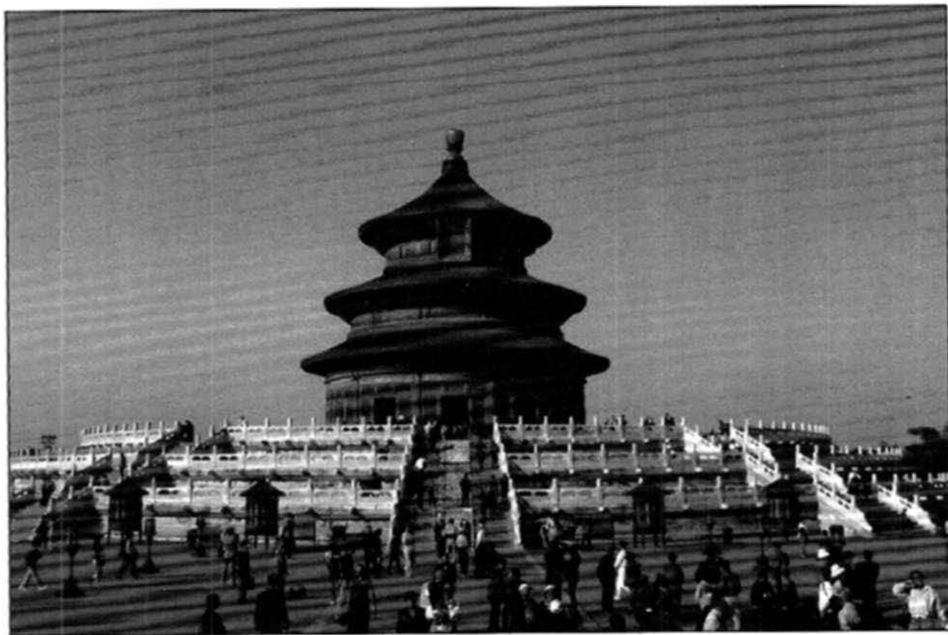


مجسمه‌های سفالین سربازان و اسب‌های آرامگاه شی‌هوانگ‌تی

به دلیل وجود این فناوری‌های ناشناخته در ساخت آرامگاه و نیز به منظور حفاظت بیش‌تر، دولت چین قصد ندارد فعلاً آرامگاه اصلی این امپراتور را حفاری کند. البته در سال‌های اخیر در دالان‌هایی که همراه امپراتور دفن شده بودند، پنجاه هزار شیء مهم تاریخی از جمله ارابه‌های مفرغی گرانبها از خاک بیرون آمده است. بخشی از قطعات تزیینات این ارابه‌ها از جنس طلا و نقره هستند. این آرامگاه با وجود وسعت و گنجینه‌های زیاد، بیش از دو هزار سال در زیر خاک مدفون گردید. با توجه به ارزش بسیار عظیم تاریخی این آرامگاه، سال ۱۹۸۷ میلادی سازمان یونسکو آن را در شمار یکی از مهم‌ترین میراث‌های فرهنگی جهانیان به ثبت رساند.

معبد آسمانی پکن

معبد آسمانی بزرگ‌ترین و کامل‌ترین عبادتگاه باستانی در چین به حساب می‌آید. امپراتوران سلسله‌های مینگ و چینگ، هر سال در این معبد مراسم پرشکوهی برای آسمان و برکت محصولات فراوان برپا می‌کردند. از آن‌جا که امپراتوران چین خود را پسر آسمان می‌دانستند، عبادت آسمان را جزو امتیازات خاص خود می‌دانستند.



باشکوه‌ترین ساختمان معبد آسمانی به ارتفاع سی و هشت متر ؛ پادشاهان هر سال در این معبد مراسم شکرگزاری به درگاه آسمان و دعای برکت محصولات کشاورزی را برگزار می‌کردند.

معبد آسمانی در سال ۱۴۲۰ میلادی ساخته شد و مکان عبادت خدای آسمان از سوی امپراتوران سلسله‌های مینگ و چینگ بود. معبد در جنوب شهر ممنوعهٔ پکن قرار دارد و مساحتش چهار برابر شهر ممنوعه است. دیوار جنوبی معبد، مربع شکل است که سمبل زمین است و شمالی‌ترین دیوار آن به شکل نیمه دایره، سمبل آسمان است. این‌گونه طراحی‌ها ناشی از ایدهٔ قدیمی آسمان گرد و زمین تخت بوده است. معبد آسمانی دو بخش درونی و برونی را شامل می‌شود. در محوطهٔ معبد سکوی گرد سنگی سه طبقه‌ای وجود دارد که در هر طبقهٔ آن نرده‌های سنگی دیده می‌شود.

میدان معبد نیز محل برپایی مراسم عبادی از سوی امپراتوران بود. این‌گونه مراسم معمولاً در بامداد روز ۲۲ دسامبر هر سال (به تقویم کشاورزی چین) برگزار می‌شد که امپراتوران شخصاً ریاست آن را برعهده می‌گرفتند. در آن زمان فانوس‌ها را در مقابل معبد آویزان می‌کردند و داخل آن شمعی به اندازهٔ بیش از یک متر روشن می‌نمودند. در گوشهٔ این سکو یک ردیف بخوردان مخصوص برای سوزاندن حیوانات قربانی شده وجود داشت. در جریان عبادت، طبل‌ها به صدا در می‌آمد و محیط ویژه‌ای شکل می‌گرفت.

در شمال این سکو، قصر کوچک یک طبقه‌ای وجود دارد که معمولاً در آن تابلوهای عبادی خدای آسمان گذارده می‌شد. قصر چی‌نیان دیگر بنای موجود در این معبد است که امپراتوران، تابستان هر سال برای غنای محصولات در آن دعا می‌کردند. از این رو معماری این قصر با فرهنگ کشاورزی عجین شده است. مثلاً چهار ستون درون قصر نمایندهٔ چهار فصل بهار، تابستان، پاییز و زمستان است و از آن‌جا که نیاکان چین یک روز را به ۱۲ ساعت تقسیم می‌کردند، ۱۲ ستون درطبقهٔ اول و دوم آن ساخته شده است. در درون دروازهٔ غربی نیز جایگاه هنرمندان دیده می‌شود که افراد متشخص هنرمند و روستایی برای عبادت از آن استفاده می‌کردند. معماری‌های با آجرهای کاشی زرد، سمبل امتیازات امپراتوری است اما عمدهٔ رنگ مورد استفادهٔ صنعتگران، آبی است که سمبل رنگ آسمان می‌باشد.

سال ۱۹۹۸ میلادی، معبد آسمانی در فهرست میراث جهانی ثبت شد. ارزیابی کمیتهٔ میراث جهانی در مورد این بنا چنین است: *معبد آسمانی پکن از بزرگ‌ترین مجموعهٔ معماری‌های موجود باستانی برای عبادت در چین با ساختار دقیق و معماری عجیب و تزیینات زیبا در جهان شهرت دارد که نه تنها در تاریخ معماری‌های چین جایگاه مهمی دارد، بلکه میراث گرانمایهٔ هنر معماری جهان است.*

کوه اومه‌شن و بودای سنگی لی‌شان

کوه اومه‌شن در جنوب غرب چین واقع است. قلهٔ این کوه، ۳۰۹۹ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. این کوه با وجود مجسمهٔ عظیم بودا و طبیعت زیبا و سحرآمیزش شهرت جهانی دارد و تلفیق کامل چشم‌اندازی زیبا و طبیعی با تاریخ و فرهنگ دیرینه است. کوه اومه‌شن یکی از چهار کوه بزرگ دین بودای چین است. تبلیغ دین بودا و احداث معابد و شکوفایی آن بر سحرآمیز بودن کوه افزوده است. هشت معبد معروف در دامنهٔ این کوه ساخته شده‌اند و هر ساله پذیرای خیل زائران از سراسر چین هستند.

مجسمهٔ عظیم بودای سنگی لی‌شان در سمت شرقی در دل کوه ساخته شده است. ساخت این اثر در سال ۷۱۳ میلادی در آغاز سلسلهٔ تانگ شروع شد و تکمیل آن نود سال طول کشید. ارتفاع این مجسمه به ۷۱ متر می‌رسد. حکاکی‌های انجام شده روی مجسمه و تناسب اندام آن متوازن، پرابهت و باعظمت به نظر می‌رسد و نمایانگر فرهنگ عالی سلسلهٔ تانگ است. در دو طرف این بودای سنگی نیز نود مجسمه از بزرگان سلسلهٔ تانگ دیده می‌شود.

کوه اومه‌شن و بودای سنگی آن در سال ۱۹۹۶ میلادی طبق استانداردهای میراث فرهنگی در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شدند. در قلهٔ این کوه زیبا، نخستین معبد دین بودای چین پا به عرصهٔ وجود گذاشت و به دنبال احداث معابد در اطراف، این ناحیه به یکی از مقدس‌ترین مکان‌ها برای بوداییان چین تبدیل شد.



مجسمه عظیم بودای لی‌شان در کوه اومه‌شن به ارتفاع ۷۱ متر که کار کنده کاری و ساخت آن نود سال به طول انجامید

غارهای سنگی لون مین

غارهای سنگی لون مین در مرکز چین در پرتگاه‌های شرقی و غربی درّهٔ لـون مـین قـرار دارنـد. از آن‌جا که کیفیت سنگ کوه‌های این درّه عالی و برای حکاکی مناسب بودند، چینیان باستان این محـل را برای ساخت معابد بودایی انتخاب کردند. غارهای سنگی این منطقه جزو گنجینه‌های هنـر سـنگی چـین محسوب می‌شوند. آغاز حکاکی این غارها در سال ۴۷۱ میلادی در دوران امپراتـوران سلـسلهٔ ووی آغـاز شد و پس از چهارصد سال ساختمان آن خاتمه یافت.

این آثار اکنون قدمتی ۱۵۰۰ ساله دارند. امروزه در میان ۲۳۰۰ غار موجود در ایـن منطقـه، بـیش از صد هزار مجسمهٔ مقدس از بودا یا کاهنان این آیین نگهداری می‌شود. داخل برخی غارهـا هـم معابـدی برای نیایش ساخته شده است که قدمت آن‌ها به دورهٔ تانگ می‌رسد. مجسمه‌های سـاخته شـده در ایـن غارها مجموعهٔ کامل هنری هستند و ارتفاع برخی از آن‌ها به ۱۷ متر می‌رسد.



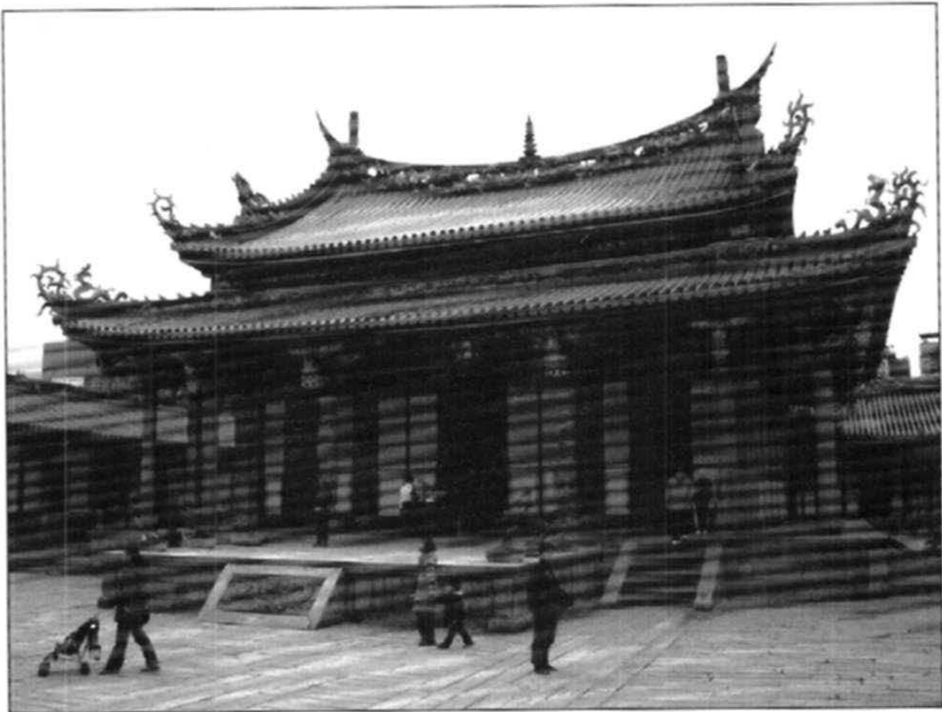
مجسمهٔ بودای نشسته به ارتفاع ۱۷ متر در غار لون‌مین

در این غارها همچنین مدارک تاریخی بسیاری در زمینه‌های مذهب، نقاشی، خوشنویسی، موسیقی، تزیینات لباس، دارو و معماری و مواصلات چینی و خارجی نگهداری می‌شوند و در واقع موزهٔ بزرگ هنر سنگی است. این غارها و آثار موجود در آن‌ها سال ۲۰۰۰ طبق استاندارد انتخاب میراث فرهنگی جهانی در فهرست میراث جهانی ثبت شدند.

معبد کنفوسیوس و جنگل سنگی

کنفوسیوس یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان جهان و بنیانگذار یکی از مهم‌ترین مکاتب فکری چین است. معبد و اقامتگاه و آرامگاهی که برای یادبود وی ساخته شده است، نشان‌دهندهٔ آن است که طی دو هزار سال اخیر، امپراتوران چین، کنفوسیوس و مکتب فکری وی را محترم می‌شمرده‌اند و او در تاریخ چین و فرهنگ شرقی جهان جایگاه برجسته‌ای دارد.

این معبد و آرامگاه به یادبود کنفوسیوس در سال ۴۷۸ پیش از میلاد ساخته شده و در طول قرون چندین بار تخریب و نوسازی شده است و امروزه شامل بیش از صد ساختمان است. گورستان شامل قبور کنفوسیوس و بیش از صد هزار تن از نوادگان او است.



معبد کنفوسیوس در شهر چی‌فو

معبد کنفوسیوس و جنگل سنگی در شهر چی‌فو در شرق چین قرار دارد که زادگاه او نیز بوده است. معبد کنفوسیوس که نخستین معبد چین نامیده می‌شود، بزرگ‌ترین عبادتگاه یادبود این فیلسوف است. سال ۴۷۸ قبل از میلاد، یعنی دو سال پس از مرگ کنفوسیوس، پادشاه کشور لو، زادگاه کنفوسیوس را به عنوان معبد، تجدید ساختمان کرد. درون این معبد، لباس و کلاه‌های کنفوسیوس و ظروف قربانی چیده شده است و هر سال مراسم یادبود وی برگزار می‌شد. وقتی مکتب کنفوسیوس به فرهنگ رسمی چین درآمد، به دنبال آن امپراتوران سلسله‌های مختلف، معبد را پی‌درپی وسعت دادند به گونه‌ای که اکنون این معبد به یک مجموعهٔ معماری با دامنهٔ پرشکوه مبدّل شده است.

در اوایل قرن ۱۸ میلادی، یون‌جن، امپراتور سلسلهٔ چینگ، دستور مرمت این معبد را صادرکرد و معبد فعلی همان بنای مرمت شده است. طول معبد از جنوب به شمال یک‌هزار متر و مساحت آن صدهزار متر مربع است. این معبد بزرگ دارای پانصد اتاق و مجموعهٔ معماری باستانی با دامنه‌ای کوچک‌تر از شهر ممنوعهٔ پکن است و نمونهٔ معماری معابد بزرگ باستانی چین می‌باشد.

در مقابل قصر داچن، پنج دروازه دیده می‌شود. طبق تشریفات فئودالی تنها معماری‌های خاندان امپراتور این گونه بوده است و معبد کنفوسیوس استثنائاً از این نوع تشریفات معماری امپراتور برخودار بوده

است. محور معماری قصر داچن معبد کنفوسیوس است، سی متر ارتفاع دارد و عرض آن پنجاه متر است. بام این قصر از آجرهای زرد درخشان و بسیار مجلل و باشکوه ساخته شده است و می‌توان زیبایی آن را با قصر تای‌حهٔ شهر ممنوعهٔ پکن مقایسه کرد. در این قصر آنچه که مورد توجه مردم می‌باشد، ده ستون سنگی در مقابل قصر است که بلندای آن‌ها به شش متر می‌رسد و روی آن‌ها نقوش عالی از اژدها خودنمایی می‌کنند. در معبد بیش از دو هزار لوح سنگی متعلق به سلسله‌های مختلف چین قرار داده شده و در واقع، جنگلی از سنگ در چین است. در این میان پنجاه لوح سنگی متعلق به امپراتورانی است که جایگاه عالی کنفوسیوس در جامعه فئودالی را نشان می‌دادند.

اقامتگاه کنفوسیوس نیز در مجاورت معبد ساخته شده است. نسل‌های مختلف از نوادگان و شاگردان مکتب کنفوسیوس در این مکان اقامت داشتند و پس از خاندان امپراتوران مینگ و چینگ بزرگ‌ترین اقامتگاه در چین است. این اقامتگاه در قرن ۱۲ میلادی ساخته شده و نمونه‌ای از سکونتگاه‌های جامعهٔ فئودالی قدیم است. مساحت این اقامتگاه پنجاه هزار متر مربع و دارای پانصد اتاق است. این ملک به لحاظ ساختاری دارای ویژگی‌های بسیار است. در درون اقامتگاه ،پرونده‌های بایگانی تاریخی، لباس‌های سلسله‌ها و وسایل و اسباب مختلفی کشف شده‌اند که حایز اهمیت تاریخی زیادی هستند.

جنگل سنگی آرامگاه نیز مخصوص کنفوسیوس و خانواده‌اش است و در جهان چنین مکانی با این وسعت سابقه ندارد. قدمت آن به ۲۵۰۰ سال و مساحت آن دو کیلومتر مربع است و جمعاً صد هزار آرامگاه نوه‌های کنفوسیوس را در برمی‌گیرد. در این مکان پنج هزار لوح سنگی و لوح آرامگاه از سلسلهٔ هان مشاهده می‌شود. جنگل سنگی برای تحقیق توسعهٔ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سلسله‌های چین و مراسم تشییع جنازه نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند. این سه محل در جهان شهرت دارند و میراث فرهنگی و میراث طبیعی با ارزش محسوب می‌شوند. همچنین در این ناحیه ۱۷ هزار درخت باستانی دیده می‌شود. در سال ۱۹۹۴ میلادی، این سه محل در شمار میراث فرهنگی جهانیان در کمیتهٔ میراث جهانی یونسکو ثبت شدند.

کاخ پودالا

کاخ پودالا در کوه حون، در شهر له‌سای در مرکز ناحیهٔ خودمختار تبت چین قرار دارد. تمامی معماری‌های این کاخ در کوه ساخته شده‌اند و دامنهٔ آن پرابهت و مجلل و مروارید بام جهان نامیده می‌شود و نمایندهٔ برجستهٔ هنر معماری تبت و یکی از معروف‌ترین معماری‌های باستانی چین است.

این کاخ، محل فعالیت‌های سیاسی و مذهبی و مسکن لاماهای سلسله‌های تبت و بزرگ‌ترین معماری‌های بلند باستانی موجود در تبت است. بنابر یادداشت‌های تاریخی، این کاخ در قرن هفتم میلادی در دوران سلسلهٔ سون ساخته شده و در آن زمان کاخ بسیار بزرگی بوده است.

در خارج این کاخ سه دیوار دفاعی و در درون آن هزار اقامتگاه برای شاهزادگان محلی ساخته شده بود. در قرن نهم میلادی، این سلسله فروپاشید و تبت درگیر جنگی طولانی گردید و کاخ حون‌شان به‌تدریج منهدم گشت. سال ۱۶۴۵ میلادی، کاخ پودالا از سوی دالایی پنجم دوباره تعمیر و مرمت شد، البته بازسازی نهایی آن تا بیش از سیصد سال ادامه یافت.

این کاخ ۱۳ طبقه با بلندی ۱۱۰ متر ساخته شده است. ساختار کاخ، ترکیبی از سنگ و چوب، دیوار کاخ با سنگ خارا ساخته شده است، ضخیم‌ترین قسمت آن به پنج متر می‌رسد و پایهٔ دیوار در میان سنگ قرار داده شده است و در بیرون دیوار ضایعات آهنی ریخته شده تا توانایی ضد لرزهٔ معماری حفظ شود. در ضمن تزیینات بام، طلایی است و ساختمان ضد رعد و برق می‌باشد.

در چند صد سال اخیر این کاخ بارش‌های شدید باران و بمباران رعد و برق را تجربه کرده، ولی کماکان پا بر جا مانده است. کاخ پودالا شامل سه کاخ به‌نام‌های کاخ سفید (محل اقامت دالای لاماها)، کاخ سرخ (قصر بودا) و اتاق‌های سفید مخصوص راهبان می‌باشد. در جلوی کاخ سرخ، سکویی با دیوار بلند سفید دیده می‌شود که در روزهای دین بودا، از بالای آن تصاویر بودایی آویخته می‌شود.

کل معماری کاخ پودالا با استفاده از عوارض زمینی ساخته شده است که بسیار باعظمت، هماهنگ و کامل به نظر می‌رسد. به لحاظ هنر زیباشناسی نیز معماری آن درسطح بسیار عالی قرار دارد. بخش عمدهٔ کاخ سرخ معماری‌ها و قصرهای دالای‌های سلسله‌ها و اتاق‌های بودایی است. در میان آن قصر، برجی وجود دارد که بلندای آن به ۱۵ متر می‌رسد و جسد دالای‌لامای پنجم با ادویه و گل سرخ در وسط برج نگهداری می‌شد. برج با طلا روکش شده و بیش از سه تن طلا در آن به کار رفته است. ۱۵ هزار سنگ گرانبها از جمله الماس، یشم سرخ و سبز و مروارید خاتم کاری شده و بر روی پایهٔ برج، آلات موسیقی که در مراسم مذهبی روحانیان بودایی مورد استفاده قرار می‌گیرد و اسباب قربانی به ترتیب گذارده شده است. در ساختار معماری این کاخ از معماری ملیت هان استفاده شده و حکاکی‌هایی از جمله تصاویر بودا، حیوانات و غیره بر آن دیده می‌شود. تعمیر و مرمت کاخ را پس از قرن ۱۷ میلادی معماران ناحیهٔ تبت آغاز کردند و هزاران هزار نقاشی دیواری، دالان‌ها و راهروها به آن افزوده شده است.

این موضوعات فراوان، نمایانگر اشخاص تاریخی، داستان‌های تاریخی و بودایی، معماری‌ها، عادات و رسوم، ورزش، تفریح و زندگی است. این هنرها در کاخ پودالا بسیار پرارزش و گرانمایه است. گذشته از این در کاخ، نقاشی، حکاکی‌های سنگی و چوبی، مجسمه‌های گلی، اشیای تاریخی، فرش تبت، سفالینه و ظروف یشمی پس از قرن ۱۷ حفظ شده است. کاخ پودالا به مروارید بام جهان از لحاظ پروژهٔ ساختمانی، ذوب فلزات، نقاشی و حکاکی در جهان شهرت دارد. این اثر دستاورد بزرگ هنرهای معماری ملیت‌های‌هان، مغول و مون است. در سال ۱۹۹۴ میلادی نیز، کاخ پودالا رسماً در شمار آثار فرهنگی جهانیان در فهرست یونسکو به ثبت رسید.



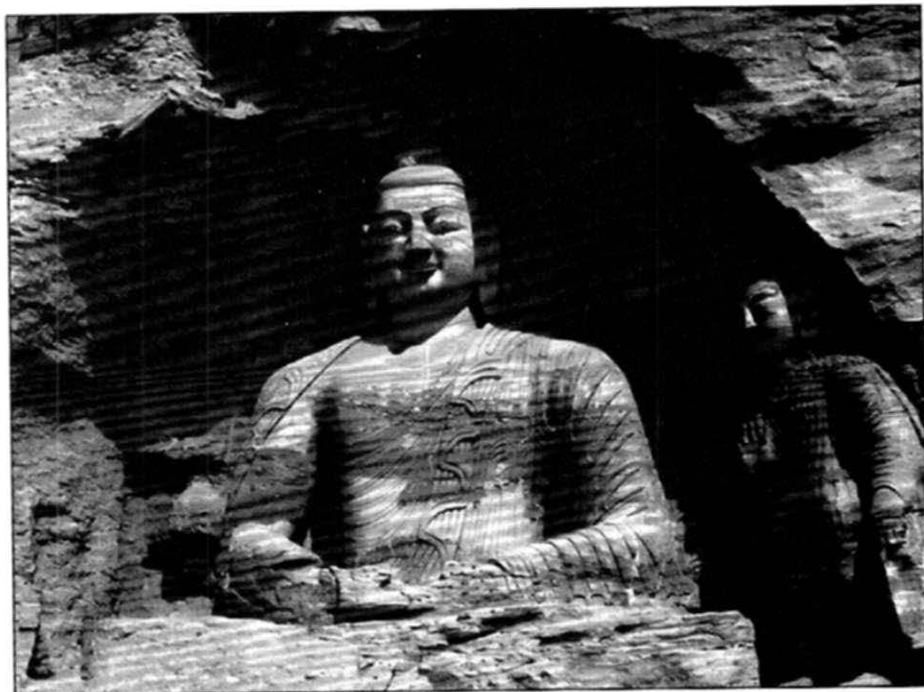


مجموعه قصرهای عظیم دالای‌لامایی پودالا در منطقهٔ خودمختار تبت چین

غار سنگی یون گان

غار سنگی یون گان در شمال چین قرار دارد. ساخت این غار در سال ۴۵۳ میلادی در سلسلهٔ وی شمالی آغاز شد و مجسمه‌سازی آن تا سال ۵۲۵ ادامه یافت. این غار به طول یک کیلومتر در دل کوه ایجاد شده است. در این مجموعه حدود ۴۵ غار موجود است و ۲۵۲ مجسمه در داخل سنگ کنده‌کاری شده و بیش از پنجاه هزار مجسمهٔ سنگی نیز از بودا، انسان‌های قدرتمند و خدایان پرنده در میان آن‌ها قرار گرفته است. حکاکی روی ستون‌های برج، دقیق و ظریف و تبلور هنر واقع‌گرایانهٔ سلسله‌های چین و هان می‌باشد. این غار، جزو سه مجموعهٔ غارهای سنگی بزرگ چین نامیده می‌شود و نیز یکی از گنجینه‌های هنر حکاکی سنگی در جهان است. مجسمه‌سازی غار سنگی یون‌گان بسیار پرابهت و باعظمت است و موضوعات آن غنی و پر رنگ می‌باشد.

زمان ساخت این غارها در سه دوره انجام شده و سبک مجسمه‌سازی هر دوره ویژگی‌های مخصوص به خود را دارد. غارهای متعلق به دورهٔ اولیه پرابهت‌تر و در عین حال ساده هستند. هنر غارهای دورهٔ میانی ظریف هستند و به تزیینات زیبا شهرت دارند و پیچیده و باجلال و شکوه ساخته شده‌اند. غارهای دورهٔ پایانی گرچه دامنهٔ کوچک‌تری دارند ولی ...مای مجسمه‌ها بسیار زیبا حکاکی شده‌اند.



مجسمهٔ عظیم بودای نشسته در یکی از غارهای سنگی یون‌گان

در غارهای سنگی یون گان به طور زنده، تاریخ توسعهٔ هنر مجسمه‌سازی هند و آسیای میانه در هنر چینی ادغام گردیده و نمایانگر رسوم و ملی شدن تدریجی مجسمه‌سازی دین بودا در چین است. سبک‌های هنری بودایی در این غارها به طور بی‌سابقه نمایان شده و از این راه الگوی یون گان به نقطهٔ عطف توسعهٔ هنر بودایی چین تبدیل شده است.

غارهای سنگی یون گان در دسامبر سال ۲۰۰۱، در فهرست میراث جهانی ثبت شد. بر اساس ارزیابی کمتیه میراث جهانی، غارهای سنگی یون‌گان، هنر برجستهٔ سنگی دین بودا را در قرن پنجم تا ششم میلادی نمایندگی می‌کند. در این میان غار پنجم به لحاظ طراحی دارای وحدت است و اثری برجسته در دوران اولین شکوفایی هنر بودایی چین محسوب می‌شود.

گذرگاه‌های طاق‌دار باستانی چین

گذرگاه طاق‌دار نوعی از معماری سنتی ویژه چین به حساب می‌آید. اگر به چین سفر کنید، می‌توانید در مناطق دیدنی، مقابل دهکده‌های قدیمی و آرامگاه‌های باستانی این گذرگاه‌ها را مشاهده کنید. گذرگاه طاقدار، ساختمانی مخصوص یادبود و به شکل دروازه است. با آن‌که در شکل معماری وسبک تزیینات، گذرگاه طاقدار شبیه ساختمان‌های مسکونی و معابد می‌باشد، اما از لحاظ کاربرد کاملاً متفاوت است.

بررسی‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که ظهور گذرگاه طاق‌دار با مراسم قربانی ربط دارد. در اوایل قرن ۱۱ میلادی، پادشاهان وقت قید می‌کردند که در مراسم قربانی ابتدا می‌بایست برای خشنودی ستارهٔ چهارم صورت فلکی دب اکبر قربانی کرد که نماد ثروت و مقام بشر بود. برای انجام این مراسم، دروازهٔ مشهور لین‌سن به نام ستارهٔ مزبور ساخته شد، این دروازه ساختمانی ساده داشت و فقط طبق نیاز مراسم قربانی، تزیینات مختلف روی آن حکاکی می‌شد. صدها سال بعد، نقشهٔ این دروازه به تدریج تغییر کرد. به این سبب، نمونه‌های شبیه این اثر برای یادبود درگذشتگان در مقابل معبد ، آرامگاه و عبادتگاه اجدادی، باغ یا سرراه ساخته می‌شد.

در حال حاضر در نقاط مختلف چین، گذرگاه‌های طاق‌دار قدیمی مشاهده می‌شود. در ناحیهٔ هوی جیو در استان آن هوی، بزرگ‌ترین مجموعهٔ گذرگاه‌های طاق‌دار وجود دارد. گذرگاه‌های طاق‌دار در این منطقه به بیش از یک هزار عدد می‌رسید، اما امروزه تنها صد مورد آن‌ها به طور مطلوب باقی مانده است. این ناحیه، روستای طاق‌دار نامیده می‌شود. گذرگاه طاق‌دار، طبق تعداد ستون‌ها به گذرگاه دو ستونی، چهار ستونی و هفت ستونی تقسیم می‌شود.

گذرگاه دو ستونی، ساده و تزیینات آن کم است که معمولاً برای نشانهٔ راه در مسیر دهکده‌ها ساخته می‌شد. گذرگاه چهار ستونی در مقایسه با گذرگاه دو ستونی پیچیده‌تر است و تنها مقامات عالی رتبه یا تاجران ثروتمند آن را می‌ساخته‌اند.



نمونهٔ یک گذرگاه طاقدار در پکن

در معماری گذرگاه‌های طاق‌دار، حکاکی، خوش‌نویسی و نقاشی باستانی به کار می‌رفت. برای مثال گذرگاه طاق‌دار معروف شیو گوان متعلق به یکی از مقامات عالی رتبه سلسلهٔ مینگ در قرن ۱۳ میلادی بود. این گذرگاه ۱۱ متر طول، ۷ متر عرض و ۱۱ متر ارتفاع داشت و متشکل از دو قسمت بود. مصالح سنگی این گذرگاه سخت و ظریف و برای حکاکی مناسب بودند. اکنون هم در همه جای این گذرگاه سنگی، تزیینات لطیف و زیبا دیده می‌شود. این گذرگاه، منقوش به خط دون چی چوان یکی از خوشنویسان و نقاشان بزرگ سلسلهٔ مینگ است و از این رو یک اثر باستانی گرانبها محسوب می‌شود.

در جلوی بسیاری از آرامگاه‌های پادشاهان و اشراف نیز گذرگاه طاقدار برای تبلیغ خدمات و فضیلت درگذشتگان ساخته می‌شد. در دوران باستانی چین، موقعیت زنان بسیار پایین بود، اما از آن‌جا که اصول اخلاقی به ویژه به عصمت زنان توجه می‌کرد، اگر یک زن اصول اخلاقی را مراعات و به خاطر حفظ سنت‌ها از ادا کردن جان خود مضایقه نمی‌کرد، پس از مرگش پادشاه دستور می‌داد برای این زن نیز گذرگاه طاق‌دار بسازد.

در گذشته، هر کس به میل خود نمی‌توانست گذرگاه طاق‌دار بسازد، بلکه معمولاً می‌بایست این گذرگاه به دستور یا با اجازهٔ پادشاه یا حکومت‌های محلی ساخته می‌شد. این بنا سمبل افتخار و یادبود جامعهٔ فئودالی چین بوده و در تبلیغ اخلاق و فرهنگ فئودالی به کار می‌رفته است.

خرابه‌های آدم پکن

خرابه‌های آدم پکن در دهکدهٔ جوکودیان در ۴۸ کیلومتری جنوب غربی شهر پکن قرار دارد. این ناحیه محل اتصال ناحیهٔ کوهستانی و دشت و در جنوب شرقی دشت وسیع شمال چین و شمال غربی ناحیهٔ کوهستانی است. به دلیل جاری بودن آب در این منطقه در طول تاریخ، غارهای بزرگ و کوچک طبیعی در این ناحیه شکل گرفته است. بر بالای کوه یک غار طبیعی دیده می‌شود که طول آن از شرق تا غرب ۱۴۰ متر است و غار میمون آدم نما نامیده می‌شود. در سال ۱۹۲۹ میلادی، در این غار برای نخستین بار فسیل جوکودیان (انسان قدیمی) کشف شد. ناحیهٔ جوکودیان، منطقهٔ مهم دورهٔ پارینه سنگی در شمال چین است که به خرابه‌های آدم پکن معروف است.

این خرابه‌ها را اولین بار در سال ۱۹۲۱، دانشمندی سوئدی به نام آتشن کشف کرد. سپس دانشمندان در این محل به حفاری پرداختند. سال ۱۹۲۷، دانشمندان کانادایی رسماً به حفاری در جوکودیان مبادرت ورزیده و سه دندانی را که در جوکودیان کشف کرده بودند، رسماً گونهٔ پکن میمون آدم نمای چین خواندند. دو سال بعد، باستان‌شناس چینی در جریان حفاری، نخستین کاسهٔ سر آدم پکن را کشف کردند. این کشف، جهان را تکان داد.

خرابه‌های جوکودیان پس از این حفاری‌ها هنوز هم پس از هشتاد سال همچنان برای تحقیق و بررسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، با این حال هنوز نیمی از باقی غار حفاری نشده است. در مقایسه با سایر خرابه‌ها، شمار سنگواره‌های پستاندارانی که در این ناحیه از خاک بیرون آمده، بسیار فراوان است. در نخستین محل جوکودیان آثار تاریخی نشانگر استفاده از آتش بود و مشخص گردید که تاریخ استفادهٔ بشر از آتش، چند صد هزار سال پیش از تاریخی است که گمان می‌شد.

در این خرابه‌ها همچنین پنج قشر خاکستری و استخوان‌های سوخته پیدا شده است که ضخامت آن‌ها به شش متر می‌رسد. این آثار تاریخی برجای مانده نشان می‌دهد آدم پکن نه تنها با آتش آشنا بوده، بلکه راه‌های حفظ آتش را می‌دانسته است.

در این خرابه‌ها همچنین هزاران وسایل سنگی از خاک بیرون آمده و مواد خام آن از اطراف خرابه‌های یاد شده بوده است. این وسایل سنگی متنوع و گوناگون و ساده در چند مرحله ساخته شده‌اند. کشفیات ثابت می‌کند میمون آدم نمای پکن تقریباً با زمان حال هفتصد هزار سال فاصله دارد و در ناحیهٔ جوکودیان اقامت داشته و ازطریق شکار زندگی می‌کرده است.

آدم پکن متعلق به بشر اولیه و تبدیل آن از میمون به انسان عاقل است. این کشف به لحاظ تغییرات جسمی و زیست‌شناسی، تاریخ‌شناسی بشر دارای ارزش بسیار است. انسان پکن و سایر کشفیات و تحقیقات فرهنگی، منازعات پیرامون میمون و یا انسان حقیقی را از دوران کشف انسان جاوه‌ای در قرن ۱۹ میلادی در محفل علمی حل کرده است.


مجسمهٔ ساخته شده براساس فسیل‌های کشف شده از انسان هفتصد هزار سالهٔ پکنی

واقعیات نشان می‌دهد که در طول تاریخ و در یک مرحلهٔ خاص، انسان واقعی تحولات اجتماعی و فرهنگی زیادی را شاهد بوده است. آن‌ها نسل‌های بعدی میمون‌های جنوبی و نیز نیاکان بشر کنونی بودند. انسان حقیقی در مرحلهٔ میانه از رده‌بندی میمون تا تکامل آدم شکل گرفته است. شکل انسان حقیقی کماکان با استاندارد انسان پکن جوکودیان یکسان است. خرابه‌های جوکودیان همچنان غنی‌ترین و پر ارزش‌ترین مدرک بشر قدیمی، همزمان با خلقت جهان است. طبق استاندارد انتخاب میراث فرهنگی جهان، خرابه‌های آدم پکن در سال ۱۹۸۷ میلادی در فهرست میراث جهانیان ثبت شد.

آثار باستانی موجود در شهر پکن :

شهر پکن دارای قدمت ۳۰۰۰ ساله است و ۵ بنای تاریخی که با تایید یونسکو به عنوان میراث فرهنگی جهان به ثبت رسیده در این شهر وجود دارد که عبارت هستند از:

۱- شهر ممنوعه: این شهر طی ۵۰۰ سال گذشته، محل اقامت ۲۴ تن از امپراتورهای چین بوده است که به جهت ممنوع بودن ورود افراد عادی شهر ممنوعه نامیده می‌شد. مطابق اسناد منتشره از سوی انجمن اسلامی چین، طراح و معمار اولیه این بنا یک فرد مسلمان بوده است.

۲- دیوار بزرگ چین: یکی از عجایب هفت گانه جهان است که بیش از هفت هزار کیلومتر طول دارد. این دیوار در حدود قرن نهم پیش از میلاد آغاز و تکمیل آن حدود ۵۰۰ سال طول کشیده است.

۳- معبد آسمانی: نیایشگاه امپراتوران چین بوده که از قدمتی سه هزار ساله برخوردار است. ساختمان کنونی معبد در سال ۱۴۲۰ میلادی بنا گردید و مجدداً در سال ۱۸۸۶ بازسازی شد.

۴- قصر تابستانی: این قصر در باغی به مساحت ۲۶۷ هکتار واقع شده که تاریخ بنای آن به سال ۱۱۵۳ میلادی برمی‌گردد. این قصر در سال ۱۸۶۰ توسط فرانسوی‌ها به کلی منهدم شد و در سال ۱۸۸۸ به دستور ملکه تسوهی بنای فعلی بر ویرانه‌های قبلی ساخته شد. در سال ۱۹۲۴ پس از تأسیس جمهوری چین، درهای قصر به روی عموم بازگشایی شد.

ضمیمهٔ دوم : نامداران و مشاهیر چین باستان

امپراتوران افسانه‌ای : یوان و خوان

در طول تاریخ چندین هزار سالهٔ چین، بسیاری شخصیت‌های معروف پا به عرصه وجود گذاشتند. عده‌ای از آن‌ها با اختراعات و اکتشافات خود به روند پیشرفت فرهنگ ملت چین مساعدت نمودند، عده‌ای با برپایی جنگ مسیر پیشرفت تاریخی را تغییر دادند و برخی از آنان به علت هوش و درایت و تبحر خود درتاریخ جاوید ماندند. ما در این بخش، شما را با برخی از این شخصیت‌های چین باستان آشنا می‌سازیم و ابتدا از امپراتوران یوان و خوان شروع می‌کنیم.

همان‌طورکه از بدو تمدن بشری اکثر افسانه‌ها، روایات و حماسه‌ها آغاز شدند، امپراتوران یوان دی و خوانگ دی نیز نقشی در روایات عهد قدیم داشتند. چینی‌ها همه خود را فرزندان این دو امپراتور می‌دانند اما تاکنون دلیل قاطعی برای تایید وجود این دو شخصیت تاریخی به دست نیامده است. معمولاً این دو مانند شیخ اعظم در دو قبیله تلقی می‌شدند.

گفته می‌شود که قبیلهٔ یوان و قبیلهٔ خوان در ابتدا در غرب چین و در حوضهٔ رودخانه زرد چین می‌زیستند. البته این موضوع با کشفیات جدید باستان‌شناسان به اثبات رسیده است. پس از مهاجرت‌ها، جنگ‌ها و الحاق‌های متعدد، این دو قبیله به تدریج با ملیت‌هایی در شرق و جنوب درهم آمیختند و ملیت جدید هان را به وجود آوردند. در آن زمان در میان ملیت‌ها و قبایل در نواحی فلات مرکزی، ملیت خوان از لحاظ نیرومندی و تمدن در سطح بالایی بودند، از این رو ملیت خوان به نمایندهٔ فرهنگ فلات مرکزی بدل شد و ملیت‌هان، جد ملیت چین نامیده شدند.

افسانه‌ها و روایات دربارهٔ امپراتور خوان در دوران مختلف، متفاوت بوده است. گفته می‌شود که خوان فرزند پسر خدای زمین بود. او در طفولیت عاقل و هشیار بود و تکلم می‌دانست. وی صاحب ۲۵ فرزند بود

و ده هزار شاهزادهٔ فرمانبر داشت که هفت هزار تن از آن‌ها رب النوع‌های مسئول امور مختلف بودند. باد و باران و رعد و برق تحت کنترل خوان قرار داشت و او می‌توانست طبیعت را با ۱۴ تغییر روبرو سازد. خوان چهار قیافه در چهار سمت داشت و بدون حرکت گردن می‌توانست از هر رویدادی در هر جایی مطلع شود و بر آن تسلط یابد. به منظور ایجاد رفاه برای مردم، وی به آن‌ها کشت غلات و چگونگی مهار حیوانات و مرغان را یاد داد. خوان ضمن اختراع پارچه به مردم چگونگی استخراج معادن و تهیهٔ وسایل آهنی و مسی را نیز آموخت. بعدها وی دستور داد تا خط، آهنگ موسیقی، تقویم و کتاب پزشکی نیز ایجاد شود.

شی هوانگ دی؛ اولین امپراتور حکومت فئودالی چین

سال ۲۲۱ پیش از میلاد، اولین سلسلهٔ فئودالی چین تأسیس شد و شی هوانگ دی بنیانگذار آن بود. او در سیزده سالگی بر تخت پادشاهی کشور چین نشست. در اوایل دوران حکمرانی او، سلسلهٔ جنگجویان، کشورهای مستقل زیادی به وجود آورده بودند و بین این کشورها درگیری‌های مکرر رخ می‌داد. کشور کوچک چین یکی از آن کشورها بود. شی‌هوانگ‌دی پس از آن‌که بزرگ شد، شخصیت‌های با فضیلت و با درایت را به خدمت گرفت و امور نظامی را بسط و توسعه داد و برای افزایش قدرت خود تلاش کرد. او بیش از ده سال به جنگ‌های مداوم پرداخت و در نهایت کشورهای دیگر را تحت لوای چین یکپارچه ساخت.

یکپارچگی چین اهمیت زیادی در تاریخ داشته است. شی‌هوانگ‌دی سیستم تقسیم کشور به چند کشور کوچک زیر فرمان یک امپراتور را الغا و سیستم تأسیس نواحی و شهرستان‌ها را اجرا کرد. او کشور را به ۳۶ منطقه تقسیم کرد و در هر منطقه، شهرستان‌هایی دایر نمود. در این سیستم، مقامات مرکزی و منطقه‌ای توسط امپراتور منصوب شدند و نظام ارثی لغو شد. این سیستم در تاریخ بیش از دو هزار سال اجرا شد و نام بسیاری از شهرستان‌های کنونی چین در سلسلهٔ چین تعیین شد.

یکپارچگی خط و زبان نیز از جمله خدمات بزرگ سلسلهٔ چین بود. شی‌هوانگ‌دی جوان پس از وحدت کشور خط عمومی را تعیین کرد و از آن به بعد هیروگلیف چینی طبق مقررات توسعه یافت. این موضوع برای شکل‌گیری و نشر فرهنگ چین، بسیار حائز اهمیت بود. شی‌هوانگ‌دی همچنین اوزان و مقادیر، پول و قانون سراسر کشور را وحدت بخشید.

گرچه شی‌هوانگ‌دی مرد بزرگی در تاریخ چین محسوب می‌شود، اما ظلم و ستم او نیز در تاریخ چین ثبت شده است. او پس از یکپارچگی چین برای جلوگیری از تجاوز ملیت‌های کوچ‌نشین شمالی با توسل به زور، هزاران کارگر را برای ساخت دیوار چین به خدمت گرفت. این دیوار در غرب از ناحیه بیابانی شروع می‌شد و در شرق به دریا می‌رسید و با وجود نیروی انسانی و مادی و سطح فنی افراد بی‌شماری در جریان احداث این دیوار جان باختند. شی‌هوانگ‌دی همچنین فرمان داد که کاخ مجلل و آرامگاه پرشکوهی برای وی در منطقهٔ لی‌شان ساخته شود. امروزه دیوار چین، اسب‌ها و سربازان سفالی شهر

شی‌آن از معروف‌ترین میراث فرهنگی جهان به شمار می‌روند، اما در دو هزار سال پیش، برای احداث آن‌ها مردم رنج زیاد بردند و نفرت شدیدی از این امپراتور داشتند و در نهایت حکومت سلسلهٔ چین بعد از مرگ وی به سرعت فروپاشید. مسئله دیگری نیز که موجب بدنامی شی‌هوانگ‌دی در تاریخ شده است، دستور او برای سوزاندن تمامی کتاب‌های تاریخی کشورهای دیگر به غیر از چین و کتاب‌های کنفوسیوس بود. این حادثهٔ وحشتناک موجب شد که در عرصهٔ تحقیقات تاریخی، اسرار لاینحل زیادی باقی بماند.

شاه چوجوانگ

چین کشوری است که به خویشتن‌داری و کرامت توجه خاصی دارد و افراد معتقدند که خودداری و بزرگ‌منشی می‌تواند حلّال بسیاری از مشکلات باشد. ضرب المثل جدا کردن منگوله از سوی شاه چوجوانگ به مردم می‌گوید که با خیرخواهی می‌توان کارها را سر و سامان داد و سرانجام نتیجهٔ خوب گرفت.

در دورهٔ بهار و پاییز چین، یعنی قرن هفتم پیش از میلاد، کشورهای زیادی وجود داشت. چوجوانگ نیز در آن زمان، پادشاه کشور چو و فردی عاقل و قاطع بود. تحت مدیریت وی، سرزمین چو از کشوری کوچک به کشوری قدرتمند تبدیل شده بود.

روزی شاه چوجوانگ به احترام مقامات ضیافتی ترتیب داد. ضیافت تا عصر طول کشید و هوا تاریک شد، اما علاقه شاه و مقامات بر آن بود که مهمانی ادامه یابد. شاه فرمان داد که در سالن‌ها شمع روشن کنند و شراب بخورند. ناگهان باد آمد و شمع‌های سالن خاموش شد و همه در تاریکی بودند. در آن وقت همسر پادشاه احساس کرد که کسی دستش را لمس کرده است. ملکه عصبانی شد و منگوله کلاه آن فرد را گرفت و با انگشت جدا کرد. سپس نزد چوجوانگ آمد و به وی گفت: کسی با من بد رفتاری و سبکسری کرده و من منگوله کلاهش را کنده‌ام، حالا شما باید آن فرد را پیدا کنید و به سزای عملش برسانید.

شاه چوجوانگ بعد از شنیدن حرف ملکه با صدای بلند گفت : شمع‌ها را روشن نکنید. نوشیدن شراب در تاریکی جالب است. بدین جهت همه در تاریکی به نوشیدن ادامه دادند. بعد از یک لحظه شاه چوجوانگ سؤال کرد: امروز شما را به خوردن شراب دعوت کردم، آیا همه شما با خوشحالی شراب نوشیدید؟ مقامات گفتند: از شاه بزرگ تشکر می‌کنیم. بلی، ما خیلی شراب نوشیدیم.

شاه چوجوانگ مجدداً گفت: واقعا خوشحال هستید؟ همه گفتند : آری و بعد شاه گفت : پس برای این‌که خوشحالی خود را نشان دهید، منگوله‌های کلاهتان را از کلاه جدا کنید. مقامات یکی پس از دیگری کلاه خود را از سر برداشتند و منگوله آن را جدا کردند. سپس شاه چوجوانگ فرمان داد که شمع‌ها را روشن کنند. همه به دیگران نگاه کردند و هیچ کلاهی کامل نبود و شکل آن‌ها بسیار جالب به

نظر می‌رسید. همه خندیدند و با خوشحالی شراب نوشیدند. آسمان روشن شد، شاه و مقامات با رضایت متفرق شدند.

وقتی ملکه به کاخ برگشت، بسیار عصبانی بود. طبق قانون، کسی که ملکه را اذیت می‌کرد، باید اعدام می‌شد. ملکه با عصبانیت رو به شاه کرد و گفت: شاه بزرگ چرا این گونه رفتار کردید؟ در آینده آن‌ها بیش‌تر با این اقدامات مشکل‌تراشی خواهند کرد. شاه چوجوانگ خندید و گفت: من مقامات را به نوشیدن شراب دعوت کردم تا آن‌ها لذت ببرند. بعد از نوشیدن شراب حرکات و رفتارهای غیرعادی رخ می‌دهد. اگر من برای این امر کوچک مقامات را مجازات می‌کردم، نه تنها ضیافت برهم می‌خورد، بلکه باعث می‌شد آن‌ها احساس شرمساری کنند. این هدف اصلی من برای ضیافت نیست.

بعد از آن، شاه چوجوانگ به کشور همسایه حمله کرد. ژنرالی به نام تانگ جیائو شجاعانه می‌جنگید و بسیاری از دشمنان را کشت. در واقع تانگ جیائو همان کسی بود که ملکه را اذیت کرده بود و این بار قصد داشت با به نمایش گذاشتن شجاعت خود و کشتن دشمن از شاه تشکر کرده باشد.

جی گوانگ

در یوشان چین، عبادتگاه چی قرار دارد و توریست‌ها همواره برای ادای احترام به مجسمهٔ جی‌گوانگ به آن‌جا می‌روند و از موفقیت‌های وی در مبارزه با دزدان دریایی ژاپنی یاد می‌کنند.

جی گوانگ ژنرال معروف میهن‌پرست سلسلهٔ مینگ بود. در آن وقت دزدان دریایی ژاپنی همواره در سواحل دریایی چین ایجاد ناامنی می‌کردند و جی‌گوانگ نسبت به عملیات قهرآمیز دزدان دریایی ژاپنی نفرت شدیدی داشت. وی در ۱۶ سالگی شعری در مدح آرامش دریایی میهن سرود. در ۱۷ سالگی، عصر نظامی خود را آغاز کرد. دزدان دریایی مسئلهٔ جدی و مشکل مهم او بودند، بنابراین حملهٔ خود را به آن‌ها آغاز کرد؛ درنتیجه قسمتی از ارتش دشمن شکست خورده و فراری شدند.

از اواخر سلسلهٔ یوان تا اوایل سلسلهٔ مینگ، دزدان همواره کشتی‌هایی در اختیار داشتند و مناطق ساحلی چین را غارت می‌کردند و اهالی محلی را می‌کشتند. تا اواخر قرن ۱۵ میلادی، دزدان دریایی ژاپن قدرتمندتر شدند و با زورگویان محلی و تجار بی‌شرم و خیانتکار در مناطق ساحلی دریایی تبانی کردند و بعضی حتی وارد مناطق داخلی شدند و به ایالت‌ها و شهرستان‌ها حمله کردند.

جی‌گوانگ با روش صحیح با دزدان دریایی ژاپن مبارزه می‌کرد. او در سال ۱۵۵۵ به استان جه‌جیانگ فرستاده شد؛ منطقه‌ای که مرکز فعال دزدان دریایی ژاپن بود. جی گوانگ ارتشی متشکل از دهقانان و معدنچیان تشکیل داد. او با تکنیک‌های نبرد تن به تن در مسافت‌های نزدیک آشنا بود. در نبردها، هنگامی که دشمن به فاصله صد قدمی می‌رسید، ارتش جی گوانگ از سلاح‌های آتش زا استفاده می‌کرد. هنگامی که دشمن به فاصلهٔ شصت قدمی می‌رسید، ارتش تیراندازی می‌کرد و زمانی که دشمن نزدیک‌تر

می‌شد، طرفین تن به تن می جنگیدند. این ارتش جدید بیش از چهار هزار نفر نیرو داشت. آن‌ها بارها نبرد کرده و پیروز شدند و مورد محبت و احترام مردم قرار داشتند.

سال ۱۵۶۱، وقتی هزاران دزد دریایی ژاپن با بیش از یک‌صد کشتی به منطقهٔ جه جیانگ حمله کردند، ارتش این خبر را دریافت کرد و به سرعت با دشمن وارد جنگ شد. آن‌ها نُه بار در منطقهٔ جو نبرد کردند و همهٔ دشمنان را نابود کردند. بعد از آن دزدان دریایی ژاپن از شنیدن خبر وحشت زده شدند. به دلیل آن‌که جی گوانگ شجاع بود و در نبرد مهارت داشت، خدمات نظامی برجسته‌ای انجام داد و به تدریج مقام وی ارتقا یافت. با همکاری جی‌گوانگ و ژنرال‌های دیگر، جنگ مقاومت در برابر دزدان دریایی ژاپن با پیروزی همراه شد و اوضاع مناطق ساحلی دریایی روزبه‌روز آرام‌تر شد و اقتصاد منطقه به‌تدریج شکوفاتر شد. خدمات برجستهٔ تاریخی جی گوانگ در جنگ مقاومت در برابر دزدان دریایی ژاپن مورد تحسین مردم آن زمان و نسل‌های آینده قرار گرفته است.

لیو بان بنیانگذار سلسلهٔ هان

لیو بان امپراتور و بنیانگذار سلسلهٔ هان غربی بود. وی یکی از دو امپراتوری بود که از طبقات پایین جامعه بودند. لیو بان یک کشاورز زاده و یکی از مقامات کوچک محلی سلسلهٔ چین، اما روشنفکر و متین بود. سال ۲۰۹ پیش از میلاد، لیو بان در زادگاه خود مردم را جمع و قیام دهقانان را آغاز کرد. او سپس در رأس ارتش خود وارد سیان یانگ، پایتخت سلسلهٔ چین، شد و به حکومت آن سلسله خاتمه داد. لیو بان در پایتخت، قوانین ظالمانهٔ سلسلهٔ پیشین را لغو کرد و به همین دلیل مورد استقبال مردم قرار گرفت. او سپس در استان شاندونگ خود را امپراتور اعلام کرد و نام هان را برای سلسلهٔ جدید خود انتخاب کرد.

لیو بان در انتخاب فرد مناسب برای هر کاری ماهر بود. خطرناک‌ترین حادثه‌ای که لیو بان در جریان فتح کشور با آن برخورد کرد، ضیافت هونگ‌من بود. در آن زمان، نیروی ارتش هونگ‌من از لیوبان قوی‌تر بود و وی برنامه داشت که لیو بان را از بین ببرد و خود امپراتور شود. در جریان ضیافت، هونگ‌من به بهانهٔ به اهتزاز در آوردن شمشیر جهت سلامت مهمانان کوشید تا لیو بان را بکشد. لیو بان نیز وانمود کرد که قصد خروج از اتاق را دارد، اما در حفاظت نگهبانان خود به پایگاه ارتش برگشت. ضیافت هونگ من در تاریخ شهرت دارد. بعد از آن‌که لیو بان فرار کرد، نیروهایش را جمع کرد و سرانجام هونگ‌من را شکست داد و سلسلهٔ هان غربی را ایجاد کرد.

بعد از آن‌که لیوبان امپراتور شد، برای از سرگیری و پیشرفت تولید، تدابیری اتخاذ کرد. لیوبان زندانی‌های سراسر کشور و برده‌ها را آزاد و سربازان را از خدمت مرخص کرد. سپس بیکاری را از بین برد و نظام جدید خدمات نظامی را ایجاد کرد. هنگامی که لیوبان جوان بود، دانشمندان را تحقیر می‌کرد و

بعد از آن‌که امپراتور شد، تصور می‌کرد که به تنهایی کشور را فتح کرده است. روزی لوجیان، یکی از مقامات عالی رتبه، به وی گفت: *شما در پشت یک اسب کشور را فتح کردید، اما آیا می‌توانید با همین حیله کشور را اداره کنید؟* لیوبان که تحت تأثیر این حرف قرار گرفته بود، به لوجیان فرمان داد که کتابی بنویسد و در آن علت از دست دادن حاکمیت کشور توسط سلسلهٔ چین را تشریح کند.

لائو دان ؛ بنیانگذار مکتب تائوئیسم

لائودان در اواخر دورهٔ بهار و پاییز در کشور چو زندگی می‌کرد. او یکی از مقامات مدیریت بر کتاب‌های سلسلهٔ جو بود. به همین دلیل، لائودان دانش فراوانی داشت. هنگامی که کنفوسیوس جوان بود، به دیدار لائودان رفت. لائودان متوجه بود که دربار سلطنتی سلسلهٔ جو در حال ضعیف شدن است. لذا پایتخت را ترک کرد. هنگامی که وی از گذرگاه هان‌گو عبور می‌کرد، کتاب معروفش *دائو* را نوشت و سوار بر گاوی سبز رنگ از گذرگاه عبور کرد و پس از آن دیگر مشخص نشد در کجا درگذشته است.

در چین باستان، مذاهب متعددی رواج یافت که از میان آن‌ها می‌توان به تائوئیسم یگانه مذهب اصیل چین اشاره کرد که با سنت‌های فرهنگی آن کشور روابط عمیقی دارد. تائوئیسم مذهب پرستش چند رب‌النوع است و منشاء آن به پرستش افسونگری برمی‌گردد. این مذهب همچنین از کیمیاگری و تئوری دائو ریشه گرفته است. کیمیاگران وقت مدعی بودند که اگر کسی اکسیر حیات را بنوشد؛ آسمانی خواهد شد و عمر ابدی خواهد داشت. این دلیل و منشاء اعتقاد تائویست‌ها به رب النوع و آسمانی شدن انسان نظر دارد. تئوری دائو سومین منشاء تائوئیسم به شمار می‌رود. در چین باستان این تئوری همانند تئوری کنفوسیوس تأثیرگذار بود. تئوری دائو به دلیل وجود افکار شگفت‌انگیز مورد پرستش کیمیاگران قرار گرفت. تائوئیسم در قرن دوم به شکل یک مذهب مستقل تبدیل شد، اما صدها سال بعد این دین به شاخه‌های فراوان تقسیم شد. امروزه بسیاری از دانشمندان موافق این دیدگاه هستند که تائوئیسم در مقایسه با دیگر سنت‌های زندگی اجتماعی و انسانیت، چینی‌های باستانی را عمیق‌تر و گسترده‌تر منعکس کرده است. تائوئیسم همانند مذاهب دیگر برای پیروان خود راه نزدیکی به خجستگی و پرهیز از بدبختی را می‌آموزاند. شخص پس از مرگ احتمالاً در بهشت از اغذیه لذیذ و گل‌های زیبا برخوردار می‌شود یا برای همیشه در آتش جهنم می‌سوزد؛ به عبارتی دیگر، می‌توان گفت آرمان نهایی تائوئیسم تعقیب عمر ابدی و زندگی سعادتمند می‌باشد.

لائودان در قوانین خود اصل تغییر اشیا را بیان می‌کرد. وی معتقد بود که خوشبختی و بدبختی می‌تواند تغییر کند. وی می‌گفت که از مشکلات نترسید، از کم شروع کنید. حتماً می‌توانید مشکلات را حل کنید و کارهای بزرگی را انجام دهید. لائودان مخالف جنگ بود. وی می‌گفت که بعد از جنگ قحطی ناشی از فقدان محصول فرا می‌رسد. لائودان جامعهٔ ایده‌آل را این گونه تشریح می‌کرد: کشوری بسیار کوچک با

جمعیت کم که با وجود داشتن سلاح، از آن استفاده نمی‌شود. مردم غذای خوب می‌خورند و لباس‌های زیبا می‌پوشند. آن‌ها می‌توانند از کشور همسایه دیدن کنند. استفاده از خط هم لازم نیست. شاید اکنون این ایده‌آل، منفی و محافظه‌کارانه به نظر برسد، اما در دو هزار سال پیش آرزوی دهقانان آن وقت بود.

اندیشه فلسفهٔ لائودان در تاریخ فلسفه چین جایگاه مهمی دارد و اندیشه سیاسی وی در اندیشمندان بعدی نیز تاثیرگذار بوده است.

کنفوسیوس و تئوری مکتب وی

هنگام اشاره به فرهنگ سنتی چین، نام یک شخصیت در اذهان زنده می‌شود و او کسی جز کنفوسیوس نیست. در جامعهٔ چین هیچ‌کس به اندازهٔ کنفوسیوس تأثیرگذار نبوده است. به همین دلیل هرکسی تا اندازه‌ای دربارهٔ او می‌داند و کم و بیش تحت تأثیر تئوری مکتب وی قرار گرفته است. کنفوسیوس بنیانگذار مکتبی به نام خود است.

در بیش از دو هزار سال گذشته، اندیشهٔ مکتب کنفوسیوس نه تنها زمینه‌های سیاسی و فرهنگی را شامل شده، بلکه در فعالیت‌ها و شیوه‌های فکری هر چینی تأثیرگذار بوده است. بعضی دانشمندان خارجی اندیشهٔ مکتب کنفوسیوس را اندیشهٔ مذهبی چین می‌دانند. در واقع مکتب کنفوسیوس یکی از مکتب‌های قدیمی چین است و اندیشهٔ او اندیشه‌ای فلسفی است نه مذهبی. کنفوسیوس سال ۵۵۱ قبل از میلاد به دنیا آمد و در ۴۷۹ قبل از میلاد درگذشت. هنگامی که سه سال داشت، پدرش مرد و همراه مادرش در استان شان‌دونگ کنونی واقع در شرق چین اقامت داشت. اسم کنفوسیوس کنوگ‌چیو بود، کنفوسیوس نامی است که مردم برای ادای احترام برای او برگزیده‌اند.

کنفوسیوس نیز مانند لائودان، بنیانگذار مکتب تائوئیسم در دورهٔ حکمرانی سلسلهٔ بهار و پاییز زندگی می‌کرد. وی در کشوری بنام لو اقامت داشت، جایی که پیشرفته‌ترین کشور در زمینهٔ فرهنگی بود. کنفوسیوس در تمام عمر خود یک مقام عالی‌رتبه نبود، اما دانش زیادی داشت. در قدیم آموزش و پرورش از حقوق ویژهٔ اشراف بود، اما کنفوسیوس با شیوهٔ خود این حق را از آنان گرفت و خود شاگردانی را جذب کرد و به آن‌ها آموزش داد. افراد از هر طبقه‌ای با پرداخت مبلغی ناچیز می‌توانستند برای تحصیل نزد او بروند. گفته می‌شود که وی سه هزار شاگرد داشته و در میان آن‌ها چند تن جزو دانشمندان آینده بوده‌اند.

چرا اندیشهٔ کنفوسیوس توانست در دوران فئودالی جایگاه برتر را اشغال کند؟ مشکل است که به آسانی بتوان به این سؤال پاسخ داد، اما به طور ساده می‌توان گفت که اندیشهٔ طبقه‌بندی و اندیشهٔ بهبود بخشیدن سیاسی با منافع طبقهٔ حاکم منطبق بود و در آن وقت برای ثبات جامعه سودمند به نظر می‌رسید و به پیشرفت جامعه مساعدت می‌کرد. طبق تئوری وی، امپراتور باید خیلی خوب کشور را اداره کند و

مردم باید به امپراتور وفادار باشند. در این وضع، کشور آرام خواهد بود و مردم زندگی باثباتی خواهند داشت.

در قرن دوم قبل از میلاد، چین کشوری قوی و متحد با سیستم قدرت مرکزی بود. حاکمان می‌دانستند که تئوری کنفوسیوس برای حفظ ثبات جامعه فئودالی مناسب است و به همین دلیل اندیشهٔ کنفوسیوس اندیشهٔ رسمی کشور تعیین شد. در کتاب قدیمی *لون‌یو* سخنان قابل نقل کنفوسیوس و گفتگوهایش با شاگردان نگاشته شده است. در جامعهٔ قدیم چین مردم با اندیشه‌های همین کتاب زندگی خود را استاندارد می‌کردند. افرادی که می‌خواستند به مقامی برسند، باید این کتاب را به دقت می‌خواندند. چینی‌ها اعتقاد دارند که با نیمی از کتاب لون یو می‌توان یک کشور را اداره کرد. در واقع لون‌یو کتابی است که موضوعات آن فراوان و زبان آن زنده است. سخنان کنفوسیوس در زمینه‌های مختلف مانند خواندن کتاب، موسیقی، گردش در حومه شهر، دوستی و غیره در این کتاب آمده است.

موضوعات کنفوسیوس بسیار فراوان است و در بسیاری از آن‌ها حتی امروزه نیز با ارزش است. سخن‌های وی در لون‌یو امروزه گفته‌های عامیانه و مورد استناد چینی‌هاست. مانند این جمله معروف که اگر سه نفر باهم قدم زنند، در میان آن‌ها حتماً یک نفر باید معلم باشد. معنی این جمله این است که هر نفر برتری‌های خود را دارد، بدین جهت افراد باید از یکدیگر بیاموزند.

هان فی جی بنیانگذار مکتب قانون‌پرست‌ها

هان فی جی فیلسوف، چکیده اندیشهٔ مکتب قانون‌پرست‌ها و نثرنویس معروف در دوران کشورهای جنگجو است. اندیشهٔ مکتبی او برای پیدایش نخستین کشور واحد چین با سیستم تمرکز قدرت مرکزی اساس تئوریک فراهم کرد.

هان فی جی در قرن سوم قبل از میلاد زندگی می‌کرد و یکی از اشراف کشور هان در اواخر دوران کشورهای جنگجو بود.

در دورانی که‌هان‌فی‌جی زندگی می‌کرد، کشور هان روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شد. وی چند بار نامه‌هایی به پادشاه کشور هان نوشت و پیشنهاد اصلاحات را مطرح کرد. اما پادشاه قبول نکرد. بدین جهت وی طبق تجربیات و درس‌های ادارهٔ کشور در تاریخ و اوضاع جامعه واقعی مقالاتی نوشت که بیش از ده هزار کلمه دارد و آن را با عنوان کتاب هان‌فی‌جی تألیف نمود. این مقاله‌ها در کشور هان مورد توجه قرار نگرفت، اما بعدها مورد پسند امپراتور شی‌هوانگ تی قرار گرفت.

وقتی شی‌هوانگ‌تی به کشور هان حمله کرد، پادشاه کشورهان،هان‌فی‌جی را به عنوان پیام آور صلح به کشور چین فرستاد. شی‌هوانگ‌تی او را در چین نگه داشت و او را محترم دانست.

کتاب‌هان‌فی‌جی اثر چکیدهٔ اندیشهٔ مکتب قانون‌پرست‌ها است. این کتاب ۵۵ مقاله دارد و اکثر آن، آثار خودهان‌فی‌جی است. در آن وقت در محافل اندیشهٔ چین، مکتب کنفوسیوس و مکتب نمایندگان مشهور

بودند.هان‌فی‌جی به اندیشهٔ مکتب کنفوسیوس که طرفدار سیاست خیرخواهی است، حمله کرد و طرفدار حکمرانی طبق قانون بود. از زمان ایجاد سلسلهٔ چین، اندیشهٔهان‌فی‌جی در ایجاد حکومت مطلقه فئودالی سلسله‌های مختلف بسیار تأثیرگذار بود.

هان فی جی با استفاده از حکایت‌های اخلاقی و دانش تاریخی فراوان به ابراز عقاید خود می‌پرداخت. امروزه بسیاری از داستان‌ها و حکایت‌های او اصطلاحات و نقل قول‌های ادبی شده است و هنوز مورد استفادهٔ وسیع مردم چین می‌باشد.

هواتو پزشک بسیار حاذق

در چین کسانی که دچار بیماری‌های مزمن می‌شوند، همواره این جمله را بر زبان می‌رانند : *چقدر خوب می‌شد اگر هواتو هنوز زنده بود.* هواتو پزشکی مردمی بود که دو هزار سال پیش زندگی می‌کرد و به دلیل دانستن فنون پزشکی، طبیبی بسیار حاذق بود.

در یادداشت‌های تاریخی آمده است که هواتو پزشکی مردمی بود که به شهرت و ثروت بی‌علاقه بود و بارها به تمایل دیگران برای این‌که مقامی بر عهده بگیرد، بی‌توجهی کرده بود تا این‌که فردی به نام چائو چائو از مقام‌های وقت که مبتلا به سردرد شد و از او برای درمان خود دعوت کرد. هوا تو مجبور شد بپذیرد. به زودی بیماری چائو چائو را مورد مطالعه قرار داد. چائو چائو به اجبار از او خواست که پزشک همراهش باشد. چندی بعد هواتو به بهانهٔ بیماری همسرش به خانه برگشت و به نزد چائو چائو بازنگشت. چائوچائو نیز فرمان داد که وی را به زندان ببرند و در آخر نیز او را در همان جا کشتند.

هواتو در علم پزشکی به دستاوردهای عالی نایل آمد و به خصوص در بی‌حسی کامل و عمل جراحی دستاوردهای زیادی داشت. او یکی از پزشکان مورد پسند مردم بود و یافته‌های وی جنبه‌هایی از پیشرفت علم پزشکی چین در دو هزار سال پیش را نشان می‌دهد. هوا تو یکی از پزشکانی بود که پیش‌تر از بسیاری دیگر از بی‌حسی کامل استفاده کرد. پودر بی‌حسی که اختراع کرد، در عمل جراحی به کار می‌رفت. این پودر هیچ وقت مورد استفاده پیشینیان قرار نگرفته بود و متأسفانه فرمول ساخت آن تاکنون کشف نشده است.

هوا تو در عمل جراحی ماهر بود. او یک بار یک دختر بیست ساله‌ای را عمل کرد. در کنار زانوی چپ دختر زخمی دیده میشد که خارش داشت ولی درد نمی‌کرد. این زخم هشت سال دختر را آزار داده بود. هواتو برای معالجه دعوت شد و از زخم، چیزی مانند مار را بیرون آورد و روی زخم دارو مالید و بعد از ۷ روز بیمار بهبود یافت. بیمار و اعضای خانواده‌اش بسیار تحت تأثیر قرار گرفتند. بعضی امروزه معتقدند که آن شی، استخوان مرده و آماس مغز استخوان مزمن بوده که به نظر همانند مار بوده است.

هواتو در تشخیص بیماری‌های داخلی بسیار ماهر بود. او بیماری داشت که از ناحیه سینه رنج می‌کشید و صورتش قرمز و اشتهایش کور بود. هوا تو بعد از تشخیص بیماری گفت که وی انگل دارد. پس دارویی

آماده کرد و به او داد. انگل‌ها از بین رفت و بیمار بهبود یافت. یکی از مأمورین دربار نیز مدت‌های دراز بیمار بود. هوا تو بعد از تشخیص به این نتیجه رسید که بیمار باید برای درمان عصبانی شود. نامه‌ای مملو از ناسزا به آن مامور نوشت. مامور با خواندن نامه بسیار خشمگین شد و افرادی را برای کشتن هواتو فرستاد، اما وقتی او یافت نشد باز هم عصبانیتش افزایش یافت تا جایی که خون سیاه از دهان بیمار خارج شد و او بهبود یافت.

هواتو در جریان معالجه طبق وضع بیمار دارو تجویز می‌کرد و این یکی از دلایل مورد استقبال بیماران بود. یک بار دو نفر دچار سر درد و تب شدند. هوا تو بعد از تشخیص به یکی از آن‌ها داروی مسهل داد و به نفر دیگر داروی عرق زا داد. آن‌ها تعجب کرده و با هوا تو مشورت کردند. هوا تو توضیح داد با وجود آن‌که عوارض بیماری یکسان است، اما چون یک نفر سرماخورده و دیگری غذای زیاد مصرف کرده است، پس داروها نیز باید فرق داشته باشند.

دو هزار سال پیش، هوا تو تمرین و ورزش را برای درمان بیماری توصیه می‌کرد . ورزش *ووچین‌سی* را هواتو اختراع کرد که مورد استقبال مردم بود. این ورزش در اصل تقلیدی از حرکات ببر، آهو، خرس، میمون و پرندگان بود و از طریق تمرین آن وضع مزاجی مردم بهتر می‌شد و از ابتلا به بیماری پیشگیری می‌شد. هوا تو شاگردان بسیاری داشت که از میان آنان سه نفر معروف بودند. این افراد بعدها در زمینه‌های مختلف برای پیشرفت علم پزشکی و داروسازی چین خدمات شایانی ادا نمودند.

سوان جانگ

رمان سفر به غرب داستانی زبانزد خاص و عام در چین است. در این کتاب، داستان افسانه‌ای سفر چهار پیرو آیین بودا به غرب برای آموختن عبارات کتب مقدس بودایی تشریح شده است. چهرهٔ واقعی انسان در زندگی یکی از شخصیت‌های عمده این رمان، راهب سوان جانگ، مشاهده شدنی است.

سوان جانگ در سال ۶۰۰ میلادی در دوران حکومت سلسلهٔ تانگ چین به دنیا آمد. وی از کودکی باهوش بود و به آیین بودا علاقه داشت. او در سیزده سالگی راهب شد و بعد از آن تئوری مذهب بودایی را با پشتکار پیگیری و دربارهٔ آن تحقیق نمود. او در ۱۸ سالگی به شهرت رسید و از آن‌جا که بر علوم بودایی هندوستان مسلط بود، دیگران او را استاد سان جیانگ می نامیدند.

سوان جانگ در دوران جوانی سرسختانه فلسفهٔ مذهب بودایی را مطالعه می‌کرد. وی احساس می‌کرد که عبارات کتب مقدس بودا باید کامل و دقیق ترجمه شود. وی تصمیم گرفت برای جستجوی تئوری بودا به هندوستان، منشأ مذهب بودا، سفر کند.

سال ۶۲۷ میلادی سوان جانگ از چان‌آن، پایتخت سلسلهٔ تانگ، حرکت کرد و راهپیمایی طولانی را به معبد نالان‌تو در هندوستان آغاز کرد. معبد نالان‌تو عالی‌ترین دانشگاه مذهب بودا بود و اعتبار علم بودایی را نمایندگی می‌کرد.

در ۱۳۰۰ سال پیش، زمانی که دانش جغرافیایی انسان کم بود و عبور و مرور میان کشورها کار بسیار دشواری بود، پیاده‌روی از چین به هندوستان، امری بس مشکل به نظر می‌رسید. با وجود این، سوان جانگ مشکلات و خطرها را پذیرفت. او چهار سال بعد به هندوستان رسید و از شش مکان مقدس آیین بودا دیدن کرد.

سوان جانگ وقتی وارد معبد نالان‌تو شد، پنج سال در آن‌جا تحصیل کرد و همهٔ آثار کلاسیک عبارات کتب مقدس بودایی را خواند. بعد برای تحصیل به مدت شش سال به مناطق مختلف هندوستان سفر کرد و دانش او به سطح بسیار بالایی رسید و یکی از عالی‌ترین دانشمندان مذهب بودا شد. در یک مجمع مبحث تئوری در هندوستان، سوان جانگ به سؤالات سخت همه پیروان مذهب بودا پاسخ داد و از آن وقت در محافل مذهب بودا شهرت یافت.

بهار سال ۶۴۳ میلادی، سوان جانگ به میهن بازگشت و عبارات کتب مقدس بودایی و مجسمه‌های بودایی را همراه آورد که در این سال‌ها جمع کرده بود. امپراتور وقت، برای استقبال کسانی را فرستاد. سوان جانگ درخواست امپراتور برای پذیرفتن مقام را رد کرد و در معبد هونگ فو اقامت گزید.

سوان جانگ ظرف مدت ۱۹ سال جمعاً ۷۵ جلد کتاب عبارات کتب مقدس بودایی را ترجمه کرد. وی نه تنها چهره واقعی آیین بودا در هندوستان را نشان داد، بلکه ششصد بخش از عبارات بزرگ‌ترین کتاب مقدس بودا را ترجمه کرد. سوان جانگ، فرهنگ چین را خوب می شناخت و بر زبان سانسکریت مسلط بود، به همین دلیل ترجمه‌هایش روان و با معنی اصلی منطبق بود.

به غیر از آثار مذهب بودا، سوان جانگ طبق تجربهٔ خود کتاب یادداشت‌های منطقهٔ غربی تانگ را نوشت. او در این کتاب، ویژگی‌های جغرافیایی سرزمین‌های میان چین و هندوستان را نوشته و تاریخ، فرهنگ و سیاست هر سرزمین را تشریح داده است. کتاب وی هنوز اثر گرانبهای پژوهش‌های تاریخی و جغرافی برای کشورهای افغانستان، پاکستان، هند و کشورهای آسیای مرکزی به حساب می‌آید.

از قرن ۱۹ تا به حال، این کتاب به ده‌ها زبان زندهٔ دنیا ترجمه شده است. تأثیرات سوان جانگ در زمینهٔ فرهنگی از هدف و ثمرات مستقیم فرا گرفتن عبارات کتب مقدس بودایی بیش‌تر بوده است. وی نه تنها کارشناس مترجم و تئوری علم بودا و مورد شناسایی جامعه جهانی است، بلکه کارشناس گردشگری قدیمی چین به حساب می‌آید. از سلسلهٔ تانگ، برخی داستان‌نویس‌ها به شرح زندگی او پرداخته‌اند و از آن پس نام وی وارد رمان افسانه‌ای سفر به غرب شد.

ضمیمهٔ سوم : جنبه‌های مختلف فرهنگ چینی‌ها

عبادت اژدها در میان چینی‌ها

چینی‌ها معمولاً خود را فرزندان اژدها می‌خوانند و اژدها به نمادی برای ملیّت چینی تبدیل شده است. روش عبادت اژدها در میان مردم چین متفاوت است و عمدتاً چهار مفهوم را در برمی‌گیرد : اژدها برترین موجود است، اژدها حامی است، اژدها رب النوع آب است و چینی‌ها خود اژدها هستند. این‌ها چهار مفهوم یاد شده می‌باشند. عید چینی جین‌جه، مفهوم فرهنگی اول را در برمی‌گیرد. این عید مصادف با ماه دوم به تقویم کشاورزی چین است. در این زمان، حیوانات از خواب زمستانی بیدار می‌شوند و بیرون می‌روند. مردم این عید را عید بیدارشدن اژدها می‌نامند که نشان می‌دهد اژدها برترین موجود است.

علاوه بر این، ویژگی‌های اژدها نیز این موضوع را بیان می‌کند. در یادداشت‌های تاریخی چین که دربارهٔ اژدها نوشته شده است، شاخ اژدها مانند شاخ گوزن، گردن اژدها مانند بدن مار، فلس اژدها مانند فلس ماهی، چنگال‌های آن مانند چنگال‌های عقاب، گوش‌های اژدها مانند گوش‌های گاو و ... است.

توصیف مردم دربارهٔ اژدها بیانگر مفهوم دوم است. چینی‌ها اژدها را حامی می‌دانند. عادت سنتی چینیان در پاشیدن خاکستر در اطراف خانه این طرز تفکر را می‌نمایاند. در عید بیدار شدن اژدها، مردم برای جلوگیری از ورود حشرات به خانه، خاکستر را به شکل اژدها در اطراف خانه می‌پاشند. هدف از این اقدام این است که با استفاده از شکل و صورت قیافه اژدها حشرات بترسند. این عادت قدیمی چینیان است.



چینیان طبق آداب و رسوم قدیمی همچنان اژدها را در جایگاه یک حامی عبادت می‌کنند. مردم در عیدها چراغ اژدها روشن می‌کنند و رقص شیر انجام می‌دهند. آنان اژدها و شیر را حامی می‌شناسند تا از شر شیطان جلوگیری کرده و سعادت ابدی پیدا کنند.

چینیان همچنین اژدها را رب النوع آب می‌شناسند. مردم با پاشیدن خاکستر در کنار چاه از اژدها می‌خواهند که آنان را برای رشد وفراوانی محصولات دعا کند. آنان بامداد از چاه آب نمی‌کشند تا از برخورد با سر اژدها در آب و بروز بلایای طبیعی و خشکسالی و غیره جلوگیری کنند.

بر پایهٔ یک سفالینهٔ قدیمی چهار هزار ساله، نقش اژدهایی که خوشهٔ گندم در دهان دارد، به چشم می‌خورد. این موضوع نیز نشان می‌دهد که مردم آن زمان، اژدها را رب النوع آب می‌دانسته‌اند و از اژدها طلب هوای مساعد و محصولات فراوان می‌کرده‌اند.

چینیان سر خود و یا کودکان را نیز سر اژدها می‌خوانند. آنان خود و یا کودکانشان را به اژدها تشبیه می‌کنند. در چین ضرب‌المثلی با عنوان آرزو برای تبدیل کودکان به اژدها وجود دارد. به این معنا که والدین امیدوارند کودکانشان آتیهٔ درخشانی داشته باشد.

در پایان سلسلهٔ بهار و پاییز چین، مردم افراد مستعد را به اژدها تشبیه می‌کردند. برای نمونه، مردم امپراتور شی‌هوانگ‌تی را اژدهای بیدار می‌نامیدند. در دوران فئودالی، امپراتوران خود را پسر اژدها می‌خواندند. اکنون نیز چینیان خود را فرزندان اژدها می‌نامند.

خط هیروگلیف چینی و روند تکامل آن

خط چینی جزو خطوطی است که قدمتی دیرینه و بیش‌ترین استفاده‌کنندگان را دارد. پیدایش و استفاده از خط چینی نه تنها به توسعهٔ فرهنگ چین مساعدت کرده، بلکه تأثیرات دیرپایی بر توسعهٔ فرهنگ جهان داشته است. در میان آثار باستانی کشف شده، پنجاه نوع علامت و نشانه با قدمت بیش از شش هزار سال وجود دارند که دانشمندان معتقدند این نشان‌ها، منشا خط هیروگلیف چینی بوده‌اند.



ساختار کامل زبان چینی در قرن ۱۶ قبل از میلاد در سلسلهٔ شانگ شکل گرفت. مطالعات تاریخ شناسی نشان می‌دهد در آن زمان تمدن چین به سطح بالایی رسیده است و بزرگ‌ترین ویژگی آن اختراع خط جیاگوون بوده است. جیاگوون یک نوع خط باستانی است که روی استخوان‌های حیوانات و لاک لاک‌پشت‌ها نوشته می‌شد.

پادشاهان سلسلهٔ شانگ اغلب روی این استخوان‌ها تفأل می‌زدند و جیاگوون برای آن ضروری بود. برای استفاده از استخوان حیوانات و لاک لاک پشت، باید ابتدا گوشت و خون روی آن‌ها را پاک کرده، پس از صاف‌کاری، روی آن‌ها حکاکی می‌نمودند. فرورفتگی که پس از حکاکی روی استخوان و لاک هویدا می‌شد، منظم بود.



مرکبدان و قلمدان به شکل لاک پشت از آثار سلسلهٔ سون
داخل بدن این لاک‌پشت مرکب قرار می‌گرفت و سوراخ‌های تعبیه شده در پشت آن محل گذاشتن قلم بود.

جادوگران اسم خود، تاریخ فالگیری و سؤالات را روی استخوان یا لاک حکاکی می‌کردند و سپس آن‌ها را با آتش حرارت می‌دادند تا شکاف‌هایی در آن ایجاد شود. جادوگران با مطالعهٔ این شکاف‌ها فالگیری می‌کردند و نیز روی استخوان یا لاک حکاکی می‌کردند. تاکنون ۱۶۰ هزار قطعه استخوان حیوانات و لاک لاک‌پشت در چین کشف شده است که بعضی از آن‌ها کامل است، اما بعضی دیگر حکاکی نشده است. طبق آمار، جمعاً چهار هزار کلمه روی آن‌ها حکاکی شده است که سه هزار کلمه از میان آن‌ها مورد تأیید دانشمندان قرار گرفته است. با این‌حال، دانشمندان دربارهٔ هزار کلمه توضیح یکسان داده‌اند و سایر کلمات ترجمه نشده‌اند یا توضیحات مربوط به آن‌ها یکسان نیست. با این حال، از طریق همین هزار کلمه نیز می‌توان با زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سلسلهٔ شانگ آشنا شد. جیاگوون نوعی خط کامل می‌باشد که برای توسعهٔ زبان در چین، سودمند بود. از آن پس، شیوه‌های مختلف زبان چینی به وجود آمده و همچنان مورد استفاده است.

در یک هزار سال گذشته، شکل استاندارد کلمات چینی ثابت مانده است. کلمات تصویری، اساس کلمات خط چینی است. البته امروزه کلمات تصویری- تلفظی که بر اساس کلمات تصویری اختراع شده‌اند، اکثر واژه‌های چینی را تشکیل می‌دهند و شمار آن‌ها به ده هزار واژه می‌رسد، اما فقط سه هزار کلمه از میان آن‌ها اغلب مورد استفاده قرار می‌گیرد. خط چینی در کشورهای همسایه نیز نفوذ دارد. خطوط ژاپنی، ویتنامی و کره‌ای بر اساس خط هیروگلیف چینی خلق شده‌اند. در خط ژاپنی بیش از یک هزار هیروگلیف چینی مورد استفاده قرار گرفته است.

عادت ازدواج در میان چینیان

مراسم ازدواج در چین قدیم به شش مرحله تقسیم می‌شد؛ به عبارت دیگر، داماد به عروس هدایای نامزدی می‌داد. سپس پیشنهاد ازدواج می‌کرد و اسم و روز تولد عروس را می‌پرسید. بعد از آن، یک روز خجسته را انتخاب و مراسم ساده برگزار می‌گردید و دو طرف نامزد می‌شدند. در مرحلهٔ بعد داماد وسایل مورد استفاده در زندگی را به عروس می‌داد. سپس یک تاریخ خجستهٔ دیگر تعیین می‌کردند و آخرین مرحلهٔ برگزاری مراسم ازدواج انجام می‌شد.

مراسم ازدواج نیز امروزه با برخی آداب و رسوم همراه است. برای نمونه، عروس هنگامی که خانوادهٔ خود را ترک می‌کند، می‌باید گریه کند تا نشان دهد نمی‌خواهد خانواده‌اش را ترک کند. در مراسم ازدواج، داماد و عروس به پدران و مادران و اعضای خانواده تعظیم می‌کنند. مراسم جالب‌تر این است که پس از برگزاری مراسم عروسی، مهمانان با هیاهو و شادی‌کنان با عروس و داماد شوخی می‌کنند.

وسایل عروس در دوره‌های مختلف، متفاوت بوده است. قبلاً چینیان از کالسکه و یا کجاوه استفاده می‌کردند. در بعضی مناطق نیز از قایق، اسب و خر استفاده می‌شد.

به دنبال پیشرفت جامعه، مراسم عروسی ملیت هان نیز تغییر کرده است؛ برای نمونه ، در سال ۱۹۴۹ میلادی پس از تأسیس جمهوری خلق چین، جوانان عادات و رسوم قدیمی مراسم عروسی را کنار گذاشتند. در آن زمان سطح زندگی چینیان بالا نبود. بدین سبب، مراسم عروسی ساده برگزار می‌شد. معمولاً داماد و عروس فقط سند ازدواج می‌گرفتند و دیگر مراسمی برگزار نمی‌کردند.

در دهۀ هفتاد، مراسم عروسی چینیان متفاوت بود. زندگی‌شان بهتر شده و مراسم عروسی متنوع بود. داماد با دوچرخه و یا تراکتور عروس را به خانه می‌آورد. بعضی‌ها حتی از خودرو ساخت چین استفاده می‌کردند. هدایای مهمانان به داماد و عروس بیش‌تر حوله، تشک و روبالشی بود. البته شیرینی و شراب بسیار مصرف می‌شد.

در مراسم عروسی، داماد و عروس شیرینی به مهمانان می‌دادند و به سلامتی مهمانان می‌نوشیدند. پس از سال‌های دهۀ هشتاد ، مراسم عروسی چینیان بسیار تغییر یافته است؛ برای نمونه، کار تدارکات مراسم عروسی این موضوع را نشان می‌دهد. ماشین لباسشویی، تلویزیون و لوازم برقی دیگر جزو وسایل اصلی زندگی شده است. داماد معمولاً با استفاده از خودروهای وارداتی مانند بنز، عروس را به خانۀ خود می‌آورد. این خودروها نیز معمولاً با گل و پارچه‌های ابریشمی قرمز و یا اسباب‌بازی تزیین می‌شوند. بسیاری از مراسم عروسی در هتل برگزار می‌شود. از مراسم فیلمبرداری می‌شود. بعضی جوانان، تدابیر مبتکرانه‌ای اتخاذ می‌کنند و مراسم عروسی را مانند خارجیان در کلیسا برگزار می‌کنند، اما در سال‌های اخیر، جوانان چین دیگر مراسم عروسی را با شکوه برگزار نمی‌کنند. آنان فقط شیرینی به اعضای خانواده و دوستان می‌دهند و عکس می‌گیرند. سپس به مناطق دیدنی در داخل و یا کشورهای خارجی سفر می‌کنند.

عید بهار چین

عید بهار همانند کریسمس غربی‌ها و عید نوروز ایرانیان، پرشکوه‌ترین عید چینی‌ها و سال نوی آنان به تقویم کشاورزی محسوب می‌شود. گرچه به دنبال پیشرفت زمان، محتوا و طرز گذراندن عید بهاره متحول شده، اما این عید در زندگی و آگاهی مردم چین بسیار تأثیرگذار بوده و هست.

نهم فوریهٔ هر سال، مصادف با عید بهار چین است. این نخستین روز از ماه اول سال به تقویم کشاورزی چین است. به نظر چینی‌ها عید بهار به معنای فرا رسیدن بهار است. گفته می‌شود این عید بیش از چهار هزار سال قدمت دارد و و منشأ آن به عبادت آسمان در قدیم باز می‌گردد.

در نقاط مختلف چین، سنت‌ها و رسوم متفاوتی برای گذراندن عید بهار وجود دارد، اما مردم همهٔ نقاط به شب‌نشینی‌های خانوادگی در این عید اهمیت می‌دهند. اعضای خانواده که در مناطق متفاوت کار می‌کنند، معمولاً در این شب نزد پدر و مادر خود آمده و باهم غذا می‌خورند. ساکنان شمالی چین معمولاً خوراکی به نام جیائوزه می‌خورند و در فهرست غذاهای ساکنین جنوبی دو نوع غذا، یعنی ماهی و دائوفو (نوعی غذا که با لوبیا تهیه شده است) حتماً مشاهده می‌شود، زیرا تلفظ واژه‌های این دو غذا به معنای رفاه و ثروتمندی است.

عید بهار اسم دیگری نیز دارد که نیان گفته می‌شود. در قدیم، مردم تصور می‌کردند که هرگاه حیوانی به نام نیان بیاید، درختان می‌میرند و علف‌ها از بین می‌روند و پس از رفتن این حیوان، همه چیز در دنیا حیات می‌یابد. در این روز، مردم با منفجرکردن ترقه‌ها، نیان را بیرون می‌راندند. البته امروزه به علت امنیت و آلودگی هوا در پکن و برخی از شهرهای بزرگ، منفجر کردن ترقه قدغن شده است.

در آستانهٔ عید بهار مردم اشعار و نقاشی‌هایی با موضوعات خجسته مانند آرزوی سلامتی را بر در و پنجره و دیوار می‌چسباندند. این گونه اشعار و نقاشی‌ها همانند ترقه‌ها در قدیم به منظور ترساندن نیان و پرهیز از اشرار چسبانده شده و آهسته آهسته به عادات و رسوم مبدل شده است. مردم همچنین فانوس‌های سرخ را بر در منازل خود آویخته و کلمهٔ ثروت را روی دیوارها می‌چسبانند. پس از روز اول عید بهار مردم به دید و بازدید دوستان و نزدیکان می‌روند و سال نو را به یکدیگر تبریک می‌گویند.

به دنبال ارتقای سطح زندگی، فعالیت‌های جشن عید بهار نیز رنگارنگ‌تر شده است. ضمن حفظ سنت‌ها، فعالیت‌های جدیدی مانند سفر یا اسکی‌بازی نیز رایج شده است. چینی‌ها در این عید، هفت روز تعطیل هستند. شایان ذکر آن‌که در کشور بزرگ چین علاوه بر ملت هان، ۵۵ اقلیت ملی نیز وجود دارند. هر چند آنان زبان و خط و عادات و رسوم زندگی متفاوتی دارند، اما اکثر آنان نیز عید بهار را با شکوه زیاد جشن می‌گیرند. در حال حاضر، چینی‌ها آداب و رسوم عید بهار را به نقاط مختلف در سراسر جهان گسترانده‌اند و در هنگام عید بهار به تقویم کشاورزی چین، مقامات کشورهای مختلف جهان عید بهار را به چینی‌ها تبریک می‌گویند و خارجیان بسیاری نیز به فرهنگ سنتی چین بیش‌تر علاقه‌مند شده‌اند.

عید مهتاب چین

۱۸ سپتامبر هر سال مصادف با یکی از مهم‌ترین اعیاد سنتی کشور چین است. چینی‌ها در این روز مهتاب را تماشا می‌کنند و برای همدیگر سعادت آرزو می‌کنند.

عید مهتاب و اواسط پاییز ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند. طبق تقویم کشاورزی چین، ماه هشتم در وسط فصل پاییز سالروز عید مهتاب است. تقویم کشاورزی چین، تقویم قمری است و از این رو در وسط ماه هشتم، ماه به شکل هلال کامل دیده می‌شود. در فصل پاییز، آسمان روشن و هوا خنک است و مردم برای گذراندن عید مهتاب فعالیت‌هایی مانند عبادت ماه یا تماشای مهتاب برگزار می‌کنند.

دربارهٔ سرچشمهٔ عید مهتاب، افسانه‌های قدیمی فراوانی وجود دارد. افسانهٔ چان‌عه که در اول کتاب به آن اشاره کردیم، زبانزد همه است. در نوع دیگری از افسانه گفته می‌شود که هوآی و چان‌عه زن و شوهری پرعاطفه بودند. هوآی قهرمانی بود که مردم را از دست اشرار نجات می‌داد. آنان می‌خواستند برای همیشه زنده مانده و با هم زندگی کنند. وقتی هوآی با زحمت زیاد از ملکهٔ آسمانی اکسیر حیات را به دست آورد، شاگردش خبردار شد. روز پانزدهم ماه هشتم (مصادف با ۱۸ سپتامبر)، هوآی در خانه نبود و شاگردش با زور از چان‌عه خواست که اکسیر حیات را به او بدهد. چان‌عه که چاره‌ای نداشت و نمی‌خواست اکسیر به دست او بیفتد، آن را بلعید و در نتیجه بدنش سبک شد و به آسمان رفت و در کرهٔ ماه سکونت گرفت. هوآی پس از بازگشت به خانه این خبر را شنید و بسیار غمگین شد. او برای ابراز دلتنگی برای همسرش در حیاط هندوانه، میوه و غذاهای دیگر گذاشت و ماه را عبادت کرد. روستاییان از این واقعه متأثر شدند و آن‌ها نیز به عبادت ماه پرداختند. عید مهتاب در واقع از این مراسم قدیمی سرچشمه گرفته شده است.

طبق یادداشت‌های تاریخی، بیش از دو هزار سال پیش مراسم قربانی خورشید در فصل بهار و مراسم قربانی ماه در فصل پاییز برای برکت محصولات برگزار می‌شد. معبد ماه یکی از بناهای نامدار پکن، محل قربانی ماه در سلسلهٔ مینگ بود. عید مهتاب از سلسلهٔ تانگ در قرن هفتم میلادی به مراسم تماشای مهتاب تبدیل شد.

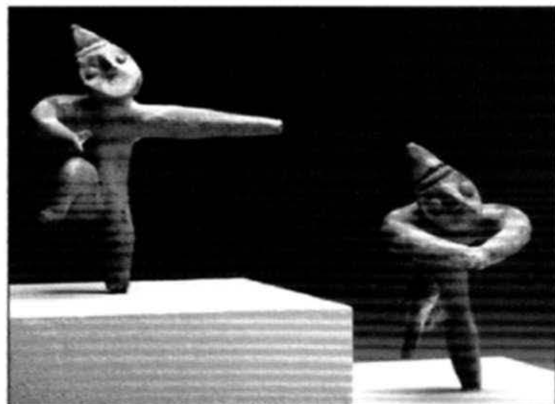
فصل پاییز برای کشاورزان فصل برداشت محصولات است. کشاورزان در این روز شراب نوشیده، می‌رقصند و برداشت محصولات را جشن می‌گیرند. آنان ضیافت را با رقص و آواز برپا می‌کنند و دسته جمعی شعر مهتاب را می‌خوانند. چه اشراف و چه مردم معمولی همگی به تماشای مهتاب علاقه دارند. در نقاط مختلف چین ساختمان‌های باستانی زیادی مانند عمارت تماشای ماه باقی مانده است. چینی‌ها همچنین عید مهتاب را عید گردهمایی می‌دانند. مهم‌ترین فعالیت این روز، خوردن کیک ماه است که گرد می‌باشد. بزرگان خانواده، کیک ماه را بین اعضای خانواده توزیع می‌کنند. عید مهتاب برای کسانی که از خانه خود دور بوده و یا در سفر هستند، روز دلتنگی به حساب می‌آید. آنان با تماشای مهتاب دلتنگی خود را ابراز می‌کنند . تمام چینی‌های داخل و خارج کشور عید مهتاب را گرامی می‌دارند.

نمایش تئاتر سلسهٔ سون

نمایش تئاتر در سلسلهٔ جو در قرن ۱۱ قبل از میلاد از پیشرفت چندانی برخوردار نبود و تنها به رقص و آواز با محتوای درام خلاصه می‌شد که از مراسم مذهبی قربانی گرفته شده بود، تا این‌که در سلسلهٔ سون (سال‌های ۹۶۰ تا ۱۲۷۹ میلادی) نمایش تئاتر واقعی با آمیزش هنر گفتگو با آوازخوانی و رقص به وجود آمد. سلسلهٔ سون با به ارث بردن قسمتی از میراث موسیقی و فرهنگی سسلهٔ تانگ و همچنین به علت تکمیل و بهسازی آلات موسیقی و نیز درهم آمیختگی هنر رقص و آکروبات به پیشرفت‌های عظیمی نائل آمد. از آن‌جا که در نتیجهٔ پیشرفت سریع صنایع و بازرگانی سلسلهٔ سون، شهرها و دادوستد روز به روز رونق می‌گرفت، هنر و ادبیات عامیانه در شهرها نیز رواج یافتند و میدان‌های نمایش یکی پس از دیگری ساخته شدند. این میدان‌ها اغلب گنجایش بیش از یک هزار نفر را داشتند. در این میدان‌ها همچنین انواع تفریحات و نمایش‌ها از قبیل تئاتر، عروسک بازی و خیمه شب بازی و گفتگو دربارهٔ داستان‌های تاریخی به معرض نمایش گذارده می‌شد و شرایط مساعدی برای تبادل تجربیات هنرمندان با یکدیگر فراهم می‌آورد. به دنبال آن عده‌ای از مؤلفان حرفه‌ای هم به وجود آمدند. آن‌ها اغلب با هنرپیشگان در ارتباط بودند و در ارتقای کیفیت ادبی و هنری و نمایشی همکاری می‌کردند. یکی از شکل‌های مهم تئاتر سلسلهٔ سون، تساچون نام داشت. این گونه تئاتر معمولاً از چند قسمت از قبیل پیش پرده و تئاتر اصلی تشکیل می‌شد و همچنین نمایش‌های مختلف همراه با لطیفه‌گویی با محتوای طنزآمیز داشت. این لطیفه‌ها در انتقاد از نواقص و عیوب جامعه نقش عالی ایفا می‌کردند.

شکل‌گیری و پیشرفت تئاتر نمایشی سلسلهٔ سون، نتیجهٔ پیوند و تبادل اشکال هنری نظیر رقص و آواز و گفتگو بود. این بر موسیقی سلسله‌های بعدی، یعنی یوان، مینگ و چینگ تأثیر زیادی داشت و مرحلهٔ تاریخی مهمی از جریان پیشرفت تئاتر چین به شمار می‌رود.





مجسمهٔ بازیگران تئاتر از آثار سلسلهٔ سون

چهار اثر ادبی مشهور کلاسیک و باستانی چین

پیش از قرن ۱۴ میلادی، ادبیات چین به طور عمده از شعر، نثر و رمان‌های کوتاه تشکیل می‌شد. از این زمان به بعد، رمان‌های بلند تدریجاً پا به عرصه گذاشتند. داستان سه کشور که بالاترین موفقیت رمان تاریخی را در چین کسب کرده است، توسط لوگوان‌جون طی این دوران نوشته شده است. داستان سه کشور، تاریخ چین را از سال ۱۸۴ تا ۲۸۴ میلادی توصیف می‌کند. آن زمان چین شامل سه کشور وی، شو و وو می‌شد. برای دستیابی به یکپارچگی کشور، درگیری‌هایی متمادی بین سه کشور رخ داد و نویسنده بر پایهٔ افسانه‌ها، آثار مردمی و مدارک تاریخی اصیل، حوادث نظامی، سیاسی و دیپلماتیک متعدد بین سه کشور را توصیف کرده است. این کتاب به عنوان اثری با موضوعات عمدهٔ نظامی خوانندگان را به خود جذب می‌کند. این رمان همچنین شخصیت‌های متعددی از قبیل چائو زائو؛ پادشاه کشور وی و جوگه‌لیان؛ وزیر کشور شو را با موفقیت ترسیم کرده است. جوگه‌لیان در این داستان‌ها سمبل خرد دانسته شده است. وی اهل عالم و دانش و در جنگ‌ها تقریباً شکست‌ناپذیر بود. در این داستان‌ها طراحی برخی از حیله‌ها و تاکتیک‌های جنگی به وی نسبت داده شده است.

زندگانی لیان‌سان نیز رمان بلندی دربارهٔ قیام دهقانان است که در پایان قرن ۱۴ میلادی نوشته شده است. قهرمانان این اثر شامل ۱۰۸ سرباز ارتش شورشی به ریاست لیان‌سان بودند. آنان به دلایل سیاسی، اقتصادی و یا تنها به علت وفاداری در جزیره‌ای گرد هم آمده بودند. آن‌ها به ثروتمندان حمله می‌کردند و آنچه را که به‌دست می‌آوردند به فقیران می‌دادند. قبل از ظهور این رمان، داستان‌هایی دربارهٔ لیان‌سان زبانزد شده و اُپراهای مربوط به آن نیز فراوان بود. شی‌نای‌آن (نویسندهٔ رمان) بر پایهٔ افسانه‌های مردمی و اُپراهای مربوطه، این رمان را خلق کرد.

سفر به غرب نیز یکی از چهار اثر مشهور باستانی در تاریخ ادبیات چین موقعیت خاصی دارد. نویسندهٔ آن سرگذشت سفر راهب سلسله تانگ در قرن نهم میلادی به هند را بیان کرده است که هدف وی کسب کتب مقدس دین بودا بود. این اثر نیز اولین رمان بلند افسانه‌ای چین محسوب می‌شود. رمان با توصیف حوادث رنج‌آور سوان جانگ و شاگردانش در راه رسیدن به حقیقت و دین پیموده‌اند.. در این کتاب شخصیت‌های برجسته، جذاب و مکروه خلق شده‌اند و دین بودا با تائوئیسم چین نیز به نحو احسن پیوند خورده است.

آخرین اثر از چهار اثر مشهور، رؤیای عمارت سرخ به قلم چائو شیه است. چائو شیه چین فرزند یک خانوادهٔ ثروتمند بود. پدر و پدر بزرگ وی مقامات بالا را تصدی کرده و با پادشاه وقت روابط نزدیک داشتند، اما در زمان چائو شیه این خانواده اختیارات و ثروت را از دست داده و در فقر و تهیدستی به سر می‌برد. چائو شیه بر اثر تحولات خانوادهٔ خود رویای عمارت سرخ را خلق کرد، اما به علت فقر کتابش را به اتمام نرساند و درگذشت. بعدها در جریان دست‌نویسی این اثر، یکی از رمان‌نویسان وقت کتاب را کامل کرد. رؤیای عمارت سرخ، تحولات زندگی خانواده‌های اشراف وقت را به طور گسترده منعکس

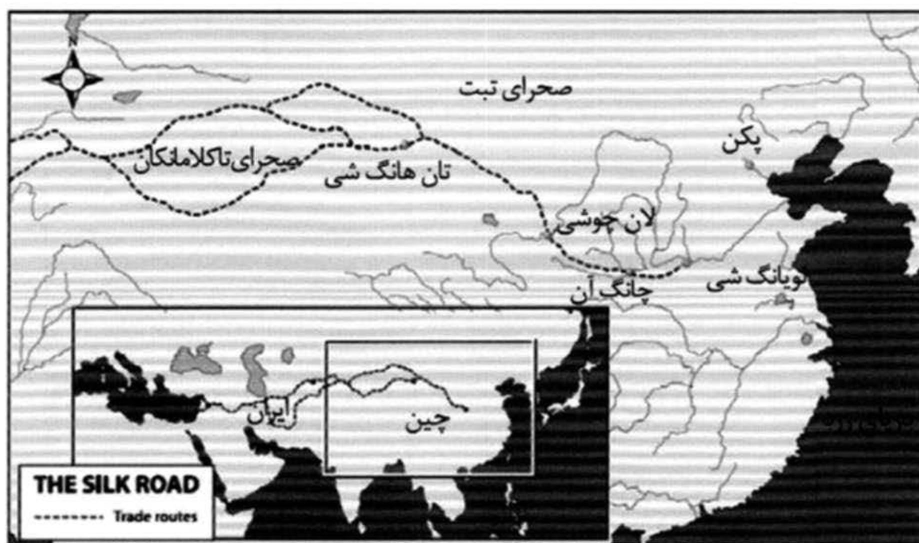
کرده است. در این رمان بیش از چهارصد شخصیت نامدار با ویژگی‌های متفاوت وجود دارند که توانایی ادبی نویسنده را نشان می‌دهد. توصیف ظریف و عالی نویسنده دربارهٔ زندگی روزمره برای شناسایی رسوم چینی‌ها در قرن ۱۸ میلادی ارزش زیادی دارد. رویای عمارت سرخ، اوج آثار ادبی چین دانسته می‌شود.

جادهٔ ابریشم

جادهٔ ابریشم، مهم‌ترین مسیر گسترش تمدن باستانی چین و پل مهم تبادلات اقتصادی و فرهنگی میان شرق و غرب بوده است. جادهٔ ابریشم توسط جانگ چیان که در سلسلهٔ هان غربی زندگی می‌کرد، افتتاح شد و از شهر قدیمی شی‌آن چین تا شهر رم ایتالیا امتداد داشت.

شهر شی‌آن علاوه بر مبداء جادهٔ ابریشم، پایتخت دو سلسلهٔ نیرومند هان و تانگ نیز بوده است. در دوران باستان پارچه‌های ابریشمی و کالاهای دیگر در این شهر متمرکز بود. بازرگانان کشورهای مختلف حریر و اطلس‌ها را به خوبی بسته‌بندی کرده و کاروان‌هایی تشکیل می‌دادند. کاروان‌ها ارتفاعات و صحراهای طولانی شرق چین را طی می‌کردند و از طریق ایران کالاهای خود را به غرب می‌رساندند.

جادهٔ باستانی ابریشم از دو شاخهٔ اصلی تشکیل می‌شد. شاخهٔ جنوبی از دون هوانگ آغاز می‌شد و از طریق قلعهٔ یانگ گوان، کوه کون لون، توسن لینگ، سینگ‌کیانگ، شمال شرق افغانستان، ایران و شبه جزیرهٔ عربستان تا رم امتداد می‌یافت. شاخهٔ شمالی از دون هوانگ آغاز می‌شد و از طریق دروازهٔ یو من به آسیای مرکزی (تاجیکستان و ازبکستان امروزی) کشیده می‌شد و از طریق شهر بلخ (در ترکمنستان امروزی) به کشور ایران امتداد می‌یافت و در نزدیکی شهر ری امروزی به شاخهٔ جنوبی متصل می‌شد.



مسیر جادهٔ ابریشم در قرن دوم میلادی (دورهٔ اشکانیان در ایران)

سال ۱۹۸۶ میلادی، باستان‌شناسان خرابه‌های سان‌شین‌دوی را در استان سی چوان کشف کردند. آثار تاریخی مرتبط با فرهنگ آسیای میانه و فرهنگ یونن در این خرابه‌های سه هزار ساله کشف شد که از این میان، عصای طلایی به طول ۱۴۲ سانتیمتر، درخت مقدس و سردیس‌های برنزی بود . به نظر کارشناسان، در زمان تبادلات فرهنگی شرق و غرب به این منطقه راه یافته‌اند. اگر این دیدگاه درست باشد، این جادهٔ ابریشم حداقل از سه هزار سال پیش شکل گرفته است.

جادهٔ ابریشم دیگری نیز از شهر گوانگ جو آغاز می‌شد و از تنگهٔ من لا تسی (تنگه مالاکای امروزی)، شی‌لان (سریلانکای امروزی) به هند و از آن‌جا به آفریقای شرقی امتداد می‌یافت. این جاده، جادهٔ ابریشم دریایی نامیده می‌شد. آثار تاریخی حفاری در سومالی واقع در شرق آفریقا اثبات کرده که این جاده در زمان سلسلهٔ سونگ چین شکل گرفته است. جادهٔ ابریشم دریایی، چین را با کشورهای متمدن جهان متصل می‌کرد و علاوه بر تبادلات اقتصادی، باعث گفتگو و تبادل فرهنگ‌های شرق و غرب می‌شد. منابع تاریخی حاکی از آن است که مارکوپولو از راه جادهٔ ابریشم دریایی وارد چین شده و از همین جاده به زادگاه خود ونیز بازگشته است.

چهار اختراع بزرگ چینیان باستان (کاغذ، قطب نما، فن چاپ و باروت)

چهار اختراع بزرگ باستانی چین شامل کاغذ، فن چاپ، باروت و قطب‌نما می‌شود. این اختراعات در پیشرفت تمدن بشری تأثیر به سزایی داشتند و در تاریخ تمدن چین نیز صفحهٔ درخشانی باقی گذارده‌اند.

۱- قبل از اختراع کاغذ، چینیان از بسیاری مواد برای نوشتن استفاده می‌کردند. آنان چهار تا پنج هزار سال قبل علایم هیروگلیف را روی سنگ و ظروف سفالین و سه تا چهار هزار سال قبل روی لاک لاک‌پشت و استخوان حیوانات حکاکی می‌کردند. از سال ۷۰۰ تا ۲۰۰ پیش از میلاد، نوشتن روی تکه‌های بامبو و چوب بسیار رایج بود. روی این تکه‌ها ۲۲ تا ۲۵ هیروگلیف نوشته می‌شد. با این حال، تکه‌های بامبو بهترین ماده برای نوشتن نبود.

با بررسی‌های دراز مدت، در حدود سال ۲۰۰ قبل از میلاد تا سال ۲۵ میلادی، چینیان از خمیر ساخته شده با طناب کنفی، پارچهٔ پنبه‌ای و تور ماهیگیری کهنه، کاغذِ الیاف گیاهی می‌ساختند و به این ترتیب کاغذ، بهترین ماده برای نوشتن خلق شد. با وجود آن‌که از آثار تاریخی کشف شدهٔ چین، مشکل می‌توان زمان مشخص ساخت کاغذ را تعیین کرد، اما کاغذ مذکور زودتر از کاغذهای دیگر در جهان اختراع شده است. اختراع این کاغذ باعث اصلاحات مواد نوشتاری شد. مردی با نام *چای‌لون* در این اصلاحات تأثیر زیادی داشت و نام او به این دلیل در تاریخ جاویدان مانده است.

چای لون که در دوران هان شرقی زندگی می‌کرد، تجربیات کاغذ سازی از دوران حکمرانی هان غربی را جمع‌بندی کرد و دست به آزمایش و نوسازی فنی زد. وی هنگام ساخت مواد خام، به غیر از پارچهٔ پنبه‌ای و تور ماهیگیری کهنه، از پوست درختان نیز استفاده می‌کرد. با این روش، هم منبع مواد خام را

افزایش و هم هزینه کاغذ سازی را تنزل داد. با وجود آن‌که چای لون کاغذ را اختراع نکرد، اما وی به عنوان اصلاح کنندهٔ برجستهٔ صنعت کاغذ سازی، سهمی بسیار بزرگ ادا کرده است.

۲- قطب نما، دیگر اختراع چینیان باستان است. قطب نما در دوران هان (از سال ۲۰۰ قبل از میلاد تا سال ۲۰۰ میلادی) ساخته شد و در اوایل سلسلهٔ سون (اوایل قرن دهم میلادی) تکامل یافت. این روند در نوشتهٔ دانشمندان این سلسله ثبت شده است. به دنبال ساخت قطب نما، فن‌آوری دریانوردی بیش از پیش پیشرفت کرد. در حدود سال ۱۱۰۰ میلادی، دریانوردان چینی شروع به استفاده از قطب نما برای تعیین جهت‌های دریایی کردند. این اولین بار بود که در جهان برای تعیین جهت‌های دریایی از قطب نما استفاده می‌شد. استفاده از قطب‌نما نشانگر کسب توانایی دریانوردان باستان در طی مسافت‌های دور بود.

۳- در دوران کشورهای جنگجو در قرن چهارم پیش از میلاد، استفاده از مُهر بسیار رایج بود. در این قرن، فنون چاپ سنتی یعنی برگرداندن حروف از لوح سنگی اختراع شد. در سلسلهٔ تانگ (قرن هفت میلادی) و سلسلهٔ سون (قرن ده میلادی)، اقتصاد و فرهنگ چین بسیار پیشرفت کرد و نیاز به کتاب افزایش یافت. در این زمان مردم به راهی برای چاپ کتاب با زحمت کم نیاز داشتند.

با توجه به این نیاز اجتماعی بود که مردی به نام *بی‌شن* که در سلسلهٔ سون زندگی می‌کرد، فن چاپ با حروف چاپی را اختراع کرد و اولین حروف چاپی جهان را به وجود آورد. در این دوره، مردم خاک رس را در قطعات مختلف می‌ساختند و روی آن هیروگلیف حکاکی می‌کردند. سپس آن‌ها را در آتش گذاشته، تبدیل به سفال‌هایی برای چاپ حروف می‌کردند. چینی‌ها حروف چاپی را بر اساس نیازهایشان به ترتیب قرار داده، پس از چسباندن آن روی تختهٔ آهنی در جوهر فرو برده و چاپ می‌کردند. حروف چاپی می‌توانست بارها مورد استفاده قرار گیرد. فن چاپ با حروف چاپی بعدها در حدود قرن ۱۴ به کشورهای همسایه، یعنی کره و ژاپن راه یافت. بعدها، فن چاپ چین نیز از طریق جادهٔ ابریشم به مصر و اروپا رسید. فن چاپ باعث شد که پخش اطلاعات سریع‌تر و پردامنه‌تر شود.

۴- باروت را نیز جادوگرانی اختراع کردند که قرص‌های عمر جاویدان‌بخش می‌ساختند. آنان هنگام ساختن این قرص‌ها متوجه شدند که با گرم کردن گوگرد، ذغال چوب و نیترات پتاسیم، انفجار رخ می‌دهد. به دلیل آن‌که گوگرد و نیترات پتاسیم داروی طب سنتی چین هستند، مردم این جسم مختلط را داروی آتش می‌خواندند. قرن‌ها پس از واقعه، در سلسلهٔ سون (قرن ۱۰ میلادی)، باروت در اسلحه به کار گرفته شد که مرحلهٔ مهمی در تاریخ پیشرفت نظامی محسوب می‌شود. در قرن ۱۳ میلادی، باروت چین با کمک بازرگانان از راه هند به کشورهای عرب رسید. اروپا نیز در اواخر این قرن از طریق ترجمهٔ کتاب‌های عربی با نقش آن آشنا شد. پس از آن، باروت در جریان جنگ‌ها بیش از پیش به غرب راه یافت.

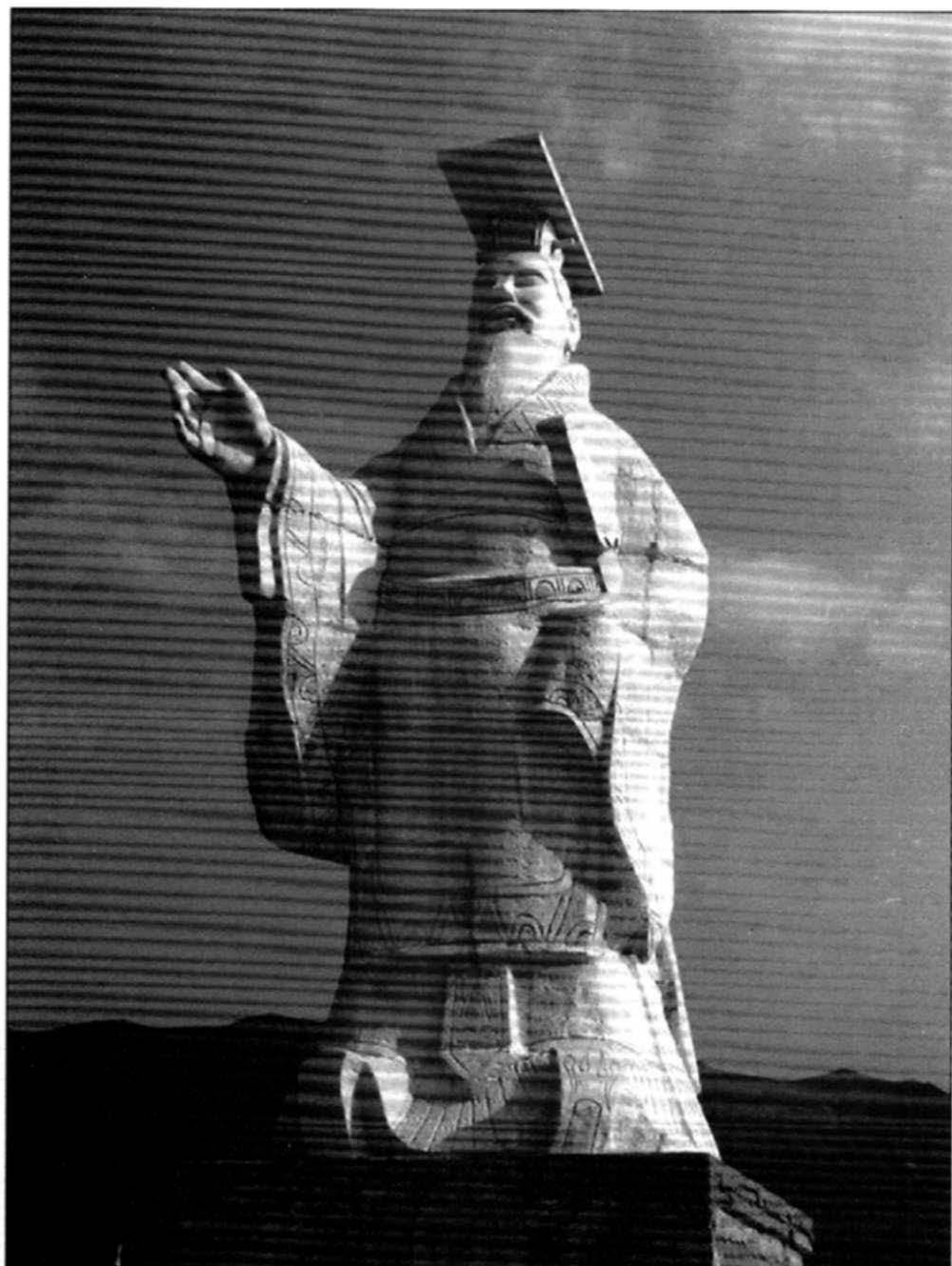
برخی از منابع

کتاب‌ها

۱- فرمر والتر، *تاریخ تمدن چین باستان*، ترجمهٔ فرزانه کریمی، تهران، انتشارات قدیانی
۲- ج. هال النور، *چین باستان*، ترجمهٔ مهدی حقیقت‌خواه، تهران، انتشارات ققنوس
۳- کریستی آنتونی، *اساطیر چین*، ترجمهٔ باجلان فرخی، تهران، انتشارات اساطیر
۵- بیرل آن، *اسطوره‌های چینی*، ترجمهٔ عباس مخبر، تهران، انتشارات نشر مرکز

سایت‌های اینترنتی

1-http://en.wikipedia.org/wiki/History_of_China
2-http://www.mnsu.edu/emuseum/prehistory/china/index.html
3-http://www.dpm.org.cn/English/E/e7/man-horse.htm
4-http://www-chaos.umd.edu/history/time_line.html
5-http://www-chaos.umd.edu/history/toc.html
6-http://www.metmuseum.org
7-http://www.artsmia.org



مجسمهٔ عظیم امپراتور شی‌هوانگ‌دی در نزدیکی آرامگاه وی در منطقهٔ شی‌آن





مجسمهٔ سنگی و مرمری اژدهای چینی از آثار دورهٔ هان غربی (۱۰۰ میلادی)

ضمیمهٔ اول : آثار مشهور چین باستان

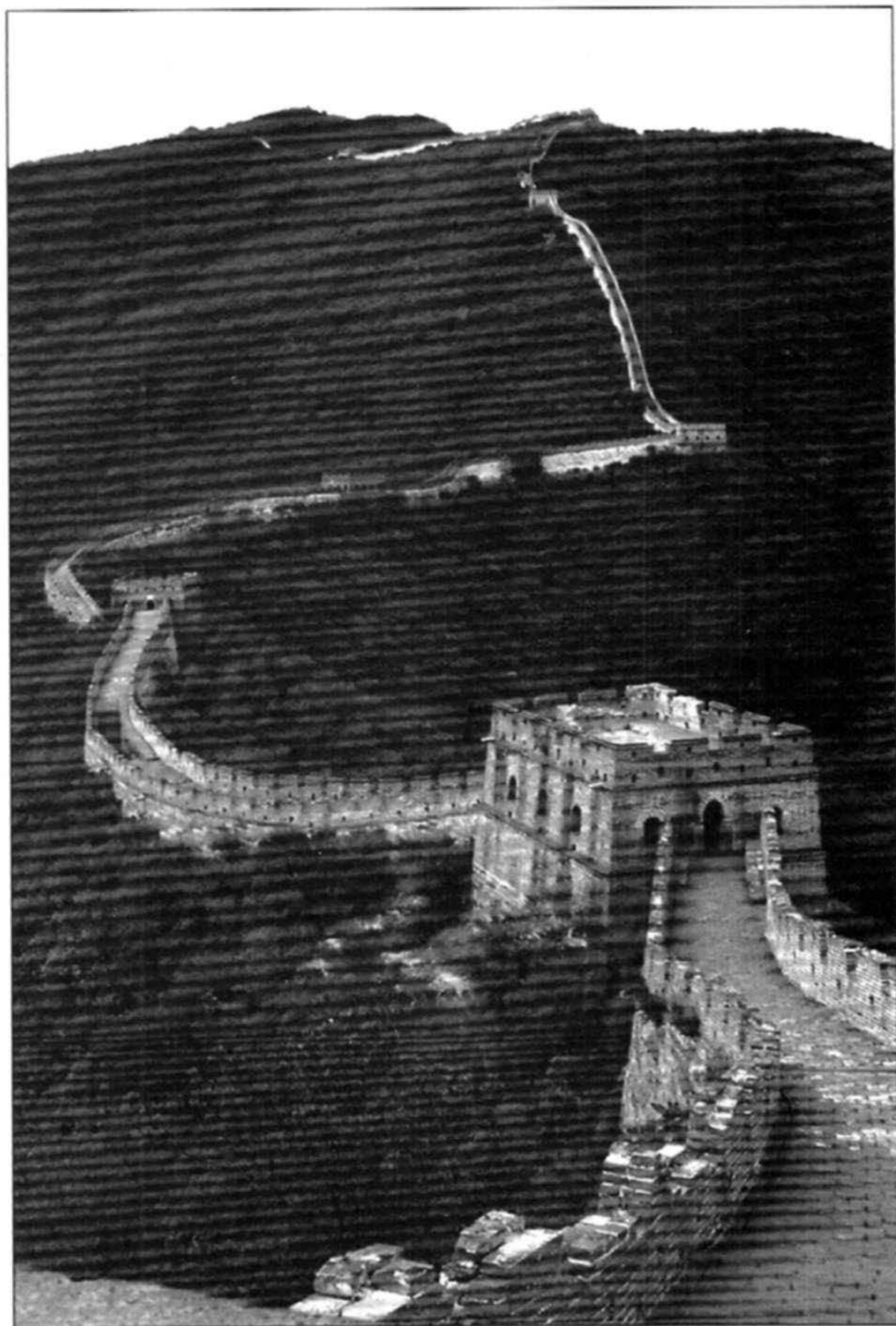
دیوار بزرگ چین

دیوار چین که یکی از هفت اعجاز جهان شمرده می‌شود، طولانی‌ترین و بزرگ‌ترین سیستم دفاع نظامی در دنیای باستان است. تاریخ ساخت دیوار چین به قرن نهم قبل از میلاد باز می‌گردد. حکومت وقت برای جلوگیری از حملات اقوام بربر شمالی، برج‌های خبررسانی و قلعه‌های مرزی برای دریافت اطلاعات از وجود دشمن ایجاد کرد. در دورهٔ حکمرانی سلسله‌های بهار و پاییز و کشورهای جنگجو، شاهان کشورهای شمالی، با استفاده از کوه‌های مرزی به ساخت دیوار برای کشور خود پرداختند. در سال ۲۲۱ پیش از میلاد، امپراتور شی‌هوانگ‌تی پس از به وحدت رساندن چین، دیوارهای قبلی را به هم متصل کرد تا به صورت دیواری بزرگ در مرزهای شمالی بر روی کوه‌ها درآمد. او می‌خواست با این کار از حملات دشمن به مراتع شمالی جلوگیری کند.

در سلسله‌های بعدی، امپراتوران کار را ادامه دادند تا این‌که طول دیوار به پنجاه هزار کیلومتر رسید. دیواری که اکنون آثار آن باقی است، متعلق به سلسلهٔ مینگ است که از میان نه استان، شهر و ناحیهٔ خودمختار می‌گذرد و طولی برابر با ۷۳۰۰ کیلومتر دارد و مردم آن را دیوار طولانی می‌نامند.

البته تمامی دیوار چین بر روی کوه‌ها ساخته نشده است، بلکه بخش‌هایی از بیابان‌ها، مراتع و لجن‌زارها عبور کرده است. کارگران طبق عوارض زمینی، ساختار متفاوتی برای ایجاد دیوار در نظر گرفتند که درایت و عقل نیاکان چینیان را نشان می‌دهد. دیوار بر مسیر کوه‌های پر فراز و نشیب امتداد یافته است و در بیرون دیوار پرتگاه‌های بلند دیده می‌شود. در واقع کوه و دیوار به یکدیگر پیوند خورده‌اند، لذا دشمن به هیچ‌وجه قادر به نفوذ به این دیوار نبود.

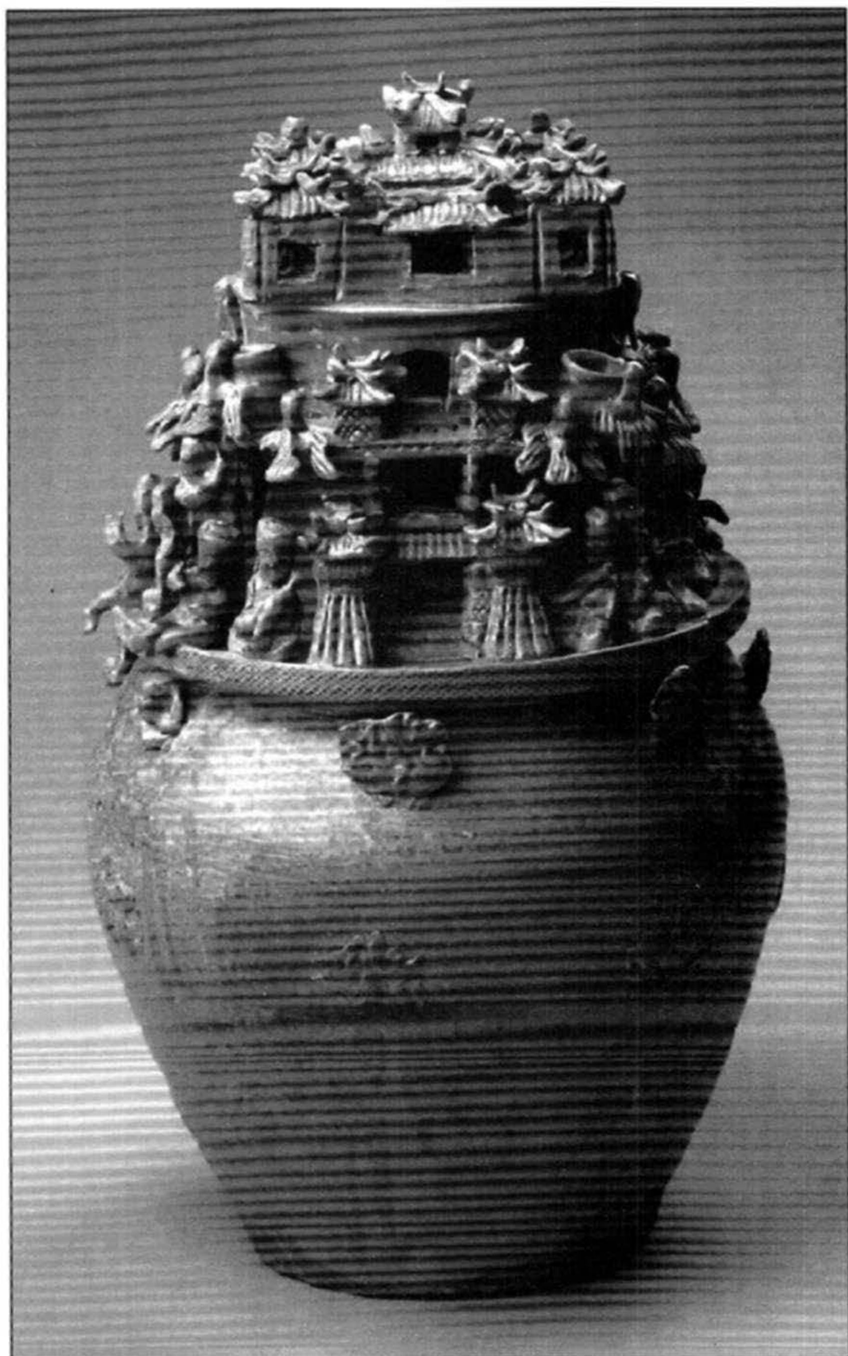
دیوار چین معمولاً با آجرهای بزرگ و سنگ مستطیل ساخته شده و در وسط آن خاک و خرده سنگ ریخته شده است. ارتفاع متوسط دیوار حدود ده متر است. پهنای پنج متری دیوار برای عبور چهار اسب گنجایش داشت تا در زمان انتقال غلات و سلاح‌ها مشکلی ایجاد نشود. در فاصله‌های معینی روی دیوار، سکو و برج آتش برای خبررسانی ساخته شده است. سکوی‌های دیواری برای ذخیرهٔ سلاح‌ها و غلات و استراحت سربازان بوده و در هنگام جنگ به جای مخفیگاه مورد استفاده قرار می‌گرفتند. هنگامی که دشمن دست به حمله می‌زد، برج‌های آتش را روشن می‌کردند تا سراسر کشور از حملهٔ دشمن آگاه شوند.



دیوار بزرگ چین



ناقوس مفرغی به ارتفاع ۳۰ سانتی‌متر متعلق به سلسلهٔ شانگ (قرن ۱۲ پیش از میلاد)
این ناقوس چکش نداشت و برای نواختن از بیرون با میلهٔ چوبی به آن ضربه می‌زدند.

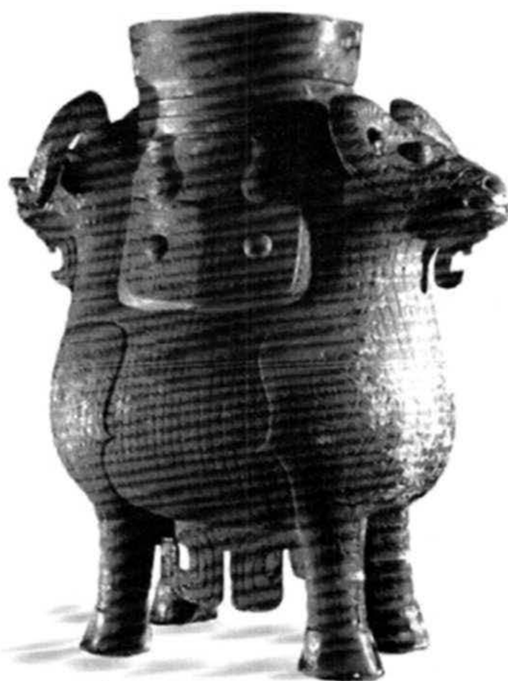


خاکستردان سفالی لعابدار با نقوش برجستهٔ حامیان روح که در آرامگاه متوفی دفن شده بود ؛ قدمت : قرن سوم پیش از میلاد

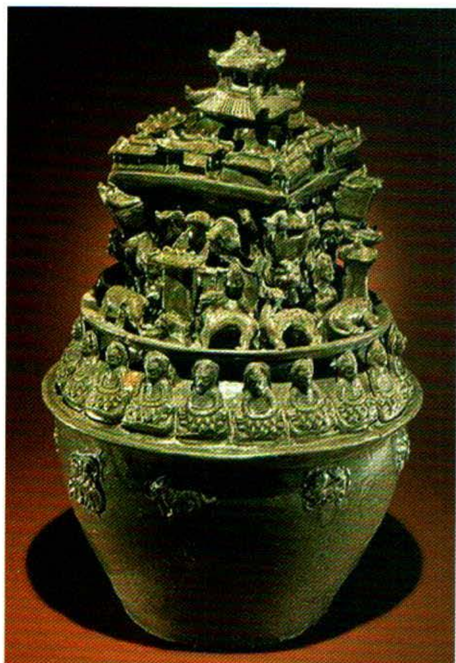


آبنمای زیبای سفالی که به شکل یک برج مراقبت مرزی ساخته شده است. قدمت اثر : دورهٔ هان (قرن اول میلادی)





جام‌های برنزی با دسته‌هایی به شکل سر پرنده و قوچ که در مراسم مذهبی شرابخوری استفاده می‌شدند.
قدمت آثار: سلسهٔ شانگ (قرن ۱۱ پیش از میلاد)
محل نگهداری : بریتیش میوزیوم لندن

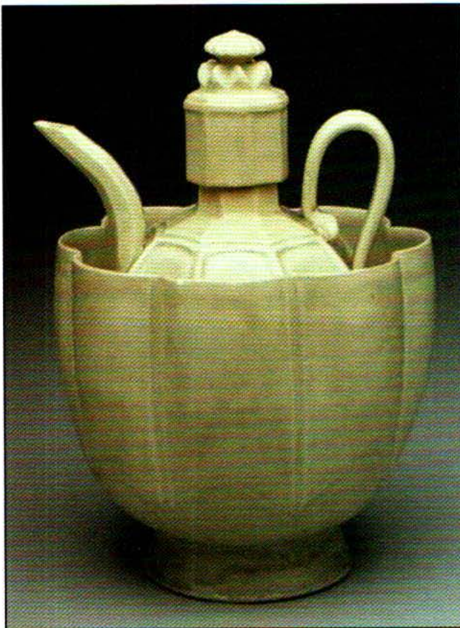


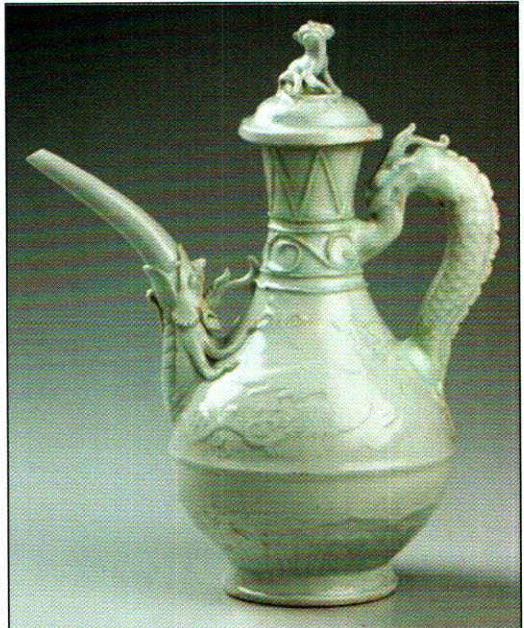
تصویر بالا : ظرف شرابخوری مفرغی با قالبی به شکل پرنده و تزیین شده با نقوش قلمزنی شدهٔ عالی متعلق به سلسلهٔ شانگ (قرن ۱۳ پیش از میلاد)

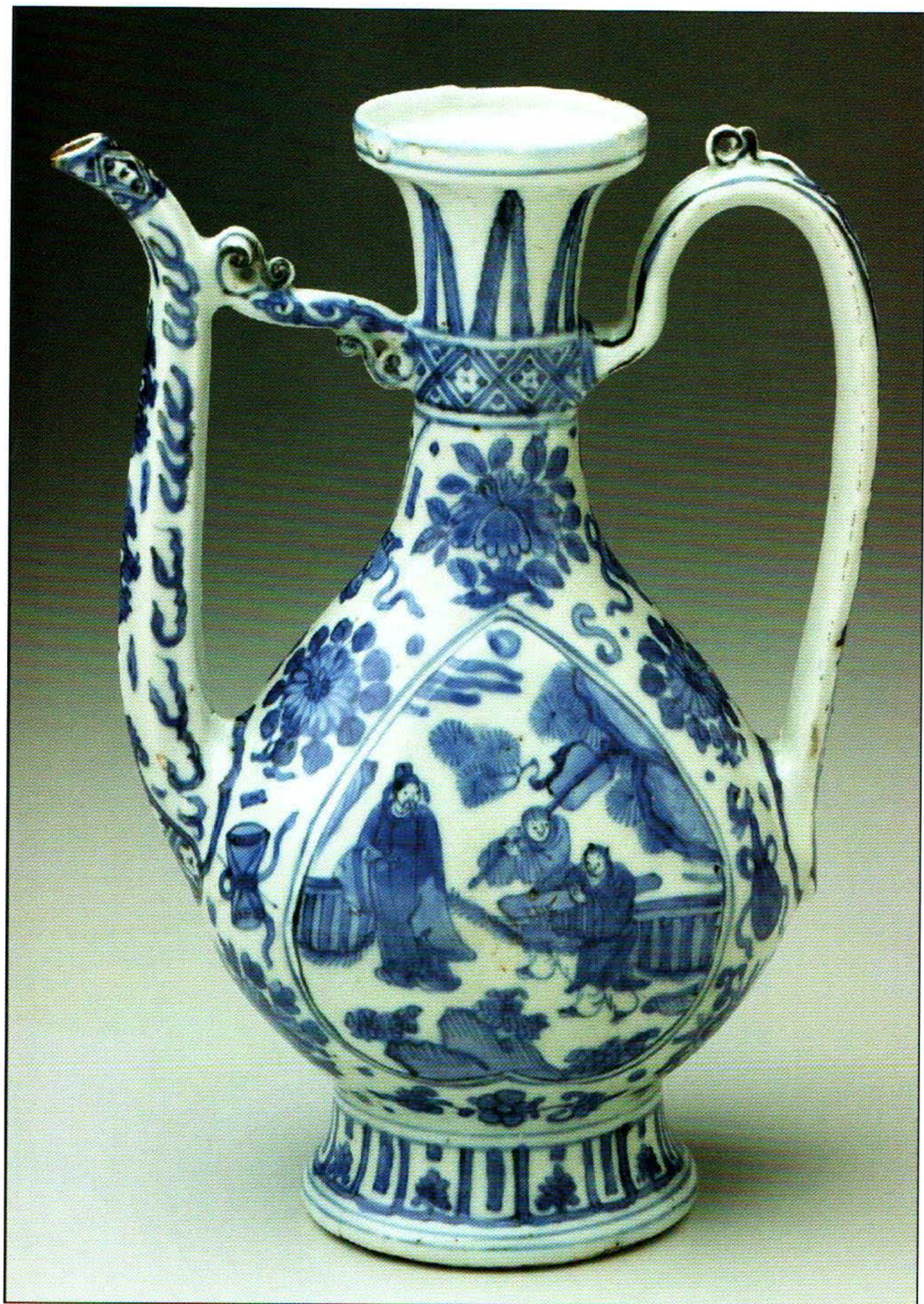
تصویر پایین : خاکستردان سفالی لعابدار، تزیین شده با نقوش برجستهٔ حیوانات و ضیافت حامیان متوفی متعلق به سلسهٔ جو (۳۰۰ پیش از میلاد)



ظروف چینی با لعاب تک‌رنگ؛ تزیین شده با نقش و نگارهای باستانی از عالی‌ترین دست‌ساخته‌های هنرمندان سلسلهٔ سون
قدمت : قرن دهم و یازدهم میلادی







پارچ چینی با لعاب سفید آبی و تزیین شده با نقش تائو و یارانش ؛ قدمت : سلسلهٔ مینگ (قرن ۱۴ میلادی)



مجسمهٔ سفالی لعابدار اسب به ارتفاع شصت سانتیمتر از آثار سلسلهٔ سوی (قرن ششم میلادی)





مجسمه‌های سفالی کوچک از گروه نوازندگان زن و آکروبات‌کاران مرد متعلق به سلسلهٔ تانگ (قرن نهم میلادی)



مجسمهٔ سفالی لعابدار موجود افسانه‌ای (ترکیبی از شیر، سگ و گاو) ؛ پاسدار آرامگاه امپراتوران سلسلهٔ تانگ (قرن هفتم میلادی)



مجسمهٔ سفالین لعابدار نماد نگهبان مردگان در برابر ورود ارواح خبیثه به آرامگاه آنان ؛ اثر متعلق به سلسلهٔ تانگ (قرن هفتم میلادی)



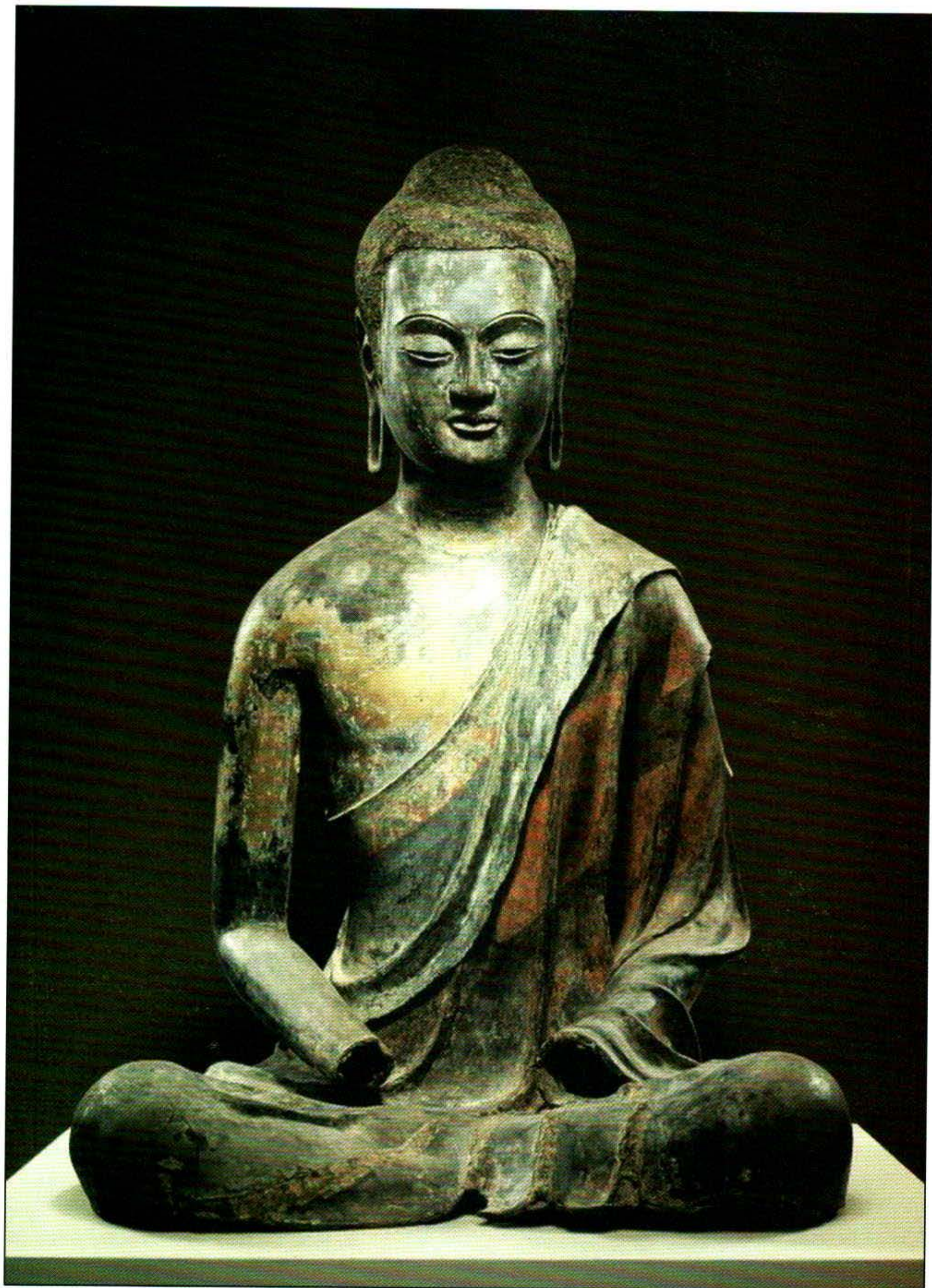
مجسمهٔ سرامیکی یک مقام عالی‌رتبه به ارتفاع ۴۵ سانتیمتر متعلق به سلسلهٔ سون (قرن یازده میلادی)



مجسمهٔ سفالی یک زن از طبقهٔ اشراف به ارتفاع سی سانتیمتر متعلق به سلسلهٔ تانگ (قرن هشتم میلادی)



مجسمهٔ سفالی لعابدار گوآنین (الههٔ بودایی) نشسته بر تخت ؛ نقشی شبیه اژدها نیز در زیر تخت او خوابیده است که نشان از غلبهٔ گوآنین بر هوای نفسش دارد. قدمت اثر : سلسلهٔ سون (قرن دهم میلادی)



تندیس برنزی زراندود و رنگ آمیزی شدهٔ بودای نشسته به ارتفاع حدود یک متر
قدمت اثر : سلسلهٔ تانگ (قرن هشتم میلادی)



مجسمهٔ برنزی زراندود شدهٔ بودیسوای نشسته - ارتفاع : ۲۵ سانتیمتر - قدمت : سلسلهٔ یوآن (قرن ۱۲ میلادی)



مجسمهٔ برنزی زراندود شدهٔ شاهزادهٔ جنگجو به ارتفاع پنجاه سانتیمتر از آثار سلسلهٔ مینگ (قرن ۱۳ میلادی)



تزیینات سوزن‌دوزی شدهٔ اژدهای چینی روی لباس امپراتور و پردهٔ ابریشمی



پرترهٔ کانگ‌ژی از امپراتوران سلسلهٔ چینگ (۱۶۷۰ میلادی)



پرترهٔ کیان‌لونگ (پنجمین امپراتور سلسلهٔ چینگ) متعلق به سال ۱۷۵۰ میلادی